

سوژه‌های سخن

(فکر و فکر و دیدگاه)

مؤلف: دکتر محمد علی باقری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوژه های سخن (در مکه و مدینه)

نویسنده:

نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	سوژه‌های سخن
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	مقدمه معاونت آموزش و تحقیقات
۱۴	سیمای ابراهیم - (ع) - در قرآن
۱۴	سیمای حج در اسلام
۱۷	فلسفه و اسرار حج
۱۹	سیمای پیامبر اکرم - (ص)
۳۸	سیمای ابوطالب - (ع)
۴۱	سیمای خدیجه - س
۴۲	سیمای دعا در اسلام
۴۸	سیمای توبه
۵۲	سیمای یاد خدا
۵۷	سیمای تقیه در اسلام
۵۹	ارزشها و ضد ارزشها
۶۳	سیمای هجرت پیامبر - (ص)
۷۷	سیمای مسجد
۷۸	گام به گام در حج
۸۴	چند روایت مفید
۸۸	سیمای عبادت
۹۲	سیمای ائمه معصومین بقیع - (ع)
۹۲	اشاره

*** امام حسن مجتبی - (ع) :- ۹۲

..... امام سجاد - (ع) :- ۹۷

..... امام باقر - (ع) :- ۹۸

*** امام صادق - (ع) :- ۹۹

*** فاطمه زهرا - (ع) :- ۱۰۰

..... سیمای وهابیت ۱۰۱

..... درباره مرکز ۱۲۰

سوزه‌های سخن

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: سوزه‌های سخن (در مکه و مدینه)

مشخصات نشر: تهران: نشر مشعر، ۱۳۷۲.

مشخصات ظاهری: ص ۱۱۵

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: حج

رده بندی کنگره: BP۱۸۸/۸/س ۹/۱۳۷۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳۶

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۲-۲۶۳۴

ص: ۱

اشاره

مقدمه معاونت آموزش و تحقیقات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج بطور صحیح و شایسته مو به مو عمل شود». (حضرت امام خمینی قدس سره)

حجّ نمایشی پرشکوه، از اوج رهایی انسان موحد از همه چیز جز او، و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس، و جلوه بی‌مانندی از عشق و ایثار، و آگاهی و مسئولیت، در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حجّ تبلور تمام عیار حقایق و ارزشهای مکتب اسلام است.

مؤمنان گرچه با این عبادت الهی، آشنایی دیرینه دارند، و هر سال با حضور شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحید می‌زدایند، و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند، و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه‌های حیاتبخش حجّ است، اما هنوز ابعاد بی‌شماری از این فریضه مهم، ناشناخته و مهجور مانده است.

پیروزی انقلاب اسلامی، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - حجّ را نیز همچون سایر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشانند، و سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. اما هنوز راهی دراز در پیش است، تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حجّ، شناخته و شناسانده شود، و مؤمن حجّ گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه، و مشاعر عظیمه، که محلّ هبوط ملائکه الله، و توقّف انبیا و اولیا بود، گام بگذارد.

در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظم رهبری با الهام از اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل، احیاگر حجّ ابراهیمی - قدس سره الشریف - و بهره‌گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه‌ای - مدظله العالی - با تأسیس معاونت آموزش و تحقیقات، تلاش می‌کند فصل جدیدی فراراه اندیشمندان مسلمان، و علاقمندان به فرهنگ حجّ، و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو در عرصه تحقیق و تألیف و ترجمه، آثار گوناگون پیرامون حقایق و معارف حجّ، آشنایی با اماکن مقدسه، تاریخ و سرگذشت شخصیت‌های بزرگ اسلام، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و بویژه آموزش مسائل و آداب حجّ تلاش‌هایی را آغاز کرده است.

آنچه اینک پیش روی خواننده قرار دارد برگ سبزی است از این دفتر.

بی‌گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارسائی‌ها خواهد کاست، و در این راه معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، و دست آنان را به گرمی می‌فشارد.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

معاونت آموزش و تحقیقات

بعثه مقام معظم رهبری

سیمای ابراهیم - (ع) - در قرآن

در آینه قرآن، ابراهیم انسانی است که از عرفان قوی برخوردار است (و لقد آتینا ابراهیم رشده... (۱)۱) چه آنکه وی حقایق هستی را از خالق هستی آموخته است (و كذلك نری ابراهیم ملکوت السموات والأرض) (۲)۲) بدیهی است که چنین انسان وارسته‌ای با تکیه بر قدرت لایزال الهی، حرکت به سوی حضرت حق را، «جهت» خویش قرار داده (انی وجهت وجهی للذی فطر... (۳)۳) و در این راستا با استفاده از شیوه‌های برهانی و منطقی (فلما جنّ علیه اللیل... (۴)۴) به تبیین خداپرستی پرداخته و از بت پرستی و بت پرستان بیزار می‌گردد (اف لکم ولما تعبدون من دون الله... (۵)۵) و نه بتان مجسمه‌ای را پذیرفت (ما هذه التماثیل... (۶)۶) و نه در برابر طاغوت سکوت اختیار نمود (الم تر الی الذی حاجّ ابراهیم... (۷)۷) او نه تنها از حق تبعیت داشت و دل را از هر زنگاری آراسته بود «و انّ من شیعتہ لَ ابراهیم اذ جاء رَبّه بقلب سلیم» (۸)۸) و با این ضمیر پاک و مطمئن بود که بتان را تحمل نمی‌کرد و به بت پرستانی که پذیرش منطقی او را نداشتند و برای سخن حق حسابی باز نکرده بودند، با قدرت اخطار نمود «تالله لا کیدنّ أصنامکم... (۹)۹) و این یک شعار تنها نبود «فجعلهم جُرّاداً الا کبیراً... (۱۰)۱۰) آنان که دیگر تحمل حضور وی را نداشتند، راهی جدید را پیش گرفتند «قالوا حرقوه و انصروا... (۱۱)۱۱) غافل از آنکه پروردگارش نخواهد گذارد که با وی چنان کنند «قلنا یا نار کونی برداً و... (۱۲)۱۲) او همچنان به وظیفه می‌اندیشید و می‌رود تا در کوران حوادث آبدیده شود چرا که آینده‌ای والا- و تابناک برایش مقدر است. ولی باید دید او چگونه عمل می‌کند. در عالم خواب حادثه‌ای را مشاهده می‌کند «انی اری فی المنام انی اذ بحک... (۱۳)۱۳) نباید تردید به خود راه داد «فلما اسلما و تله للجبین... (۱۴)۱۴) او فرزند دلبندهش را به قربانگاه برد و خدای ابراهیم که او را چنین یافت بر وی تحسین نمود «ونا دیناه ان یا ابراهیم... (۱۵)۱۵) و چنین آزمایشاتی بود که وی را به مرتبه رفیع امامت ارتقاء بخشید «اذا تبلی... قال انی جاعلک للناس اماماً» (۱۶)۱۶) و نه تنها امام، که از او یک امت ساخت (کان امه قانتاً) (۱۷)۱۷) و او را بر همگان اسوه نمود (قد کانت لکم اسوه... (۱۸)۱۸) چگونه اسوه نباشد، کسی که در راه حق، نه خود می‌شناسد نه رفاه و نه همسر و فرزند «ربنا انی اسکنت... (۱۹)۱۹) و این همه، نیست مگر برای اقامه نماز «ربنا لیقیموا الصلاة... (۲۰)۲۰) و استقرار ارکان کعبه و آماده‌سازی آن برای عابدان حضرت حق «و اذ یرفع ابراهیم... (۲۱)۲۱) و چه افتخاری از این برتر که وی از سوی خدا عهده‌دار خانه کعبه شود (و عهدنا الی ابراهیم... (۲۲)۲۲) و ضمن دعای خیر برای آیندگان (ربنا و ابعث فیهم... (۲۳)۲۳) آنان را به انجام مناسک حج فراخواند (و اذن فی الناس بالحج) (۲۴)۲۴) و بالآخره خدایش همواره یاد او را گرامی دارد «و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی... (۲۵)۲۵).

سیمای حج در اسلام

نظری به قرآن و حدیث می‌اندازیم تا با سیمای حج، آنهم حج ابراهیمی آشنا گردیم. اگر انجام مناسک حج بر مردم واجب است «ولله علی الناس حجّ البیت... (۲۶)۲۶) بدیهی است، که ترک آن بمثابة کفر خواهد بود (و من کفر... (۲۷)۲۷) و این معنا در بیانی از امام صادق - (ع) - نیز آمده است که حضرتش مراد از «کفر» را ترک فریضه حج دانسته‌اند. (۲۸)۲۸)

- ۲- - انعام: ۷۵.
- ۳- - انعام: ۷۹.
- ۴- - انعام: ۷۶.
- ۵- - انبیاء: ۶۷.
- ۶- - انبیاء: ۵۲.
- ۷- - بقره: ۲۵۸.
- ۸- - صافات: ۸۴.
- ۹- - انبیاء: ۵۷.
- ۱۰- - انبیاء: ۵۸.
- ۱۱- - انبیاء: ۶۸.
- ۱۲- - انبیاء: ۶۹.
- ۱۳- - صافات: ۱۰۲.
- ۱۴- - صافات: ۱۰۳.
- ۱۵- - صافات: ۱۰۴.
- ۱۶- - بقره: ۱۲۴.
- ۱۷- - نحل: ۱۲۰.
- ۱۸- - ممتحنه: ۱۲۰.
- ۱۹- - ابراهیم: ۳۷.
- ۲۰- - ابراهیم: ۳۷.
- ۲۱- - بقره: ۱۲۷.
- ۲۲- - بقره: ۱۲۵.
- ۲۳- - بقره: ۱۲۹.
- ۲۴- - حج: ۲۷.
- ۲۵- - بقره: ۱۲۵.
- ۲۶- - آل عمران: ۹۷.
- ۲۷- - آل عمران: ۹۷.
- ۲۸- - وسائل، ج ۸.

ص: ۹

البته ترغیب به حج، نه از آنروست که خدای را نیازی به حج من و توست «فان الله غنی عن العالمین» (۱) ۲۹ بلکه بقای ما، در دوام حج است و لذا امام علی - (ع) - فرمود: لاتترکوا حج بیت ربکم فتهلکوا. (۲) ۳۰ و نه تنها بقای ما، که قوام دین نیز به حج و بقای کعبه است. که امام صادق - (ع) - فرمودند: لایزال الدین قائما ما دامت الکعبه. (۳) ۳۱ آری حج، رکن دین است، هرچند دین ارکان دیگری نیز دارد و بفرموده امام باقر - (ع) - : «بنی الاسلام علی خمس، علی الصلاة و الزکاة و الحج و الصوم و الولاية». (۴) ۳۲ لکن در رتبه، پس از نماز، حج مهمترین آن ارکان است (لیس شیئ افضل من الحج الا الصلاة). (۵) ۳۳ بی جهت نیست که امام علی - (ع) - در نامه‌ای به قثم بن عباس «سفیر حضرت، در مکه» می‌فرماید: فاقم للناس الحج و ذکرهم بأیام الله. (۶) ۳۴ و با این همه، باید تمام توان را در اقامه این فریضه الهی بکار گرفت تا جایی که (... لکان علی الوالی ان یجبرهم). (۷) ۳۵

۱ - - آل عمران: ۹۷

۲ - - ثواب الاعمال.

۳ - - کافی.

۴ - - کافی.

۵ - - علل الشرایع.

۶ - - نهج البلاغه.

۷ - - وسائل.

فلسفه و اسرار حج

راستی آن همه تأکید و ترغیب برای چیست؟ پاسخ سؤال در نگرشی بر آیات و روایات نهفته است چه آنکه ائمه - علیهم السلام - آثار بسیاری را برای حج بر شمرده‌اند گو اینکه قرآن نیز به فوایدی چند اشاره دارد. پس در این مقطع و دوران معین «الحج اشهر معلومات...» (۱) ۳۶ زمینه وصول به دستاوردهای بسیاری است که در این مختصر فهرست می‌شود:

* رفتن بسوی خدا است

ان علة الحج الوفادة الى الله تعالى «امام رضا - (ع)» (۲) ۳۷ * پشوانه دین است

... والحج تشييد للدين «حضرت فاطمه - س» (۳) ۳۸ فرض الله الحج تقوية للدين «امام علی - (ع)» (۴) ۳۹ * بازار توشه برگیری، برای آخرت است الحج و العمرة سوقان من اسواق الآخرة... (۵) ۴۰ مایه قوام و قیام مردم است جعل الله الكعبة البيت الحرام قياماً للناس... (۶) ۴۱ زمینه معارفه مسلمین جهان است... فجعل فيه الاجتماع من المشرق و المغرب ليتعارفوا (۷) ۴۲ میدان شناخت آثار باستانی اسلامی است

ولتعرف آثار رسول الله - (ص) - و تعرف اخبار و يذكر... (۸) ۴۳ منافع تجاری و اقتصادی دارد... و لیتربح كل قوم من التجارات... ولینفع بذلك... (۹) ۴۴ محل پاک شدن از گناهان است ان علة الحج... والخروج من كل ما فترف و... (۱۰) ۴۵ و حج البيت فانه... مدحضه للذنب (۱۱) ۴۶ میدان خودسازی است

ان علة الحج... وخطرها عن الشهوات واللذات (۱۲) ۴۷ نشانه کرنش در برابر عظمت حق است جعله علامة لتواضعهم لعظمته (۱۳) ۴۸ شعار و آرم تمام‌نمای اسلام است جعله للاسلام علماً (۱۴) ۴۹ و... بسیاری آثار و دستاوردهای دیگر که در قرآن و حدیث آمده است.

۱- - بقره: ۱۹۷.

۲- - علل الشرایع.

۳- - احتجاج، طبرسی.

۴- - نهج البلاغه.

۵- - در روایات آمده است/ وافی.

۶- - مائده: ۹۷.

۷- - علل الشرایع.

۸- - علل الشرایع.

۹- - علل الشرایع.

۱۰- - علل الشرایع.

۱۱- - امالی، طوسی.

۱۲- - علل الشرایع.

۱۳-- نهج البلاغه.

۱۴-- نهج البلاغه

سیمای پیامبر اکرم - (ص)

این فراز را در چند مقوله مورد ارزیابی قرار خواهیم داد:

ولادت حضرت: سال ۵۷۰ میلادی است، آن را «عام الفیل» لقب داده‌اند. به دلیل حادثه عظیم و بیاد ماندنی مقابله نیروهای غیبی با سپاه ابرهه (الم تر کیف فعل ربك باصحاب الفیل ...) (۱) ۵۰ که با تعصبی خاص، قصد نابود ساختن کعبه را داشت غافل از آنکه «ان للكعبة رباً یمنه» (۲) ۵۱ بهر صورت این حادثه چون آژیر و زنگ خطری بود که افکار را متوجه جزیره العرب نمود. دقیقاً در چنین سالی در خانه عبدالله و آمنه، مولودی قدم به عرصه گیتی می‌گذارد و همزمان با ولادتش، ایوان کسری شکاف برمی‌دارد، آتشکده فارس خاموش می‌شود، دریاچه ساوه خشک و بالأخره بت‌ها فرو می‌ریزد.

طفولیت حضرت: سه روز از مادر شیر نوشید، چهار ماه از ثویبه و دیگر ایام را از حلیمه سعیدیه و چه پر بار بود بر حلیمه و قبیلش و به قول عبدالمطلب: «بَخَّ بَخَّ سَعْدٌ وَ حَلَمٌ خَصَلْتَانِ فِيهَا خَيْرُ الدَّهْرِ وَ عَزَّ الْأَبْدُ» (۳) ۵۲ که بعدها حلیمه بر ازدیاد برکت در زندگیش به برکت محمد - (ص) - اذعان داشت. (۴) ۵۳

نوجوانی و جوانی حضرت: مقطع حساسی است، دوران رشد او همچون هر شخص دیگری است، با این تفاوت که وی پدر را و پس از درنگی، مادر را از دست داده است، شاید مصلحت در این بوده است. که با مشکلات روبرو و از همان نخستین گام تحت تربیت مستقیم الهی، در کوران حوادث آبدیده گردد. وی خاطراتی را در این دوران زندگی، در صفحه تاریخ به ثبت رسانده است. همچون سفر به شام در سن ۱۲ سالگی و در معیت عمویش ابوطالب، که در آن با بحیراء، برخوردی کوتاه داشت و سخنانی چند مبادله شد، که بعدها برخی نابخردانه کوشیدند تا تبلیغات دینی پیامبر را ره‌آورد این سفر و کلاس درس این راهب بدانند، غافل از آنکه نتوان چنین بهره‌ای گرفت؛ زیرا:

پیامبر امی بود. * مدت برخورد کوتاه بود. * محتوای قرآن با تورات و انجیل متفاوت است. * اصل نقل سند قوی ندارد. چرا هر گونه افترا و تهمت را به وی زدند ولی قریش این مورد را نگفته‌اند؟ و ... بالأخره این دوران را با همه فراز و نشیب طی می‌کند، محمد امین لقب می‌گیرد، عفت او زبانزد خاص و عام می‌شود و گزارش سفر او توسط میسره، به خدیجه منتقل و او شیفته پاکی و پاکدامنی وی شده و مقدمات ازدواج فراهم می‌گردد و ...

بعثت حضرت: او که از خردسالی تحت تربیت مستقیم وحی بود (ولقد قرن الله به منذان كان فطیماً ...) (۵) ۵۴ و مقطعی را در هر سال به ریاضت معنوی می‌پرداخت (ولقد كان يجاور في كل سنة بحراء ...) (۶) ۵۵ در چهلمین بهار زندگانی‌اش آوای وحی را به گوش شنید (اقراء بسم ربك الذي خلق ...) (۷) ۵۶ و حامل امانتی بزرگ گردید، با هدفی مقدس و ارزشمند (هو الذي بعث في الأميين ...) (۸) ۵۷ و چه بجا بود این بعثت، در شرایطی که ارزشها از جزیره العرب رخت بر بسته و مردم در آستانه سقوط بودند (و كنتم على شفا حفرة ...) (۹) ۵۸ و به حق که باید برای همیشه بر این نعمت «بعثت» شاکر بود «و اذكروا نعمت الله» (۱۰) ۵۹ چه آنها ثمرات بسیاری را به ارمغان آورده است. که کافی است مقایسه‌ای بین قبل و بعد بعثت بشود، گذشته‌ای تاریک که امیر - (ع) - می‌فرماید: «ان الله بعث محمداً نذيراً للعالمين و اميناً على التنزيل و انتم معشر العرب على شر دين و في شر دار منيخون بين حجارة خشن و حیات صم، تشربون الكدر و تأكلون الجشب، تسفكون دماءكم و تقطعون ارحامكم و الاصلنام فيكم منصوبه و الاثام بكم

معصوبه... و اهل الارض یومئذ ملل متفرقه و اهواء منتشره و طوائف متشتته بین مشبه لله بخلقه او ملحد فی اسمائه او مشیر الی غیره» (۱۱) ۶۰ آری: در اطراف کعبه به تعداد روزهای سال، بت نگهداری می‌شد. دختر زنده به گور می‌شد تا آنجا که شخصی دوازده دخترش را زنده زنده در خاک پنهان ساخته بود و پیامبر وقتی داستان را شنید اشک ریخت و فرمود: «من لا یرحم، لا یرحم». تعصبات قومی حاکم بود، روابط بر مبنای معیاری صحیح نبود، قتل و غارت اصل بود و ... و در یک جمله همان که قرآن می‌فرماید: «وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» (۱۲) ۶۱

و نقطه مقابل، آینده بعثت است که در جاهلیت عرب تحول گسترده‌ای بوجود آمد، آن هم به برکت بعثت پیامبر - (ص) - که خدایش می‌فرماید: «فانقذکم» (۱۳) ۶۲ - «فاصبحتم بنعمته اخوانا» (۱۴) ۶۳ - «هداکم للایمان» (۱۵) ۶۴ و ... که تا به امروز و برای همیشه تاریخ آنچه از برکات داریم، از بعثت پیامبر نشأت گرفته است.

دعوت حضرت: از همان ساعات اولیه و پس از بازگشت از حراء دعوت را آغاز می‌کند، دعوتی محدود را و در این راستا باید از نزدیکان آغاز کند «و انذر عشیرتک الاقربین» (۱۶) ۶۵ سه سال بر این منوال گذشت تا آنکه مأمور به دعوت رسمی و علنی شد «فاصدع بمأنومر و اعرض عن المشرکین» (۱۷) ۶۶ بر این اساس بر کوه صفا و یا ابوقیس قرار گرفت و با ندای «وا صباحاه» مردم را فراخواند و با شعار «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» حرکت اساسی خود را آغاز کرد.

رسالت جهانی حضرت: دعوتی را که آن روز حضرت آغاز نمودند هرچند در محیطی محدود، شروع شد ولی برای همه بشریت و همیشه تاریخ و آیندگان پیام داشت. آنکس که وی را فرستاد به او رسالتی جهانی را مأموریت داد «و ما ارسلناک الا - کافه للناس» (۱۸) ۶۷ چه انسان‌هایی که در زمان پیامبر بودند و یا آنها که بعد آمده و خواهند آمد. حضرتش فرمود: «انا رسول من ادرکت حیا و من یولد بعدی» (۱۹) ۶۸ و اگر به سران امپراطوری‌ها و رؤسای قبایل و ... سفیر و پیام می‌فرستاد بر همین اساس بود. و قطعاً این رسالت جهانی، لطف الهی بر بشریت است «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین» (۲۰) ۶۹

۱- - فیل: ۱.

۲- - سخن عبدالمطلب نزد ابرهه.

۳- - سیره حلبی، ۱/ ۱۰۶.

۴- - مناقب، ۱/ ۲۴.

۵- - نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۶- - نهج البلاغه.

۷- - علق: ۱.

۸- - جمعه: ۲.

۹- - آل عمران: ۱۰۳.

۱۰- - آل عمران: ۱۰۲.

۱۱- - نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

۱۲- - جمعه: ۲.

- ۱۳-- آل عمران: ۱۰۲.
- ۱۴-- آل عمران: ۱۰۲.
- ۱۵-- حجرات: ۱۷.
- ۱۶-- انعام: ۹۲.
- ۱۷-- حجر: ۹۴.
- ۱۸-- سبأ: ۲۸.
- ۱۹-- میزان الحکمة.
- ۲۰-- انبیاء: ۱۰۷.

ص: ۱۲

شیوه دعوت حضرت: در آن رسالت جهانی روش دعوت بسیار پیچیده و ظریف است و باید بر اصولی خاص مبتنی باشد تا با موفقیت روبرو شود:

* به زبان مردم باشد

و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه (۱) ۷۰* با مهربانی همراه باشد

ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا (۲) ۷۱* با منطق و برهان باشد

ادع الی سبیل ربك بالحكمة (۳) ۷۲* خیرخواهانه باشد

ادع الی سبیل ربك بالحكمة ... و الموعدة الحسنه (۴) ۷۳* بد، را خوب پاسخ گوید

ادفع بالتی هی احسن السیئه (۵) ۷۴* روی هوای نفس نگوید

ما ینطق عن الهوی (۶) ۷۵* مزد مادی طلب نکند

ما استلکم علیه من اجر (۷) ۷۶* فرصت تحقیق بدهد

و ان احد من المشرکین استجارک فاجرہ (۸) ۷۷* آگاهانه و با بینش باشد

ادعوا علی الله علی بصیره (۹) ۷۸* با اخلاص همراه باشد

ان اجری الا علی الله (۱۰) ۷۹

و بسیاری نکات ظریف دیگر ...

موانع دعوت حضرت: ابتدا دعوت او را به توحید، جدی تلقی نمی کردند ولی آنگاه که امر دعوت رو به توسعه گذارد، مشرکان قریش، از حربه‌های مختلف بهره گرفته و به مقابله با حضرتش پرداختند. این شیوه‌ها عبارت بودند از:

تذکر تهدید آمیز:

«یا ابا طالب ان ابن اخیک قد سب آلهتنا وعاب دیننا و سفه احلامنا و ضلل آباءنا فاما ان تکفه عنا او تخلی بیننا و بینہ» (۱۱) ۸۰

«و این امر چند مرتبه اتفاق افتاد».

وقتی ابوطالب سخن آنان را به پیامبر منتقل می کند، حضرت می فرمایند: من یک چیز را طالبم و آن را دنبال می کنم تشهدون ان لا اله الا الله.

هر چند برای آنان دست کشیدن از ۳۶۰ بت بسیار سخت بود «و عجبوا ... اجعل الالهة الها واحداً ان هذا لشیئی عجاب» (۱۲) ۸۱***

تطمیع به ثروت و قدرت و ...:

ولی انی نیز نتیجه نداد زیرا او تنها برای انجام وظیفه قیام کرده است. از این رو شرق و غرب را در اختیار او و در کف قدرت او بگذارند دست از وظیفه بر نمی دارد.

«لو وضعوا الشمس فی یمینی و القمر فی شمالی علی ان اترك هذا الامر أو اهلك فی ما ترکته» (۱۳) ۸۲***

حرکتهای ایدایی:

همچون استهزاء، آزار و اذیت و حرکتهای ناشایست هر چند این تیر نیز به سنگ خورد.

*** زدن بر چسب‌ها:

او را ساحر، کاهن، شاعر، مجنون و ... خواندند. روی صحنه تهمت است ولی، پشت پرده عظمت است؛ زیرا عنوان ساحر، کان و ... گویای آن است که شیوه عمل او، سخن او از نوعی پیچیدگی برخوردار بوده است که نشانگر فوق‌العاده بودن کلام او و مرام او است. این زدن برجسب تازگی نداشت (و کذلک ما اتی الذین من قبلهم من رسول الا قالوا ساحر و مجنون) (۱۴) ۸۳ و از حقانیت منطق پیامبر نکاست (ماضی صاحبکم و ماغوی و ماينطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی). (۱۵) ۸۴

- ۱- - ابراهیم: ۴.
- ۲- - احزاب: ۲۱.
- ۳- - نحل: ۱۲۳.
- ۴- - نحل: ۱۲۳.
- ۵- - مؤمنون: ۹۶.
- ۶- - نجم: ۳.
- ۷- - شعراء: ۱۲۷.
- ۸- - توبه: ۶.
- ۹- - یوسف: ۱۰۸.
- ۱۰- - شعراء: ۱۲۷.
- ۱۱- - سیره ابن هشام.
- ۱۲- - ص: ۴.
- ۱۳- - سیره ابن هشام.
- ۱۴- - ذاریات: ۵۲.
- ۱۵- - نجم: ۵-۲.

ص: ۱۳

** شکنجه یاران:

وقتی که نتوانستند وی را در منگنه قرار دهند، سراغ یاران مخلص وی رفتند تا شاید با شکنجه، آنان را از صحنه خارج سازند. بلال را، عمار و والدین او را، عبدالله بن مسعود و ... و ولی غافل از آنکه «لا یخافون فی الله لومه لائم...» (۱) ۸۵* منع از استماع قرآن:

چنین اندیشیدند که از شنیدن قرآن جلوگیری کنند تا از نفوذ آیات الهی در اندرون دلها بکاهند (و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرآن) (۲) ۸۶ عجب آن است که منادیان امر و طراحان این اندیشه، در تاریکی شب به کنار مجمع مسلمین رفته و به استماع قرآن می‌پرداختند.

** ایجاد محدودیت‌ها:

بدین گونه که قراردادی را یک‌طرفه تقریر و محدودیتهایی را به تصویب رساندند و در آن، مواد زیر را گنجانده‌اند:

* معامله با پیامبر و یاران ممنوع * معاشرت با آنان ممنوع * ازدواج با آنان ممنوع * طرفداری از آنان ممنوع. و پس از سه سال که آنان را در «شعب ابوطالب» در تنگنا گذاردند، با مقاومت شگفت‌انگیز آنان روبرو شده و عهدنامه را بی‌نتیجه یافتند. از این رو محدودیت برداشته شد.

** تصمیم به کشتن حضرت:

آنان پس از ناکام ماندن در بهره‌گیری از دیگر حربه‌ها، در محلی بنام «دارالندوة» گرد آمدند تا چاره‌ای اساسی و نهایی اندیشند: «و اذ یمکر بک الذین کفروا لیثبوک او یقتلک او یخرجوک» (۳) ۸۷ پیشنهادهای مختلف طرح و مورد بررسی قرار گرفت. * او را حبس نمایند، آزادش خواهند ساخت.

* بر مرکبی سوار و راهی بیابانها سازند، قبایل رهایش خواهند نمود.

* شخصی به وی حمله و او را به قتل رساند، خونبها راضی کننده نیست.

* هجوم قبایلی آورده و او را بکشند که بدینصورت قاتل معین نیست.

غافل از آنکه «و یمکرون و یمکرالله والله خیر الماکرین» (۴) ۸۸ شب موعود «لیلۃ المبیته» فرا رسید. تنها امام علی بن ابیطالب بود که حاضر شد از خود رشادت نشان دهد چه آنکه او با خدا به داد و ستد پرداخت (و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله) (۵) ۸۹ برخی گویند (۶) ۹۰ او به اعتماد پیامبر که فرمود «خطری پیش نخواهد آمد» در بستر حضرت آرمید. که باید به ایشان گفت: آیا این گواه بر ایمان قوی علی - (ع) - به پیامبر نیست؟ پس این نیز جلوه‌ای از روح بلند و ملکوتی آن امام همام است. گرچه این پیشگویی پیامبر - (ص) - در هیچ سند معتبری نیامده است.

** اخلاق حضرت:

رسالتی را که پیامبر بر دوش گرفت، گستره‌ای جهانی داشت، موانع راه نیز بسیار بود. در این میان، رشد روز افزون اسلام، افزایش گروندگان، حقیقتی انکار ناپذیر است که رمز آن در اخلاق پیامبر - (ص) - نهفته است (فیما رحمۃ من الله لنت لهم و لو کنت فظا غلیظ القلب لا نفصوا من حولک) (۷) ۹۱ اخلاقی که خداوند آن را ستوده است (انک لعلی خلق عظیم) (۸) ۹۲ و از مؤمنان خواسته است که آن را سرمشق و الگوی زندگی خویش سازند (ولکم فی رسول الله اسوه حسنة) (۹) ۹۳ و بر این اساس در حد گنجایش نوشتارمان آنچه را که روایات گواه آن است فهرست می‌کنیم: (۱۰) ۹۴ جمیل المعاشرة

کریم الطبیعه

لا یتکلم فی غیر حاجه

- ۱- - مائده: ۵۴.
- ۲- - فصلت: ۲۶.
- ۳- - انفال: ۳۰.
- ۴- - انفال: ۳۰.
- ۵- - بقره: ۲۰۷.
- ۶- - آنگونه که ابن تیمیه معتقد است.
- ۷- - آل عمران: ۱۵۹.
- ۸- - قلم: ۴.
- ۹- - احزاب: ۲۱.
- ۱۰- - از مکارم الاخلاق، محجّه و بحار استفاده شد.

ص: ۱۴

طلق الوجه

یصافح الغنی و الفقیر

طویل السکوت

ص: ۱۵

رقيق القلب

يحمل حاجته من السوق الى اهله

يعظم النعمة

ص: ۱۶

بَسَامٌ مِنْ غَيْرِ ضِحْكٍ

يُرَكَّبُ الْحِمَارَ الْعَادِي

دَائِمَ الْفِكْرَةَ

ص: ۱۷

محزون من غیر عبوس

یجالس الفقراء

خافض الطرف

ص: ۱۸

متواضع من غیر مذله

یؤاکل المساکین

یبدء بالسلام

ص: ۱۹

رحیم بکل مسلم

يقبل معذرة المعتذر

يجلس حيث ينتهي به المجلس

ص: ۲۰

يجلس على الارض

ماشتم احد بستمه

كان يحب الخلوۃ بنفسه

ص: ۲۱

يجلس جلسة العبيد

لالعن امرأة و لاخادماً

دائم البشر

ص: ۲۲

يَأْكُلُ مَعَ الْعَبْدِ

يَدْعُوا أَصْحَابَهُ بِكُنَاهِهِمْ أَكْرَامًا

* لَيْسَ بِفَحَّاشٍ وَلَا عَيْبٍ وَلَا مَدَاحٍ

ص: ۲۳

یخسف نعله

یستاک عند الوضوء

یسلم علی الصبیان

ص: ۲۴

خفیف المؤمنة

يعود المرضى

يخيط ثوبه

ص: ۲۵

ما صافح احداً قط فنزع يده من يده حتى يكون هو الذي ينزع يده و ما فواضه احد قط في حاجة او حديث فانصرف حتى يكون الرجل هو الذي ينصرف و ما نازعه احد الحديث فيسكت حتى يكون هو الذي يسكت. ما سُئل شيئاً قط فقال لا. و ما ردَّ سائلَ حاجةً قط الا بها او بميسور من القول. كان لا يكلم احداً بشيءٍ يكرهه.

ص: ۲۶

یحلب عنز اهله.

يؤتى بالصبي الصغير ليد عواله بالبركة او يسميه فيضعه في حجره تکرمة لاهله فرما بال الصبي عليه فيصيح بعض من رآه حين يبول فيقول - (ص) - لا تزرموا بالصبي.

* آنچه گذشت تنها قطره‌ای از دریای عمیق خلق نیکوی محمد - (ص) - بود که او را محبوب دلها در طول قرن‌ها ساخته است. کتاب فضل ترا آب بحر کافی نیست که ترکیم سر انگشت و صفحه بشمارم

تنها خواستیم از باب «ما لا یدرک کله لا یترک کله» آنهم مرتبط با نفوذ اجتماعی حضرت شمه‌ای از اخلاق اجتماعی او را نقل کرده باشیم. او تربیت یافته حق بود. (انا اديب الله) و خدایش وی را مأمور ساخته بود که بر مؤمنان تحیت گوید (و اذ جاءک الذین يؤمنون باياتنا فقل سلام عليكم) (۱) ۹۵ (و صلّ عليهم انّ صلاتک سکن لهم) (۲) ۹۶ و برایشان فروتنی روا دارد (و اخفض جناحک للمؤمنين) (۳) ۹۷ و همواره آنان را در کنار خویش داشته (و اصبر نفسک مع الذین يدعون ربهم) (۴) ۹۸ مبادا آنان را از خویش براند (ولا تطرد الذین يدعون ربهم) (۵) ۹۹

همچنانکه خدایش او را مأمور ساخته بود تا دیگران را اگر اهل هدایتند و دیانت، به مشترکات فراخواند (قل يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا وبينكم) (۶) ۱۰۰ و اگر از مشرکان معاندند، که از ایشان اعراض کند (و اعرض عن المشركين) (۷) ۱۰۱ هرچند با پرداخت بهای سنگین و تحمل رنج و شکنج باشد (و اصبر على ما يقولون) (۸) ۱۰۲ - (فاستقم كما امرت) (۹) ۱۰۳ لیکن اگر معاند نیستند، بلکه آماده‌اند تا نگرشی بر مواضع پیامبر داشته و شاید از شرک دوری گزینند، پس بدانها مهلت اندیشه و انتخابگری دهد (و ان احد من المشركين استجبارك فاجره حتى يسمع كلام الله) (۱۰) ۱۰۴ و وضعیت کفار و منافقان نیز چیزی کمتر از این نیست. و بالاخره پیامبر مأمور بهره‌گیری از «صلاح» قبل از «سلاح» بود.

سیمای ابوطالب - (ع) -

که نام او «عبد مناف» و به قولی «عمران» است. وی با عبدالله پدر پیامبر از یک مادر بودند. اکنون در چند فراز به جلوه‌هایی از سیمای روشن و تابناک وی اشاره می‌کنیم:

ابوطالب انسانی موحد و مؤمن به خدا و رسول بود و بر این مطلب گواهی است:

۱- دیدگاه‌های نظری او. ۲- مواقف عملی او. ۳- تجلیل پیامبر و ائمه از او. ۴- سخن دیگران درباره او.

* در نقلی از ابوطالب آمده است:

ليعلم خيار الناس ان محمداني كموسى والمسيح بن مريم

اتانا بهدى مثل ما اتياه فكل بامر الله يهدى و يعصم (۱۱) ۱۰۵

ابوطالب ۴۲ سال (از ۸ سالگی محمد - (ص) - تا پنجاه سالگی حضرت) حامی و پشتیبان پیامبر بود. و در بیانی از او در حمایت از پیامبر آمده است:

الله لن يصلوا اليك بجمعهم حتى اوسد في التراب دفينا

فاصدع بامرک ما عليك غضاضة وابشر بذاک و قر منک عیونا (۱۲) ۱۰۶

ابن ابی الحدید معتزلی در شأن ابوطالب می گوید:
و لولا ابوطالب و ابنه لما مثل الدین شخصا و قاما

-
- ۱- - انعام: ۵۴.
 - ۲- - توبه: ۱۰۳.
 - ۳- - حجر: ۸۸.
 - ۴- - کهف: ۲۸.
 - ۵- - انعام: ۵۲.
 - ۶- - آل عمران: ۶۳.
 - ۷- - انعام: ۱۰۶.
 - ۸- - مزمل: ۱۰.
 - ۹- - هود: ۱۲.
 - ۱۰- - توبه: ۶.
 - ۱۱- - ابن هشام، ۱/ ۳۵۲.
 - ۱۲- - تاریخ ابن کثیر، ۲/ ۴۲.

ص: ۲۷

فذاک بمکه آوی و حامی و هذا بیثرب جس الحما(۱) ۱۰۷

ابوطالب در خشکسالی مکه، پیامبر را که طفلی بود، نزد خدا و در جوار کعبه واسطه دعا قرار داده و استسقاء می نمود. قصیده لامیه وی معروف است از جمله:

و ایض یستسقی الغمام بوجهه ثمال الیتامی عصمه للارامل(۲) ۱۰۸

ابن جوزی می گوید: در شرایطی که امیر - (ع) - معاویه را به حسب و نسب خاص او مورد طعن قرار می داد، اگر ابوطالب ایمان نمی داشت، وی نیز مورد طعن معاویه و ... قرار می گرفت. و چنین چیزی نقل نشده است. (۳) ۱۰۹

از پیامبر سؤال شد: «ما ترجوا لابی طالب؟ قال - (ص) - : کل الخیر رجوه من ربی». (۴) ۱۱۰

قال المعتزلی: روی باسانید کثیره: ان ابا طالب ما مات حتی قال: لاله الا الله، محمد رسول الله - (ص) - . (۵) ۱۱۱

علامه امینی - ره - نام بسیاری از بزرگان را ذکر می کند که مستقلاً در «اثبات ایمان ابوطالب» کتاب نوشته اند. (۶) ۱۱۲

ابوطالب هنگام مرگ در سال دهم بعثت چنین وصیت نمود:

«کونوا له ولاء ولحزبه حماة والله لایسلک احد سبيله الا رُشد ولا یأخذ بهداه الا سعد» (۷) ۱۱۳

۱- شرح نهج البلاغه، ۸۴ / ۱۴.

۲- سیره حلبی، ۱ / ۱۲۵.

۳- «الصحيح من سيرة النبي، ۲ / ۱۳۵».

۴- بحار، ۳۵ / ۱۵۱.

۵- شرح نهج البلاغه، ۷۱ / ۱۴.

۶- الغدير، ۷ / ۴۰۲ به بعد مراجعه گردد.

۷- سیره حلبی، ۱ / ۳۹۰.

سیمای خدیجه - س-

نام پدرش «خویند بن اسد» و نام مادرش «فاطمه بنت زائده» است. خدیجه - س - ۶۸ سال قبل از هجرت بدنیا آمد. به وی لقب «طاهره» می‌دادند و همچنانکه خاندانش در «جزیره العرب» سیادت داشتند، خود او نیز سیده نساء قریش بود. اکنون برخی جلوه‌های عظمت او را در آینه روایات از نظر می‌گذرانیم:

خدیجه از جمله زنانی است که به کمال رسیده‌اند. پیامبر - (ص) - فرمودند:

«کمل من الرجال کثیر ولم یکمل من النساء الا مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و خدیجه بنت خویند و فاطمه بنت محمد -

(ص) -». (۱) ۱۱۴

خدیجه - س - از بهترین زنان جهان است. پیامبر فرمود:

«خیر نساء العالمین مریم بنت عمران آسیه بنت مزاحم و خدیجه بنت خویند و فاطمه بنت محمد - (ص) -». (۲) ۱۱۵

خدیجه - س - از بهترین زنان اهل بهشت است. پیامبر فرمود:

«افضل نساء اهل الجنة خدیجه بنت خویند و ...» (۳) ۱۱۶

خدیجه - س - مورد تحیت خدا و جبرئیل واقع گردیده است. پیامبر فرمود:

اتانی جبرئیل فقال یا رسول الله هذه خدیجه ... فاقراء علیها السلام من ربها ومنی. (۴) ۱۱۷

قال ابن شهر آشوب «... و روی احمد البلاذری و ابوالقاسم الکوفی فی کتابیهما والمرتضی فی الشافی و ابوجعفر فی التلخیص ان

النبی - (ص) - تزوج بها و کانت عذراء. (۵) ۱۱۸

خدیجه - س - تمام اموال خویش را (بویژه در حادثه شعب ابوطالب) به پیامبر بخشید و در راه نشر اسلام به مصرف رساند تا جایی که هنگام ارتحال پارچه کفن نداشت.

خدیجه در سن ۶۵ سالگی و در ماه رمضان سال دهم بعثت در شعب ابوطالب از دنیا رفت و در قبرستان حجون به خاک سپرده شد.

پیامبر آن سال را که دو حامی بزرگ خود، یعنی ابوطالب و خدیجه را از دست داد «عام الحزن» نامیدند.

**

۱- الفصول المهمة، ۱۲۹.

۲- اسد الغابه، ۵/ ۵۳۷.

۳- الاستیعاب، ۲/ ۷۲۰؛ با اندکی تغییر در صحیح بخاری، ۴/ ۱۶۴.

۴- اسد الغابه، ۵/ ۴۳۸.

۵- مناقب، ۱/ ۱۵۹.

سیمای دعا در اسلام

از جمله اشتغالات آدمی در حج، دعا و راز و نیاز با حضرت حق است. از این رو لازم است با فرهنگ دعا بیشتر آشنا شویم: بر پرده کعبه مکتوب است: «ادعونی استجب لکم» (۱) ۱۱۹ و جای جای سرزمین وحی، زمینه ارتباط با حضرت حق است از این رو نگرشی بر ابعاد گوناگون دعا در آینه قرآن و حدیث امری ضروری خواهد بود.

مفهوم دعا:

هر چند دعا به معانی مختلفی آمده است:

کمک خواستن (ادعوا شهدائکم من دون اللّٰه). (۲) ۱۲۰ دعوت، تشویق و ترغیب (واللّٰه یدعوا الی دارالسلام) (۳) ۱۲۱ پرسش نمودن (قالوا ادع لنا ربک مبین لنا ... لکن آنچه مصطلح مورد بحث ماست که جایگاه خاصی نیز در اسلام دارد، دعا به معنای خواندن توأم با خواستن است (اجیب دعوة الداع اذا دعان) (۵) ۱۲۳ چنین مقوله‌ای با اصل خلقت و هدف آفرینش ارتباط دارد؛ زیرا اگر فرموده است: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (۶) ۱۲۴ پیامبر - (ص) - نیز می‌فرماید: «الدعا مخ العبادة». (۷) ۱۲۵ اکنون باید مسائلی در مورد دعا ارزیابی شود تا مفهوم دعا بهتر تبیین گردد. این خواستن چه شرایطی دارد؟ مورد درخواست چه می‌تواند باشد؟ چگونه باید خواست؟ و ...

شرایط دعا:

* شناخت خدا و ایمان به او:

پیامبر به معاذ بن جبل فرمود: «اگر خدا را بطور شایسته می‌شناختید به واسطه دعای شما کوهها نابود می‌شدند» (۸) ۱۲۶. قصه مباهله نیز گواه صادقی است بر این معنا.

ایمان به پیامبر خدا:

مردی از بنی اسرائیل ۴۰ شب دعا کرد و نتیجه نگرفت، به عیسی خطاب شد:

«یا عیسی انه اتانی من غیر الباب الذی اوتی منه. انه دعانی و فی قلبه شک منک» (۹) ۱۲۷ اخلاص:

«فادعوالله مخلصین له الدین»، (۱۰) ۱۲۸ «اجیب دعوة الداع اذا دعانی». (۱۱) ۱۲۹

اخلاص در دعا بیشتر بدین معناست که تنها از او بخواهد. امام صادق فرمود:

اذا اراد احدکم ان لا یسأل ربه شیئاً الا اعطاه فلیأس من الناس کلهم. (۱۲) ۱۳۰ عبودیت:

«اذا سئلتک عبادی عنی ...». (۱۳) ۱۳۱

نفرمود: هرگاه «انسانها» و یا «مخلوقات» مرا بخوانند بلکه هرگاه «بندگانم» ...

هماهنگی دل و زبان:

۱- - غافر: ۶۰.

۲- - بقره: ۲۳.

۳- - یونس: ۲۵.

- ۴- - بقره: ۷۰.
- ۵- - بقره: ۱۸۶.
- ۶- - ذاریات: ۵۶.
- ۷- - عدة الداعی.
- ۸- - المیزان، ۳/ ۵۸.
- ۹- - کلمة الله.
- ۱۰- - غافر: ۱۴.
- ۱۱- - بقره: ۱۸۶.
- ۱۲- - عدة الداعی.
- ۱۳- - بقره: ۱۸۶.

ص: ۳۰

امام صادق فرمود: «فاذا دعوت فاقبل بقلبك ثم استيقن بالاجابة» (۱) ۱۳۲

امام صادق فرمود: «ان الله عز وجل لا يستجيب دعاءً بظهر قلب ساه» (۲) ۱۳۳ حسن ظن به خدا:

در حدیث قدسی آمده است: «انا عند ظن عبدي...» (۳) ۱۳۴ یقین به اجابت:

پیامبر فرمود: «ادعوا الله و انتم موقنون بالاجابة» (۴) ۱۳۵ دعا همراه با عمل:

پیامبر فرمود: «يا اباذر مثل الذي يدعوا بغير عمل كمثل الذي يرمى بغير وتر» (۵) ۱۳۶

در روایات آمده است از جمله کسانی که دعایش رد می‌شود کسی است که:

«رجلٌ جلس في بيته و قال يا رب ارزقني فيقال له: الم اجعل لك السبيل الى طلب الرزق» (۶) ۱۳۷ اطاعت اوامر و نواهی خداوند:

«او فوا بعهدى اوف بعهدكم»، (۷) ۱۳۸ «نسواله فنسيهم» (۸) ۱۳۹

اگر ما همواره اطاعت کنیم و به خداوند پاسخ مثبت عملی بدهیم در اجابت دعا از سوی خداوند نقش دارد.

تداوم ارتباط با خدا:

اینگونه نباشد که تنها در شدايد درب خانه خدا را بکوبم بلکه این ارتباط را همواره حفظ نمایم تا آنگاه که او را می‌خوانم خطاب

شود: «صوتٌ معروفٌ» (۹) ۱۴۰

پیامبر - (ص) - فرمود: تعرف الى الله في الرخاء يعرفك في الشدة» (۱۰) ۱۴۱

قرآن می‌فرماید: «و اذا مس الانسان الضرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ او قَاعِدًا او قائمًا فلما كشفنا عنه ضره مرَّ كأن لم يدعنا» (۱۱) ۱۴۲ وساطت ائمه -

عليهم السلام - : (آنها به شرط عرفان به حق ایشان).

«قال الله تعالى: فمن سألني بهم عارفاً بحقهم و مقامهم او جبت مني الاجابة و كان ذلك حقاً على» (۱۲) ۱۴۳ در ذیل آیه: «يا ايها

الذين آمنوا اتقوا الله و ابتغوا اليه الوسيلة» (۱۳) ۱۴۴ روایاتی نظر به همین وساطت دارند. «به جریان دعای آدم هنگام هبوط و یونس

هنگام وقوع در ظلمات اشاره گردد».

انتخاب زمان:

در کافی بابی است تحت عنوان: «باب الاوقات و الحالات التي ترجى فيها الاجابة». در مجموع روی زمان خاص تکیه شده است

مانند:

ليلة القدر عند الاذان مابين منتصف الليل الى الثلث الباقي في ظلم الليل عند هبوب الرياح في الموتر بعد الفجر بعد الظهر بعد المغرب

عند قراءة القرآن عند نزول الغيث عند التقاء الصفيين ليلة الجمعة يوم الجمعة في الاسحار في الاعياد كعيد الفطر و المواليد عند الافطار

يوم عرفة.

انتخاب مکان:

۱- - کافی، کتاب الدعاء.

۲- - کافی، کتاب الدعاء.

۳- - کلمة الله.

۴- - عدة الداعي.

۵- - وسائل، کتاب الصلاة، ابواب الدعاء.

۶- - وسائل، کتاب الصلاة، ابواب الدعاء.

۷- - بقره: ۴۰.

۸- - توبه: ۶۷.

۹- - وسائل.

۱۰- - وسائل.

۱۱- - یونس: ۱۲.

۱۲- - وسائل.

۱۳- - مائده: ۳۵.

ص: ۳۱

بدیهی است که انتخاب مکان نیز نقش دارد لذا تأکیداتی در این زمینه وجود دارد. تحت المیزاب عند زمزم المستجار ارض عرفات حول الکعبه و حرم ائمه - علیهم السلام - بویژه مسجد النبی بین المحراب و المنبر و ...

«فی بیوت اذن الله ان ترفع و يذكر فیها اسمه» (۱) ۱۴۵ آداب دعا:

شروع با یاد خدا:

«ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها» (۲) ۱۴۶

امیر - (ع) - فرمود: لله عز وجل تسعة و تسعون اسماء من دعا الله بها استجیب له. (۳) ۱۴۷

امام صادق - (ع) - فرمود: اذا اردت ان تدعوا الله فمجده و احمده و سبحه و هلله و اثن علیه. (۴) ۱۴۸ صلوات بر پیامبر و آل او:

عن ابی عبدالله - (ع) -: «كل دعاء يُدعى الله عز و جل به محبوب عن السماء حتى يصلی علی محمد و آل محمد». (۵) ۱۴۹ اکنار و اصرار در دعا:

عن ابی عبدالله - (ع) -: «فاكثر من الدعاء»، (۶) ۱۵۰ «سئل حاجتك و المَح في الطلب فان الله عز و جل يحب الحاج الملحين». (۷) ۱۵۱ اجتماع در دعا:

عن ابی عبدالله - (ع) -: «ما من رهط اربعین رجلاً اجتمعوا فدعوا الله عز و جل فی امر الا استجاب الله لهم». (۸) ۱۵۲ نام بردن حاجات: یک یک آنها را یاد کند هر چند خداوند «عالم الخفیات» است.

عن ابی عبدالله - (ع) -: «ان الله تبارك و تعالی يعلم ما يريد العبد اذا دعاه و لكنّه يحب ان تُبث اليه الحوائج فاذا دعوت فسبهم حاجتك». (۹) ۱۵۳ دعا همچون درخواست غریق:

«يا عيسى ادعني دعاء الحزين الغريق الذي ليس له مغيث». (۱۰) ۱۵۴ بلند کردن دست با خضوع:

«ان رسول الله - (ص) - كان يرفع يديه اذا ابتهل و دعا كما يستطعم المسكين» (۱۱) ۱۵۵ بیمناک بودن در دعا:

«يا موسى کن اذا دعوتنی خائفا مشفقاً و جلاً» (۱۲) ۱۵۶ درخواست با رقت قلب:

عن ابی عبدالله - (ع) -: «اذا رقی احدکم فليدع فان القلب لا يرق حتى يخلص» (۱۳) ۱۵۷ گریه در حین دعا:

عن ابی عبدالله - (ع) -: «فابك و ادع ربك تبارك و تعالی» (۱۴) ۱۵۸ یادآوری: آنچه ذکر شد برخی از شرایط و آداب دعا بود. چه آنکه اصل در نوشتار ما، رعایت اختصار است.

۱ - نور: ۳۶.

۲ - اعراف: ۱۸۰.

۳ - وسائل.

۴ - وسائل.

۵ - وسائل.

۶ - وسائل.

۷ - وسائل.

۸ - کافی، کتاب الدعاء.

۹ - کافی، کتاب الدعاء.

۱۰-- وسائل.

۱۱-- وسائل.

۱۲-- کلمة الله.

۱۳-- کافی.

۱۴-- وسائل.

ص: ۳۲

اجابت دعا:

آیات و روایات فراوانی گواه است بر اینکه دعا مستجاب می‌شود لیکن شیوه و شکل اجابت مختلف است و در مجموع چند صورت در روایات ذکر شده است: (۱) ۱۵۹

یَعَجَلُ دَعْوَتَهُ يُؤَخِّرُ لَهُ يَدْفَعُ عَنْهُ السُّوءَ يُؤَجِّلُ لَهُ فِي الْآخِرَةِ يَكْفُرُ عَنْهُ مِنْ ذُنُوبِهِ.

و اگر بعضاً اجابت نمی‌شود از آن جهت است که:

آداب مراعات نشده است شرایط دعا را واجد نیست به مصلحت فرد نیست با سنن الهی وفق نمی‌دهد و ... علل دیگری که در کتب مفصل و روایات وارد است.

سیمای توبه

حج از آغازش حرکت بسوی خداست، از میقات گرفته با مکه و منی و عرفات و ... در هر نقطه که قرار گیریم میدان توبه و بازگشت بسوی خداست از اینرو بجاست تا ابعاد مسأله تبیین گردد.

قبل از هر چیز باید توجه داشت که پیشگیری قبل از درمان است و این اصل نه تنها در بهداشت جسم، بلکه در بهداشت روح نیز جایگاه ویژه‌ای دارد.

عن علی - (ع) - : «ترك الذنب اهون من طلب التوبة» (۲) ۱۶۰

زیرا: ممکن است موفق به توبه نشوی اگر هم بشوی ممکن است از مواردی باشد که قبول نشود در هر صورت با گناه اگر توبه قبول هم بشود، دیگر روح آن لطافت اولی را ندارد.

قبل از تبیین «باب توبه» باید خطر آثار گناه را به خود و دیگران گوشزد نمود، تا انگیزه‌ای جهت پیشگیری شود. آثار گناه:

قساوت قلب

قال علی - (ع) - : «ما جفت الدموع الا لقسوة القلوب و ما قَسَتِ القلوب الا لكثرة الذنوب» (۳) ۱۶۱ سلب نعمت

امام صادق - (ع) - : «ان الله قضی قضاءً حتماً الا يُنعم علی العبد بنعمة فيسلبها اياه حتى يحدث العبد ذنباً» (۴) ۱۶۲ عدم اجابت دعا

امام باقر - (ع) - در روایتی فرمودند: «ان العبد يسئل الله الحاجه ...» و سائل اجابت فراهم می‌شود. فیدنب العبد ذنباً.

فيقول الله للملك: «لا تقض حاجته و احرمه اياها فانه تعرض لسخطي و استوجب الحرمان مني» (۵) ۱۶۳

علی - (ع) - فرمود: «المعصية تمنع الاجابة» (۶) ۱۶۴ قطع روزی

امام باقر - (ع) - فرمود: «ان الرجل ليذنب الذنب فيدرء عند الرزق» (۷) ۱۶۵ سلب توفیق

امام صادق - (ع) - فرمود: «ان الرجل يذنب الذنب فيحرم صلاة الليل» (۸) ۱۶۶ الحاد و كفر

«ثم كان عاقبة الذين اساءوا السؤ ان كذبوا بايات الله» (۹) ۱۶۷

پیامبر در ضمن گفتاری می‌فرماید:

«فان المعاصي تستولي الضلال على صاحبها حتى توقعه ردّ ولاية وصی رسول الله - ص - و دفع نبوة نبي الله و لاتزال بذلك حتى

توقعه في رد توحيد الله و الالحاد في دين الله» (۱۰) ۱۶۸

و آثار دیگری همچون: ایمن نبودن از عذاب الهی قطع باران خشم و لعن الهی کوتاهی عمر فقر عمومی آفاتی چون زلزله بیماری

تسلط اشرار و ... که در این باره روایاتی وارد است. (۱۱) ۱۶۹*

بنابر این اصل بر گناه نکردن است ولی چون آدمی با دنیا، نفس، شیطان و ... روبروست، گاه غفلت بر او مستولی گردیده از اینرو خداوند بر اساس رحمت و اسعه خود بایی بنام «توبه» را باز گذارده است. در حدیثی است: آنگاه که شیطان رانده شد قسم یاد نمود: فبما اغویتنی لاقعدن لهم صراطک المستقیم ثم لآتینهم من بین ایدیهم و من خلفهم و عن ایمانهم و عن شمائلهم و لا تجد اکثرهم شاکرین. (۱۲) ۱۷۰

بعضی ملائکه گفتند: خدایا پس راه بر بنی آدم بسته شده است. خطاب شد: نه چنین نیست؛ زیرا دو راه بازمانده است یکی آنکه بنده‌ای دست به توبه و استغفار بالا- برد و دیگر اینکه بدین منظور سر بسجده گذارد. که گناه هفتاد ساله‌اش آمرزیده خواهد شد. (۱۳) ۱۷۱ شرایط توبه:

- ۱- -- عده الداعی.
- ۲- -- نهج البلاغه، ح ۱۷۰.
- ۳- -- بحار، ۷۳ / ۳۵۴.
- ۴- -- کافی، ۲ / ۲۷۳.
- ۵- -- کافی، ۲ / ۲۷۳.
- ۶- -- غرر الحکم.
- ۷- -- کافی، ۲ / ۲۷۱.
- ۸- -- کافی، ۲ / ۲۷۲.
- ۹- -- روم: ۱۰.
- ۱۰- -- بحار، ۷۳ / ۳۶۰.
- ۱۱- -- به کافی جلد ۲ مراجعه شود.
- ۱۲- -- اعراف: ۱۶.
- ۱۳- -- بحار، ۶۳ / ۱۵۵.

ص: ۳۳

گناه را از روی جهالت انجام داده باشد، نه با آگاهی و لجاجت:

«انما التوبه على الله للذين يعملون السوء بجهالة» (۱) ۱۷۲

فوراً توبه کند:

«ثم يتوبون من قريب» (۲) ۱۷۳

پیامبر فرمود: «یابن مسعود لا تقدم الذنب و لا تؤخر التوبه» (۳) ۱۷۴

به گناه اعتراف داشته باشد:

«و آخرون اعترفوا بذنوبهم ... عسى الله ان يتوب عليهم» (۴) ۱۷۵

تصمیم جدی بر ترک داشته باشد:

قال الباقر - (ع) - «المقيم على الذنب و هو يستغفر منه كالمستهزئ» (۵) ۱۷۶

توبه نصوح را در آیه «توبوا الى الله توبه نصوحاً» (۶) ۱۷۷ به همین معنا گرفته‌اند.

گذشته را جبران کند:

«الا الذين تابوا و اصلحوا» (۷) ۱۷۸ آثار توبه:

آمرزش گناهان: (يغفر لكم ذنوبكم) (۸) ۱۷۹ - (و انى لغفار لمن تاب) (۹) ۱۸۰

تبدیل سیئات به حسنات: (الا من تاب ... فاولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات) (۱۰) ۱۸۱

احیاء روح امید: (قل يا عبادى الذين اسرفوا ... لا تقنطوا من رحمة الله) (۱۱) ۱۸۲

یافتن زندگی بهره‌ور: (توبوا اليه يمتعكم متاعاً حسناً) (۱۲) ۱۸۳

نزول برکات: (توبوا اليه يرسل السماء عليكم مدراراً) (۱۳) ۱۸۴

حفظ ارتباط با خدا: (قال الصادق - (ع) - : التوبه حبل الله و مدد عنايته و لا بد للعبد من مداومه التوبه على كل حال. (۱۴) ۱۸۵

جبران انحطاط روحی: (قال على - (ع) - : ثمره التوبه استدراك فوارط النفس) (۱۵) ۱۸۶

رسیدن به رستگاری: (و توبوا الى الله جميعاً ايها المؤمنون لعلكم تفلحون) (۱۶) ۱۸۷ درجات توبه:

قال الصادق - (ع) - : كل فرقة العباد لهم توبه. فتوبه الانبياء من اضطراب الشر و توبه الاصفياء من التنفس و توبه الاولياء من تلوين

الحضرات و توبه الخاص من الاشتغال بغير الله و توبه العام من الذنوب. (۱۷) ۱۸۸*

کاملترین توبه:

شخصی نزد حضرت امیر - (ع) - گفت: استغفر الله. حضرت فرمود: آیا می‌دانی استغفار چیست؟ استغفار درجه انسانهای و الامقام

است و برای آن شش چیز لازم است:

الندم على ما مضى العزم على ترك العود اليه ابدأ ان تؤدى الى المخلوقين حقوقهم* ان تعمد الى كل فريضة عليك ضيعتها فتؤدى

حقها ان تعمد الى اللحم الذى نبت على الشئحت فتذيبه بالأحزان حتى تلتصق الجلد بالعظم و ينشأ بينهما لحم جديد ان تذيب الجسم

الم الطاعة كما اذقته حلاوة المعصية. فعند ذلك تقول: استغفر الله. (۱۸) ۱۸۹

- ۳-- بحار، ۱۰۴/۷۷.
- ۴-- توبه: ۱۰۲.
- ۵-- بحار، ۸۱/۷۸.
- ۶-- تحریم: ۸.
- ۷-- آل عمران: ۸۹.
- ۸-- احزاب: ۷۱.
- ۹-- طه: ۸۲.
- ۱۰-- فرقان: ۷۰.
- ۱۱-- زمر: ۵۳.
- ۱۲-- هود: ۳.
- ۱۳-- هود: ۵۲.
- ۱۴-- بحار، ۳۱/۶.
- ۱۵-- مستدرک، ۳۴۸/۲۹.
- ۱۶-- نور: ۳۱.
- ۱۷-- بحار، ۳۱/۶.
- ۱۸-- نهج البلاغه، ح ۴۱۷.

سیمای یاد خدا

رمز اصلی عبادت توجه به ساحت قدس ربوبی است. مثلاً در مورد نماز که جلوه‌ای از عبادت است، خدای سبحان می‌فرماید: «اقم الصلوة لذكری» (۱) ۱۹۰ و این یاد را در بیرون نماز نیز حفظ کن «فاذا قضیت الصلوة فاذکروالله قیاما و قعودا و علی جنوبکم». (۲) ۱۹۱ در حج نیز یکی از اموری که توجه به آن لازم است یاد خداست، دوری از غفلت‌هاست. که بهترین فرصت‌ها نباید ارزان از دست برود از اینرو بحث «ذکر» می‌تواند مفید باشد.

** مراتب ذکر:

لفظی و لسانی: «اذکروالله ذکراً کثیراً و سبحوه بکره و اصیلاً» (۳) ۱۹۲

امام صادق - (ع) - می‌فرماید: «اکثروا ذکر الله ما استطعتم فی کل ساعة» (۴) ۱۹۳

معنوی و قلبی: «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله» (۵) ۱۹۴

مهم مرتبه دوم است. زیرا بسیاری از افرادی که در مرتبه اول هستند، زبان ذکر می‌گویند ولی دل غافل است. زبان تلبیه می‌گوید ولی دل غفلت بسر می‌برد و ...

آثار ذکر:

* آرامش قلبی «الا بذكر الله تطمئن القلوب» (۶) ۱۹۵

* نورانیت دل علی - (ع) - فرمود: «علیک بذكر الله فانه نور القلوب» (۷) ۱۹۶

* حیات دل پیامبر فرمود: «بذكر الله تحیی القلوب و بنسیانه موتها» (۸) ۱۹۷

* تقویت روح علی - (ع) - فرمود: «مداومة الذكر قوة الارواح» (۹) ۱۹۸

* درمان بیماری دل علی - (ع) - فرمود: «ذكر الله دواء اعلال النفوس» (۱۰) ۱۹۹

* جلب نظر الهی «اذکرونی اذکرکم». (۱۱) ۲۰۰ پیامبر - (ص) - فرمود: «من اکثر ذکر الله احبه» (۱۲) ۲۰۱

* بصیرت دل علی - (ع) - فرمود: «من ذکر الله استبصر» (۱۳) ۲۰۲

* دوری از گناه «اقم الصلوة لذكری». (۱۴) ۲۰۳ و در جایی فرمود: «ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر» (۱۵) ۲۰۴ و لذكر الله اکبر

«...»

* مصونیت از اشتباه قال رسول الله - (ص) -: «يقول الله عز و جل. اذا كان الغالب علی العبد الاشتغال بی ... لا- یسهو اذا سهی

الناس». (۱۶) ۲۰۵

* مصونیت از نفاق علی - (ع) - فرمود: «من اکثر ذکر الله فقد برئ من النفاق» (۱۷) ۲۰۶

۱- طه: ۱۴.

۲- نساء: ۱۰۳.

۳- احزاب: ۴۱ و ۴۲.

۴- بحار، ۷۸ / ۹۳.

- ۵-- رعد: ۲۸.
- ۶-- رعد: ۲۸.
- ۷-- غرر الحکم.
- ۸-- مجموعه ورام، ۳۶۰.
- ۹-- غرر الحکم.
- ۱۰-- غرر الحکم.
- ۱۱-- بقره: ۱۵۲.
- ۱۲-- بحار، ۹۳ / ۱۶۰.
- ۱۳-- غرر الحکم.
- ۱۴-- طه: ۱۴.
- ۱۵-- عنکبوت: ۴۵.
- ۱۶-- کنز العمال، ۱۸۷۲.
- ۱۷-- غرر الحکم.

ص: ۳۵

* طرد شیطان علی - (ع) - فرمود: «ذکر الله مطردة للشيطان» (۱) ۲۰۷

* دوری از شهوات قال السجّاد: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعلنا من الذین اشتغلوا بالذکر عن الشهوات» (۲) ۲۰۸**
زمانهای ویژه ذکر:

هنگام ورود رویی با دشمن «یا ایها الذین آمنوا اذا لقیمت فئه فاثبتوا و اذکروا الله کثیراً» (۳) ۲۰۹

هنگام ورود به بازار قال علی - (ع) -: «اکثروا ذکر الله عز و جل اذا دخلتم الأسواق» (۴) ۲۱۰

هنگام خشم: قال النبی - (ص) - «اوحی الله الی نبی من انبیائه ... اذکر نی عند غضبک» (۵) ۲۱۱

هنگام کوچ از عرفات به مشعر الحرام «فاذا افضتم من عرفات فاذکروا الله عند المشعر الحرام» (۶) ۲۱۲

هنگام انجام یافتن مناسک «فاذا قضیت مناسککم فاذکروا الله» (۷) ۲۱۳

هنگام فراغ از نماز «فاذا قضیت الصلوة فاذکروا الله» (۸) ۲۱۴

هنگام مرگ قال علی - (ع) -: «افضل الاعمال ان تموت و لسانک شاغل بذكر الله» (۹) ۲۱۵

هنگام مصیبت «قال علی - (ع) -: «ذکر عند المصیبة حسن جمیل» (۱۰) ۲۱۶

هنگام گناه «قال علی - (ع) -: «ذکر الله عندما حرم الله فیکون ذلک حاجزاً» (۱۱) ۲۱۷

هنگام خلوت امام صادق فرمود: «شیعتنا الذین اذا خلوا ذکروا الله کثیراً» (۱۲) ۲۱۸**

موانع ذکر:

اموال و اولاد «یا ایها الذین آمنوا لا تلهمکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله» (۱۳) ۲۱۹

امکانات رفاهی «ولکن متعتهم و آبائهم حتی نسوا الذکر» (۱۴) ۲۲۰

دنیا گرایی «فاعرض عن تولى عن ذکرنا ولم یرد الا الحیوة الدنیا» (۱۵) ۲۲۱

فزون طلبی «الهیکم التکاثر» (۱۶) ۲۲۲

(۱۷) ۲۲۳

۱- - غرر الحکم.

۲- - صحیفه سجادیه.

۳- - انفال: ۴۵.

۴- - غرر الحکم.

۵- - بحار، ۷۵ / ۳۲۱.

۶- - بقره: ۱۹۸.

۷- - بقره: ۲۰۰.

۸- - نساء: ۱۰۳.

۹- - قصار الجمل، ۱ / ۲۲۸.

۱۰- - بحار، ۷۸ / ۵۵.

۱۱- - بحار، ۷۸ / ۵۵.

۱۲-- بحار، ۱۶۲/۹۳.

۱۳-- مناققون: ۹.

۱۴-- فرقان: ۱۸.

۱۵-- نجم: ۲۹.

۱۶-- تکاثر: ۱.

۱۷- مرکز تحقیقات حج، سوژه‌های سخن (در مکه و مدینه)، اجلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱.

ص: ۳۶

مسائل اقتصادی «رجال لاتلیهم تجاره و لایبع عن ذکر الله» (۱) ۲۲۴

«و اذارأو تجاره او لهوا انفضوا اليها» (۲) ۲۲۵

پیروی شهوات «عن علی- (ع)- لیس فی المعاصی اشد من اتباع الشهوة فلا تطيعوها فتشغلکم عن ذکر الله» (۳) ۲۲۶

پرخوری عن السجاد- (ع)-: «ان قوة البطنه و قوة الميلة و سكر الشيع و عزة الملك مما يثبط و يبطل عن العمل و ينسى

الذکر» (۴) ۲۲۷*

هشدار «و من اعرض عن ذكرى فان له معيشة ضنكاً» (۵) ۲۲۸

۱- نور: ۳۷.

۲- جمعه: ۱۰.

۳- غرر الحكم.

۴- بحار ۱۲۹ / ۷۸.

۵- طه: ۱۲۴.

سیمای تقیه در اسلام

«قال الله تعالى: لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين و من يفعل ذلك فليس من الله في شئ الا ان تتقوا منهم تقاة...» (۱) ۲۲۹

تبیین سیمای تقیه، یکی از مقوله‌های مهم و شایان توجه است. چه بسا افرادی افراطی مسلک، تصور کنند مسأله «تقیه» ساخته و پرداخته اندیشه‌ای خاص است و از سویی برخی به تفریط گرفتار آمده و همواره استتاری عمل نمایند. مفهوم تقیه:

این واژه از ریشه «وقایه» بمعنای نگهداری و نگاهداشتن، گرفته شده است. در حقیقت برخورد استتاری و استفاده از سپر و ماسک را جهت خود نگهداری از آفات، تقیه گویند. بنابر به شیوه‌ای تقیه اطلاق می‌گردد که در آن فرد ضمن انجام مقصود، تلاش می‌کند اثری برجای نگذارد و ضربه‌ای بر او یا ایده و آرمان او وارد نیاید. * اقسام تقیه:

تقیه سلبی (خوفی، کتمانی) تقیه ایجابی (مداراتی) عمدتاً تقیه به یکی از دوشکل صورت می‌گیرد. در فرض نخست فرد، در شرایط اضطراری قرار گرفته و ضروری مالی، جانی، عرضی و ... را بر خویش گمان می‌برد. از اینرو و برای آنکه از تعرض آنان مصون بماند، عملی را بر وفق مذهب مخالف و یا بر خلاف مسلک خود انجام می‌دهد. گویا آیه ۲۸ سوره آل عمران و آیه ۱۰۶ سوره نحل به این قسم اشاره دارد. همچنین است اگر بر اثر سلطه حکومتی جائز و باطل و یا بر اثر حاکمیت مخالف، مذهب حقه در معرض خطر قرار گیرد که در چنین مواردی باید با پنهان داشتن اندیشه و اعتقاد حق خود، از مذهب حق حراست نمود. که آنچه در آیه ۲۸ سوره غافر آمده است گویای همین معناست. اکنون آیات و روایات را یادآور می‌شویم:

*** آیه ۲۸ سوره آل عمران: «لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين و من يفعل ذلك فليس من الله في شئ الا ان تتقوا منهم تقاة».

آیه ۱۰۶ سوره نحل: «من كفر بالله من بعد ايمانه الا من اكره و قلبه مطمئن بالايمان ولكن من شرح بالكفر صدرا فعليهم غضب من الله».

آیه ۲۸ سوره غافر: «وقال رجل مؤمن من آل فرعون يكتم ايمانه اتقتلون رجلا ان يقول ربي الله و قد جائكم بالبينات من ربكم. و ان يك كاذبا فعليه كذبه و ان يك صادقا ...»

*** در روایتی از امام باقر نقل است که فرمود: «كل شئ خاف المؤمن على نفسه فيه الضرر فله فيه التقيه» (۲) ۲۳۰

ايضا: «التقيه في كل ضرورة و صاحبها اعلم بها حين تنزل به» (۳) ۲۳۱

امام صادق به معلى بن خنيس می‌فرماید: «يا معلى! اکتّم امرنا و لاتذعه فانه من کتم امرنا و لم يذعه اعزه الله به في الدنيا و جعله نورا بين عينه في الآخرة يقود الى الجنة. يا معلى! من اذع امرنا و لم يکتّمه ازلّه الله به في الدنيا و نزع النور من بين عينيه في الآخرة و جعله ظلماً تقوده الى النار. يا معلى! ان التقيه من ديني و دين آبائي و لادين لمن لا تقيه له» (۴) ۲۳۲

و ايضا حضرتش به ابن ابی يعفور می‌فرماید: «اتقوا على دينكم و احبوه بالتقيه فانه لا- ايمان لمن لا- تقيه له انما انتم في الناس

كالنحل فی الطیر و لو ان الطیر یعلم ما فی اجواف النحل مابقی منها شیء الا اكلته و لو ان الناس علموا ما فی اجوافكم انکم تحبوننا اهل البيت لا کلوکم بالسنتهم و لنحلوکم فی السرو العلانیة رحم الله عبدا منکم کان علی ولایتنا». (۵) ۲۳۳*

تا کنون بحث از شکل اول تقیه بود. لیکن در فرض دوم که تقیه مداراتی است، هدف از تقیه با استفاده از روشی ایجابی «مدارا نمودن» تحقق می‌پذیرد. بعنوان مثال: در فرض نخست که تقیه سلبی بود، خود را بی‌نماز قلمداد می‌کند، ولی در این شکل از تقیه؛ یعنی تقیه مداراتی با عنصر مخالف همراه شده. در کارهای مشترک بگونه‌ای هماهنگ شرکت کرده و با حسن معاشرت به انجام وظیفه می‌پردازد. شاید بشود گفت در تقیه خوفی و کتمانی مصلحت شخصی وجود دارد و ضرر متوجه شخص است ولی در این مورد بیشتر، مصالح عمومی و حفظ مجموعه مکتب و آرامان، مورد نظر است. آنچه در روایات وارد است در باب شرکت در نماز جماعت ایشان و ... از همین قبیل است. به یک نمونه توجه فرمایید:

امام صادق به هشام بن حکم که از شاگردان بلند پایه حضرت است فرمود:

«ایاکم ان تعملوا عملاً نعیر به فان ولد السوء یعیر والده بعمله. کونوا لمن انقطعتم الیه زینا ولا تکونوا علینا شینا. صلوا فی عشایرهم و عودوا مرضاهم و اشهدوا جنازتهم و لایسبقونکم الی شیء من الخیر. فانتم اولی به منهم والله ما عبد الله بشیء احب الیه من الخبأ قلت و ما الخبأ قال التقیة». (۶) ۲۳۴*

عملکرد ما در بعضی امور عبادی، امروزه از این باب است چه آنکه حفظ وحدت و تقویت مشترکات و بهره‌گیری از آن در جهت مبارزه با استکبار جهانی و ایادی او، مهمترین مصلحت در راه حفظ کیان اسلامی ماست. توصیه امام-س- و رهبری معظم انقلاب، به رعایت و حفظ وحدت و پرهیز از امور موهن در حرمین شریفین، ریشه در فرهنگ اصیل اسلامی دارد. در روایتی امام باقر- (ع)- می‌فرماید: التقیة تُرس المؤمن، التقیة حرز المؤمن. (۷) ۲۳۵

و در ذیل آیات (فصلت: ۳۴- نمل: ۸۹) آمده از امام صادق- (ع)- است که «التي احسن» و «حسنه» همان تقیه است. (۸) ۲۳۶ فواید و آثار تقیه:

۱- آل عمران: ۲۸.

۲- وسائل الشیعه، ۴۶۸/۱۱.

۳- وسائل الشیعه، ۴۶۸/۱۱.

۴- وسائل، ۴۶۵/۱۱.

۵- وسائل، ۴۶۱/۱۱.

۶- وسائل الشیعه، ۱۱/باب ۲۴.

۷- وسائل، ۴۶۱/۱۱.

۸- وسائل، ۴۶۱/۱۱.

ص: ۳۸

حفظ کیان اسلام و عقاید حقه پیروان اهل بیت - علیهم السلام - ایجاد وحدت و الفت میان فرق اسلامی جلوگیری از هدر رفتن امکانات و نیروی انسانی پرداختن به مسائل مهم و مشترک جهان اسلام.

* یادآوری: تقیه بر حسب موارد، حکمی مختلف پیدا می‌کند. گاهی واجب است، گاهی حرام و ... پس اینگونه نیست که در همه جا جاری و ساری باشد. «به حکم متفاوت نماز در مسجد و هتل اشاره رود.»

**

ارزشها و ضد ارزشها

در علم اخلاق و تربیت اسلامی مجموعه‌ای از «بایدها» و «نبایدها» مطرح است. چه اموری «ارزش» به حساب آیند و چه مواردی «ضد ارزش»؟ ائمه در سخنان گهربار خویش ما را به ارزشها ترغیب و از ضد ارزشها برحذر داشته‌اند. اکنون بجاست از هر فرصتی استفاده شود و میراث ائمه - علیهم السلام - احیا گردد تا حیات اخلاقی و معنوی جامعه تأمین و تضمین گردد. برای این منظور روایاتی کوتاه را برگزیدیم و این مجموعه از سخنان امام علی - (ع) - از کتاب گرانسنگ «غرر» است. سزاوار است در هر جلسه و نشست اول یک حدیث خوانده شود.

الرابع من باع العاجلة بالآجلة.

من ابتاع آخرته بدنياه ربحهما و من باع آخرته بدنياه خسرهما.

آفة الآمال، حضور الآجال.

اطع اخاك وان عصاك وصله وان جفاك.

بئس النسب سوء الادب.

* المؤمن من كان حبه لله و بعضه لله واخذه لله و تركه لله.

الدنيا تعزُّ و تُضُرُّ و تَمُرُّ.

ثمرة الامل، فساد العمل.

احسن الحسنة حُبنا و اسوء السيئات بغضنا.

لا ايمان لمن لا امانة له.

البخل يكسب العار و يدخل النار.

من استبدَّ برأيه هلك.

من اشرف الشرف الكف عن التبذير والسرف.

* اذا ظهرت الجنایات ارتفعت البركات.

البطنة تمنع الفطنة.

الشبع يفسد الورع.

زينة البواطن اجمل من زينة الظواهر.

التوبة تستنزله الرحمة.

التوبة تطهر القلوب و تغسل الذنوب.

جانبوا الاشرار و جالسوا الاخيار.
الجواد فى الدنيا محمود و فى الآخرة مسعود.
من جاد، ساد.
من حسن جواره كثر جيرانه.
جهاد النفس مَهْر الجنة (ثمن الجنة).
ثلاثة يوجبن المحبة: حسن الخلق و السخاء و التواضع.
زيارة بيت الله امن من عذاب جهنم.
الرزق مقسوم، الحريص محروم.
من احسن المكارم، تجنّب المحارم.
الحسود، لا يسود.
الحسد، يذيب الجسد.
الانسان، عبد الاحسان.
من كثر احسانه، احبّه اخوانه.
احذروا ناراً حرّها شديد و قعرها بعيد و حليتها حديد ..
احذروا ناراً لجبها عتيد و لهبها شديد و عذابها ابدأ جديد.
لا يسعد احد الا باقامة حدود الله و لا يشقى احد الا باضاعتها.
احذر كل عمل يعمل فى السر و يستحى منه فى العلانية.
احذر كل عمل يرضاه عامله لنفسه و يكرهه لعامة المسلمين.
عليك بلزوم الحلال و حسن البر بالعيال و ذكر الله فى كل حال.
شر الاشرار من لا يستحى من الناس و لا يخاف الله سبحانه.
من حارب الناس حُرِب و من امن السلب سلب.
طوبى لمن بادر اجله و اخلص عمله.
طوبى لمن اخلص لله عمله و علمه و حبه و بغضه و اخذه و تركه و كلامه.
حسن الاخلاق يدر الارزاق و يونس الرفاق.
اطهر الناس اعراقاً، احسنهم اخلاقاً.
سلامة الدين و الدنيا فى مداراة الناس.
انظر الى الدنيا نظراً الزاهد المفارق و لاتنظر اليها نظر العاشق الوامق.
الدنيا دار اولها عناء و آخرها فناء فى حلالها حساب و فى حرامها عقاب.
طلاق الدنيا، مَهْر الجنة.
مداومة المعاصى تقطع الرزق.
عليكم بلزوم الدين و التقوى و اليقين.

ص: ۳۹

المؤمن دائم الذكر، كثير الفكر، على النعماء شاکر و فى البلاء صابر.
ایاک ان یفقدک ربک عند طاعته او یراک عند معصیتہ.
اذا قلت الطاعات کثرت السيئات.
رحم الله امرءً ألجم نفسه عن معاصي الله.
صلة الرحم تدر النعم و تدفع النقم.
عداوة الاقارب امرٌ من لسع العقارب.
رضاک عن نفسك من فساد عقلک.
رحم الله امرءً بادر الاجل و کذب الامل و اخلص العمل.
سل الرفیق قبل الطريق.
التقرب الى الله بمسألته والى الناس بتركها.
سرك اسيرك فان افشيتته صرت اسيره.
من افشى سراً استودعه فقد خان.
رُبَّ كلام جوابه السکوت.
ابخل الناس من بخل بالسلام.
حسن السيرة عنوان حسن السريرة.
کن مشغولاً بما انت عنه مسئول.
شکر النعمة امان من حلول النعمة.
قرین الشهوات، اسیر التبعات.
الصدق امانة اللسان و حلية الايمان ..
صلاح الظواهر عنوان صحة الضمائر.
حسن الظن من افضل السجايا.
آفة الدين، سوء الظن.
من عفا خف وزده و عظم عند الله قدره.
افضل الناس من شغله معایبه عن عيوب الناس.
من غلب عليه غضبه و شهوته فهو فى حيز البهائم.
* ابغض الخلاق الى الله المغتاب.
احسن الناس عيشاً من عاش الناس من فضله.
عز القنوع خير من ذل الخضوع.
اللسان ميزان الانسان.
* صلاح الانسان فى حبس اللسان و بذل الاحسان.
من باع نفسه بغير نعيم الجنة فقد ظلمها.
کن وصی نفسك و افعل فى مالک ما نخب ان یفعله فيه غيرک.

ایاک و النمیمه فانها تزرع الضغینه و تبعد عن الله و الناس.
العاقل من غلب هواه و لم یبع آخرته بدنياه.
عجبت لمن نسی الموت و هو یری من یموت.
عنوان فضیله المؤمن عقله و حسن خلقه.
نعم الاعتداد العمل للمعاد.
من كان عند نفسه عظیما كان عند الله حقیراً.
السعید من اخلص الطاعة.
انصح الناس لنفسه اطوعهم لربه.
لا یسعد امرء الابطاعة الله و لا یشقی امرء الا بمعصیه الله.
شر الناس من یظلم الناس.
ان المسکین رسول الله فمن اعطاه فقد اعطى الله.
احفظ عمرک من التضييع له فی غیر العبادۃ والطاعات.
طوبى لمن شغل قلبه بالفکر و لسانه بالذکر.
من قلّ کلامه، قلّ آثامه.
ایاک و الملق فان الملق لیس من خلایق الایمان.
اطیب المال ما اکتسب من حلّه.
الانصاف یرفع الخلاف و یوجب الایتلاف.
لا شرف اعلى من التقوى.

سیمای هجرت پیامبر - (ص) -

با توجه به اینکه:

هجرت، در راستای نشر مکتب، یک گام اساسی است.

و

پیامبر در مکه در تنگنای فشار مشرکین قرار داشت تا آنجا که تصمیم به قتل وی گرفتند.

و

یثرب آماده استقبال و پذیرش پیامبر - (ص) - بود.

پیامبر به امر الهی مکه را به قصد مدینه ترک گفتند و این هجرت مبدأ تاریخ اسلام است. اکنون برای تبیین فرازهای فوق

خصوصیاتی در مورد هر یک فهرست گونه تقدیم می گردد:

آیات هجرت:

«ان الذين توفيه الملائكة... قالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها و من يهاجر في سبيل الله يجد في الارض مراغما كثيراً و

سعه و من يخرج من بيته مهاجراً الى الله و رسوله ثم يدرکه الموت فقد وقع اجره على الله». (۱) ۲۳۷

یاعبادی الذین آمنوا ان ارضی واسعه فایای فاعبدون». (۲) ۲۳۸

«و بعضی آیات دیگر ...».

اهداف هجرت:

رها شدن از رنج و فشار مثل هجرت مسلمانان به حبشه

نشر دین و تشکیل حکومت مثل هجرت پیامبر به مدینه

امر به معروف و نهی از منکر مثل هجرت امام حسین به مکه و ...

تحصیل علوم و معارف اطلبو العلم ولو بالصین

پاداش هجرت:

* لأکفرن عنهم سیئاتهم (۳) ۲۳۹* رضی الله عنهم (۴) ۲۴۰ فقد وقع اجره على الله (۵) ۲۴۱ يجد في الارض مراغما كثيرا وسعه (۶) ۲۴۲

لیرزقهم الله رزقا حسناً (۷) ۲۴۳ اعظم درجة عند الله و اولئك هم الفائزون (۸) ۲۴۴ اولئك هم الصادقون (۹) ۲۴۵ اولئك هم المؤمنون

حقاً (۱۰) ۲۴۶ لقد تاب الله على النبي و المهاجرين (۱۱) ۲۴۷ اولئك يرجون رحمة الله. (۱۲) ۲۴۸*

همگام با هجرت:

نزاع دیرینه‌ای میان اوس و خزرج وجود داشت. و کار به جایی رسیده بود که یک مصلح نیاز بود تا بر این درگیریها پایان دهد.

همزمان شش نفر از خزرجیان به مکه آمده و در برخورد با پیامبر جذب اسلام شدند بازگشت آنان سبب شد تا جرقه‌ای در مدینه

بوجود آید و زمینه دو پیمان عقبه گردد.

نخستین پیمان عقبه:

زمان: سال دوازدهم بعثت. مکان: عقبه در سرزمین منی. تعداد یثربیان: دوازده نفر.

متن پیمان: ان لانشرک بالله شیئا ولانسرق ولانزنی ولانقتل اولادنا ولانأتی بیهتان نفتربه بین ایدینا وارجلنا ولا نعصیه فی معروف.

** دومین پیمان عقبه:

زمان: سال سیزدهم بعثت. مکان: عقبه در سرزمین منی. تعداد: هفتاد و سه نفر که دو تن آنان زن بودند.
متن پیمان: دفاع از وجود مقدس پیامبر - (ص) - «به سیره ابن هشام مراجعه گردد».
* یادآوری:

پیامبر در پی این پیمانها ضمن اعزام مبلغ «مصعب بن عمیر» به مدینه، وعده دادند در اولین فرصت مکه را به قصد مدینه ترک گویند.

و اما هجرت پیامبر - (ص) -:

در ماه ربیع الاول سال سیزدهم بعثت بوقوع پیوست.

با نزول آیه «و اذ یمکر بک الذین کفروا... (۱۳) ۲۴۹ پیامبر از نقشه دارالندوه آگاه و آهنگ سفر نمود.

خانه پیامبر در محاصره ۴۰ تن از مشرکان قریش بود.

علی - (ع) - در بستر پیامبر قرار داشت و همین شأن نزول آیه: «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله» (۱۴) ۲۵۰ گردید.

پیامبر با تلاوت آیه اول تا نهم سوره یس خانه را بسوی غار ثور ترک کردند.

نقشه مشرکان با دیدن امیر - (ع) - در بستر نقش بر آب شده و آنان در تعقیب پیامبر روانه می شوند.

پیامبر سه شب در غار ثور ماندند.

آیه مربوط به غار ثور: «الّا تنصروه فقد نصره الله اذ اخرجه الذین کفروا ثانی اثین ازهما فی الغار اذ یقول لصاحبه لا تحزن ان الله معنا فانزل الله سکیته علیه و ائده بجنود لم تروها و جعل کلمة الذین کفروا السفلی و کلمة الله هی العلیا و الله عزیز حکیم. (۱۵) ۲۵۱ ادامه جریان:

صد شتر برای یافتن پیامبر - (ص) - جایزه تعیین شده بود.

شب چهارم امیر - (ع) - سه شتر به همراه راهنمایی امین برای پیامبر آماده و به محل اختفاء گسیل داشت.

پیامبر به سوی مدینه حرکت و روز دوازدهم ربیع الاول وارد دهکده قبا در نزدیکی مدینه شدند.

علی - (ع) - پس از انجام کارها و پرداخت امانات به اهلش با فواطم و برخی ماندگان راهی مدینه شد.

پیامبر یک هفته در قبا ماندند و اولین مسجد را در اسلام بنا گذاردند «للمسجد اسس علی التقوی...».

علی - (ع) - و همراهان در پانزدهم ربیع الاول وارد قبا شده و به پیامبر و یاران مهاجر، ملحق گردیدند.

پیامبر از قبا عازم مدینه شدند و با گذر از ثنیة الوداع (نام محلی است) مورد استقبال آنانکه بعدها لقب انصار یافتند، قرار گرفتند.

طَلَع البدر علینا من ثنیات الوداع

وجب الشکر علینا ما دعا لله داع

ایها المبعوث فیناجئت بالامر المطاع

* پس از ورود به مدینه، ناقه حضرت در زمینی که مربوط به دو طفیل یتیم بنامهای «سهل» و «سهیل» بود زانو زد و خانه ابوایوب محل سکونت حضرت شد.

پیامبر در روز ورود به مدینه که روز جمعه بود در مرکزیت قبیله بنی سالم نماز جمعه را اقامه فرمود.

* رویدادهای پس از هجرت:

سال اول:

۱- ساختن مسجد «پایگاه بزرگ اسلامی».

۲- ایجاد اخوت و برادری میان مردم.

اخوت میان سیصد تن از مهاجر و انصار منعقد شد از جمله میان پیامبر- (ص)- و علی که اهل سنت نیز این منقبت را ذکر نموده‌اند. با این بیان پیامبر که فرمود: یا علی انت بمنزلۀ هارون ... انت اخى فى الدنيا والآخرة. (۱۶) ۲۵۲

۳- انعقاد پیمان دفاعی با یهود یثرب.

برخی مواد آن عبارتند از:

یهود متعرض مسلمانان نشوند مسلمین و یهودیان با دشمن مشترک خود بجنگند مرجع حل اختلافات پیامبر- (ص)- است. اگر مسلمانان برای حفظ مدینه جنگ نمایند یهود ساکن یثرب سهمیه خود را پرداخت نماید. از ظالم و مجرم نباید حمایت گردد.

هیچ کس حق ندارد بدون اجازه پیامبر- (ص)- از پیمان خارج گردد.

هم پیمانان باید بر اساس نیکی با یکدیگر مناسبات داشته باشند.

۴- گسترش اسلام در تیره‌های مختلف موجود در مدینه و اطراف آن.

سال دوم: عمده ترین حوادث این سال عبارتند از:

۱- اعزام نیروهای گشتی به سوی خطوط تجارتی قریش

«در سال دوم هجرت هشت «سریه» صورت پذیرفت».

۲- تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه. آیات تبدیل قبله:

قد نرى تقلب وجهك ... (۱۷) ۲۵۳ وما جعلنا القبلة التي ... (۱۸) ۲۵۴

۱- - نساء: ۹۷-۱۰۰.

۲- - عنكبوت: ۵۶.

۳- - آل عمران: ۱۹۵.

۴- - توبه: ۱۰۰.

۵- - نساء: ۱۰۰.

۶- - نساء: ۱۰۰.

۷- - حج: ۵۸.

۸- - توبه: ۲۰.

۹- - حشر: ۸.

۱۰- - انفال: ۷۴.

۱۱- - توبه: ۱۱۷.

۱۲- - بقره: ۲۱۸.

۱۳- - انفال: ۳۰.

۱۴- - بقره: ۲۰۷.

۱۵- - توبه: ۴۰.

۱۶- - ینایع الموده، ۱ / ۲۲۶.

۱۷- - بقره: ۱۴۴.

۱۸- - بقره: ۱۴۳.

ص: ۴۱

۳- جنگ بدر: و اذ یعدکم اللّٰه احدی الطائفین... (۱) ۲۵۵

کاروان قریش که هزار شتر، مال التجاره آن را- به ارزش تقریبی پنجاه هزار دینار- حمل می کرد، در حال بازگشت به مکه بود. پیامبر تصمیم به مصادره آن در قبال غارت شدن اموال مهاجران در مکه، گرفت.

هشتم رمضان سال دوم هجرت با ۳۱۳ تن مدینه را ترک گفت. و در زفران نزدیک بدر موضع گرفت.

ابوسفیان، قافله دار کاروان تجارتی قریش فردی را بنام ضمیم به مکه فرستاد تا مردم خبر کند و او نیز به مکه آمده و فریاد نمود:

«اللّٰطِیْمَةُ اللّٰطِیْمَةُ اموالکم مع ابی سفیان قد عرض لها محمد فی اصحابه لا اری ان تدرکوها الغوث الغوث»

پیامبر با اطلاع یافتن از عزیمت قوای مشرکان، جهت پشتیبانی کاروان، به مشورت با اصحاب خود پرداخت چه آنکه وی به قصد نبرد نیامده بود.

عامه نیز اعتراف کرده اند که چه کسانی آیه یأس خواندند تا آنکه پیامبر- ص- با سخن مقداد شاد شد که به پیامبر گفت: تصمیم با

شماست و ما در رکاب شمایم. (۲) ۲۵۶

پیامبر چند اعزام اطلاعاتی به منطقه استقرار نیروهای مشرکان داشتند. که یک مورد توسط خود حضرت انجام شد.

پس از مقدماتی در ۱۷ رمضان جنگ تن به تن و عمومی انجام و در نتیجه:

هفتاد نفر از قریش را کشته هفتاد تن را اسیر نمودند.

شهادت که چهارده نفر بودند در همان سرزمین بدر دفن شدند و کشتگان قریش به درون چاهی ریخته شدند.

۴- ازدواج مبارک دو همسر نمونه «علی- (ع)- و فاطمه- س-».

۵- اخراج یهود بنی قین قاع، از مدینه.

۶- غزوات محدودی مانند: غزوة الکدر، غزوة السویق، غزوة ذی الامر.

سال سوّم: رویدادهای عمده عبارتند از:

۱- ادامه اعزام سرایا.

۲- جنگ اُحد، که توضیح آن به شرح زیر است:

مشرکان در مقام جبران شکست بدر برآمده بدین منظور عمروعاص و چند تن دیگر به میان قبایل رفته تا تدارک نبردی دیگر را فراهم آوردند.

عباس عموی پیامبر- (ص)- طی نامه‌ای پیامبر را در جریان نقشه شوم قریش قرار داد.

ارتش قریش پس از آمادگی بسوی مدینه رهسپار و در وادی عقیق در دامنه کوه احد استقرار یافت.

ارتش قریش روز پنجم شوال و ارتش اسلام روز ششم شوال در منطقه حاضر شدند و روز هفتم صف آرایی شد.

از نکات شایان توجه: ۱- مشورت پیامبر و دو نظریه قلعه‌داری و خروج از شهر ۲- اشتیاق به شهادت در میان مسلمانان بود «به مثل

عمرو بن جموح که یک پای سالم داشت و چهار فرزند در منطقه عملیاتی اشاره شود» «ویا حنظله فرزند ابوعامر که پدر در جناح

مشرکان است و پسر در اولین روز ازدواج به جبهه می آید».

نیروی دشمن حدود ۴۰۰۰ تن و نیروی اسلام حدود ۱۰۰۰ تن بودند.

عبدالله ابی که در رأس منافقان است با ۳۰۰ تن از میانه راه از جمع هزار نفری مسلمین جدا شد و بازگشت.

عبدالله بن حبیبه به همراه ۵۰ تن برای حفظ گردنه عینین تعیین شدند.

دشمن از چند حربه اسفاده کرد تا شاید پیروز شود:

۱- استفاده از زنان با خواندن ترانه‌های تحریک آمیز:

نحن بنات طارق نمشی علی النمارق

ان تقلبوا نعائق او تدبروا نفاق

۲- استفاده از جنگ روانی:

اولاً فریاد نمودند که الا قد قتل محمد- (ص)-، الا قد قتل محمد- (ص)- عده‌ای به دنبال آن دست از نبرد کشیدند. قرآن آنان را

سرزنش کرده و می‌فرماید:

«و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قُتل انقلبتم علی اعقابکم ...» (۳) ۲۵۷

۱- - انفال: ۷.

۲- - به سیره ابن هشام و تاریخ طبری مراجعه شود.

۳- - آل عمران: ۱۴۴.

ص: ۴۲

ثانیاً شعاری سر دادند که شاید بهره‌برداری کنند:

گفتند: اَعْلُ هُبَلِ اَعْلُ هِبَلِ پیامبر بلافاصله فرمود بگوئید: اللّٰهُ اَعْلَى وِ اجَل.

گفتند: ان لنا العزى ولا عزى لكم پیامبر بلافاصله فرمود بگوئید: اللّٰهُ مولنا و لا مولى لكم.

نتیجه نبرد:

نتیجه ابتدایی پیروزی مسلمانان و فرار دشمن.

نتیجه نهایی شکست مسلمانان و ...

عوامل پیروزی رهبری و فرماندهی پیامبر ایمان قوی رزمندگان عشق به شهادت رزم افرادی چون امیر - (ع) - که مفتخر گردید به

ندای: لا فتى الا على لاسيف الا ذوالفقار.

عوامل شکست سستی در ادامه نبرد سرپیچی از فرمان پیامبر در حفظ گردنه نزار بر سر تقسیم غنائم «و لقد صدقكم الله وعده اذ

تحسونهم باذنه حتى اذا فشلتم و تنازعتم فى الامر و عصيتم... (۱) ۲۵۸

کشته شدگان قریش بیست و دو نفر و شهدای اسلام هفتاد و اندی نقل شده است.

برخی نکات، شایان توجه بیشتر است مانند:

برخورد هند زن ابوسفیان با بدن حمزه سید الشهداء.

از همسر عمرو بن جموح که چند شهید داده بود وضع جنگ را پرسیدند گفت: خدا را شکر که پیامبر سالم است.

داستان حنظله غسیل الملائکه.

حضور علی بن ابیطالب که ۱۲ تن از کشتگان قریش با ذوالفقار وی بدرک واصل شدند. و با وجود ۵۰ زخم در بدنش پروانه‌وار از

شمع وجود پیامبر - (ص) - دفاع می‌کرد.

از حوادث سال سوم هجری، میلاد تابناک امام مجتبی - (ع) - در نیمه رمضان است.

سال چهارم: رویدادهای عمده عبارتند از:

۱- حادثه رجیع و بئر معونه.

* در هر دو حادثه مبلغانی به مناطق مختلف اعزام شدند که در مسیر ابلاغ رسالت الهی خود، هدف دشمن قرار گرفته و به شهادت

رسیدند. در حادثه اول شش نفر و در رخداد دوم ۴۰ نفر بودند.

۲- غزواتی چون: غزوه بنی‌النضیر، غزوه ذات الرقاع.

۳- میلاد نوربخش امام حسین - علیه السلام - در سوم شعبان.

* سال پنجم: رویدادهای عمده عبارتند از:

۱- غزواتی چون: غزوه دومه الجندل.

۲- پایان بخشیدن به غائله بنی‌قریظه.

۳- جنگ خندق (احزاب) که شرح آن در زیر فهرست می‌گردد:

چون دسته‌های مختلف از مشرکان و نیز از یهودیان در آن شرکت داشتند آن را «غزوه احزاب» و چون در این جنگ به پیشنهاد

سلمان فارسی اطراف مدینه «خندق» حفر گردیده بود آن را «غزوه خندق» نیز خوانند.

از سه هزار مسلمان، هر ده نفر متصدی حفر چهل ذراع گردید. در این صورت طول خندق دوازده هزار ذراع یعنی نزدیک پنج و

نیم کیلومتر خواهد شد.

تعداد نیروهای احزاب حدود ده هزار تن نقل گردیده است.

مقر نیروهای اسلام در دامنه سلسله جبال «سلع» که اکنون مساجد سبعه در آن واقع است، قرار داشته است.

دشمن یک ماه پشت خندق ماند و تنها چند تن معدود توانستند از آن عبور کنند.

بنی قریظه که در داخل محدوده خندق بودند پیمان شکنی نموده و قول مساعدت به نیروهای متحدین را دادند. اینجا بود که پیامبر

برای تقویت روحیه سپاه اسلام فریاد زدند:

«اللَّهِ اكْبَرُ! ابشروا یا معشر المسلمین بالفتح»

از جمله قهرمانانی که از خندق عبور کرده بودند «عمرو بن عبدود» بود.

۱- آل عمران: ۱۵۲ به بعد.

ص: ۴۳

او رجز می خواند:

ولقد بحجت من النداء بجمعکم هل من مبارز

در میان سکوت دو سپاه علی فریاد زد:

لا تعجلن فقد اتاک مجیب صوتک غیر عاجز

پیامبر- (ص)- فرمود: برز الایمان کله الی الشریک کله

و چون نبرد سرنوشت ساز بود، در ارزش ضربه امیر- (ع)-، پیامبر فرمود: ضربه علی یوم الخندق افضل من عبادۃ الثقلین.

نتیجه: فرار ذلت بار احزاب بدلیل رزم قهرمانانه علی، امدادهای الهی و ... برخی عوامل دیگر.

** سال ششم: رویدادهای عمده عبارتند از:

۱- غزواتی چون: غزوه ذی قرد، غزوه بنی المصطلق.

۲- بیعت رضوان لقد رضی الله عن المؤمنین... (۱) ۲۵۹

۳- صلح حدیبیه. که شرح آن در زیر فهرست می گردد:

پیامبر- (ص)- در ماه ذیقعده سال ششم به قصد انجام عمره راهی مکه می شوند.

دشمن مشرک، احساس خطر می کند و تصمیم گرفتند که پیامبر را منع کنند و سال آینده وی و همراهان را برای ورود به مکه آزاد گذارند.

قرارداد و پیمانی میان طرفین منعقد گردید و چون این پیمان نامه در حدیبیه تقریر گردید به این نام خوانده می شود.

مواد و محتوای پیمان:

ترک دهساله جنگ از سوی طرفین.

پناهندگی قریش ممنوع ولی پناهندگی به قریش مجاز.

منع آزار مسلمین در مکه و لزوم احترام به جان و مال آنان.

آزادی پیمان با هر قبیله‌ای برای طرفین.

منع تجاوز به اموال یکدیگر.

آثار و پیامدها:

امام صادق فرمود: و ما کان قضیه اعظم برکة منها

۱- بسیاری از این پس به اسلام گرویدند چون دیگر نگرانی از سوی مشرکان نداشتند.

۲- قبایلی با مسلمانان هم پیمان شدند.

۳- فکر پیامبر از ناحیه جنوب آسوده گشت.

۴- ارتباط دیگران با مدینه بسیار شد. به گونه‌ای که در فتح مکه ده هزار نفر زیر لوای اسلام بودند.

۵- برای مسلمانان مکه امنیت به ارمغان آورد.

و ... آثاری دیگر.

** سال هفتم: رویدادهای عمده عبارتند از:

- ۱- ارسال پیام و اعزام سفیر به رؤسای کشورها و امپراطورها.
- ۲- فتح خیبر. (چون با مناسبت‌های ایام حج ارتباطی ندارد توضیح داده نمی‌شود).
- ۳- انجام عمره القضاء.

**

۱- - فتح: ۱۸.

ص: ۴۴

سال هشتم: رویدادهای مهم عبارتند از:

۱- غزواتی چون: غزوه موته، غزوه ذات السلاسل.

۲- فتح مکه.

۳- جنگ حنین.

۴- غزوه طائف.

از میان این حوادث «فتح مکه» شایان توجه بیشتری است، لذا بدان اشاراتی خواهیم داشت: در رمضان سال هشتم حضرت و هزاران نفر همراه، مدینه را به قصد مکه ترک گفتند. ریشه و زمینه اصلی این اقدام، تهاجم مشرکین به مسلمین بوده است که به پیامبر گزارش شد: هم یتونا بالوتیر هجداو قتلونا رُکعاً و سُجداً

* با رعایت احتفا تا نزدیکی مکه آمدند و در نقاط مرتفع آتش افروختند.

عباس بن عبدالمطلب به جانب مکه رفت و در میانه راه ابوسفیان را دیده و او را نزد پیامبر آورد.

ابو سفیان که حضور نیروی عظیم اسلام را دید روانه شهر شد و دستور عدم مقاومت داد.

ارتش اسلام در حالی که آوای وحدت سر می‌دادند وارد مکه شدند. «الحمد لله الذی صدق وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده ...

بتها را از کعبه سرنگون ساختند.

سخنرانی پیامبر در اجتماع مکیان و پیام آزادیبخش اذهبوا فانتم الطلقاء.

سال نهم: رویدادهای مهم عبارتند از:

۱- غزوه تبوک «جیش العسرة».

۲- عزیمت هیئت نمایندگی ثقیف به مدینه.

۳- اجرای مراسم «برائت از مشرکان» در سرزمین منی.

علی - (ع) - مأموریت یافت ضمن قرائت آیات اول برائت، قطعنامه ۴ ماده‌ای را نیز در اجتماع حجاج قرائت نماید: قطعنامه:

بت پرستان حق ورود به خانه خدا را ندارد.

طواف با بدن برهنه ممنوع است.

هیچ بت پرستی از این پس حق شرکت در مراسم حج را ندارد.

مشرکانی که پیمانی با مسلمانان ندارند ظرف مدت چهار ماه مهلت دارند تا ایمان آورند و یا آماده نبرد باشند و آنان که پیمان دارند پیمانشان محترم است.

سال دهم: رویدادهای مهم عبارتند از:

۱- داستان مباحله با هیئت نمایندگان نجران.

- ۲- حجة‌الوداع و در انجام آن حادثه غدیر خم تا رحلت پیامبر - (ص) - در اوائل یازدهمین سال هجری. مباحثه با نصارای نجران:
- زمان: ۲۱ یا ۲۴ یا ۲۵ ذیحجه. مکان: در نقطه‌ای که اکنون مسجد الاجابة نامیده می‌شود.

ص: ۴۵

پیامبر به موازات ارسال پیام به سران دول، نامه‌ای نیز به «ابو حارثه» اسقف نجران نوشت.

* ابو حارثه پس از مشورت با صاحب نظران تصمیم به اعزام هیأتی به مدینه گرفت این هیأت گرفت این هیأت مرکب از شصت تن بود.

مذاکراتی در مدینه میان پیامبر- (ص)- و هیأت انجام شد که جوهره و عصاره آن دعوت به توحید بود.

پیک وحی فرا رسید فمّن حاجک فیہ من بعد ما جائک من العلم فقل تعالوا یدع (۱)... ۲۶۰

در زمان موعود، هیأت نجرانی پیامبر را به همراه علی و فاطمه و حسنین- علیهم السلام- مشاهده نمودند که راهی محل مباحله‌اند. اسقف نجران گفت:

من چهره‌هایی را می‌بینم که هرگاه دست به دعا بلند کنند و از درگاه الهی بخواهند تا بزرگترین کوهها را از جای برکنند، کنده خواهد شد. صلاح نیست مباحله کنیم زیرا ممکن است نابود شویم و نه تنها ما، که ممکن است دامنه عذاب گسترش یابد و تمام مسیحیان جهان نابود شوند.

نتیجه: آنان از مباحله منصرف و حاضر به پرداخت جزیه در قبال حکومت اسلامی گردیدند.

حجّة الوداع: «حج بلاغ و حج اسلام نیز خوانند.»

پیامبر در ذیقعدہ سال دهم، اعلان داشتند که عازم حج‌اند و این خبر مسرور کننده‌ای برای مردم بود.

در بیست و ششم همان ماه، «ابودجانہ» را جانشین خود در مدینه قرار داد و با بیش از شصت قربانی عازم گردید.

از ذوالحلیفه «مسجد شجره» محرم شدند و بسوی مکه عزیمت کرده، چهارم ذیحجه وارد مکه شدند.

پیامبر در عرفات در محل مسجد نمره سخنرانی ایراد نمود حاوی موارد زیر:

۱- لزوم احترام به جان و مال یکدیگر ۲- توجه دادن به ادای حقوق دیگران ۳- حرمت ربا ۴- پرهیز از پیروی شیطان ۵- لزوم حفظ حقوق خانوادگی ۶- لزوم احترام به شخصیت و حق زن ۷- اخوت جامعه اسلامی ۸- ابطال سنت‌های جاهلی و بالاخره بیان ثقلین انی تارک فیکم ...

حادثه تاریخی غدیر:

پیامبر از حجّة الوداع برمی‌گشتند. پیک الهی نازل یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک... (۲) ۲۶۱

محل حادثه، منطقه جحفه. ... وصل الی غدیر خم من الجحفه التي تشعب فیها طرق المدینین و المصریین و العراقیین.

اعلان توقف گردید و پیامبر در اجتماع عظیم مردم خطبه‌ای خواندند حاوی:

۱- خبر از مرگ قریب الوقوع خویش.

۲- اقرار گرفتن از همگان بر توحید، نبوت و معاد.

۳- تکیه روی ثقلین.

ثم اخذ بید علی حتی رؤی بیاض آباطهما و عرفه القوم اجمعون فقال ایها الناس من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم؟ قالوا اللّٰه و رسوله اعلم. قال ان اللّٰه مولای و انا مولی المؤمنین و انا اولی بهم من انفسهم فمّن کنت مولاه فعلى مولاه یقولها ثلاث مرّات. ثم قال: اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله الا- فلیبلغ الشاهد الضائب ثم لم یتفرقا حتی نزل ... الیوم اکملت لکم دینکم ... فقال الرسول: اللّٰه اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمه و رضی الربّ برسالتی و الولاية لعلی من بعدی.

ثم طفق القوم یهتئون امیر المؤمنین. و ممن هتأه فی مقدم الصحابة: الشیخان ابوبکر و عمر کل یقول: بخ بخ لک یا بن ابیطالب

اصبحت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنه.

** رواه حدیث غدیر: از صحابه صد و ده نفر. از تابعین هشتاد و چهار نفر و از علمای قرون ۳۶۰ نفر.

علامه امینی- ره- در ذیل آیه «یا ایها الرسول بلغ...» سی سند نقل می‌کند که شأن نزول آیه را، داستان غدیر و نصب حضرت علی

به زمامداری می‌دانند. منهم: ابوسعید سجستانی- ابن عساکر شافعی- جلال الدین سیوطی- سلیمان قندوزی حنفی. (۳) ۲۶۲

حدیث غدیر را احمد بن حنبل به ۴۰ سند، ابن حجر عسقلانی به ۲۵ سند، جزری شافعی به ۸۰ سند، ابوسعید سجستانی به ۱۲۰

سند، ابوالعلای همدانی به ۱۰۰ سند و ... دیگران نیز نقل کرده‌اند.

۱- آل عمران: ۶۱.

۲- مائده: ۶۷.

۳- به الغدیر جلد ۱ مراجعه گردد.

سیمای مسجد

خداوند از میان انسانها، نباتات، جمادات، زمان، مکان و ... برگزیده‌هایی دارد. مثلاً از میان انسانها «انبیای»، از بین نباتات «تین و زیتون» از جمادات «کعبه، حجرالاسود و ...» از میان زمانها «جمعه، ماه رمضان و ...» از میان مکانها «حرم، عرفات و ...» از جمله مساجد برگزیده خدایند لذا برای آنها تشریف قائل شده و لقب «بیت الله» را به آنها اختصاص داده است.

** مساجد مهم:

مسجد الحرام مسجد النبی مسجد الاقصی مسجد الکوفه.

اولین مسجد در اسلام:

مسجد قبا فانه المسجد الذی اسس علی التقوی من اول یوم.

ساختن مسجد:

انما یعمر مساجد الله من آمن بالله والیوم الآخر (۱) ۲۶۳

طبق روایات وارده یکی از صدقات جاریه ساختن مسجد است.

قال النبی - (ص) - : عمّار مساجد الله هم اهل الله تعالی.

رفتن به مسجد:

عن النبی - (ص) - من مشی الی مسجد یطلب فیہ الجماعه کان له بكل خطوه سبعون الف حسنه و یرفع له من الدرجات مثل ذلك. (۲) ۲۶۴

عن الصادق - (ع) - : علیکم باتیان المساجد فانها بیوت الله فی الارض و من آتاها متطهراً طهره الله من ذنوبه. (۳) ۲۶۵ همسایه مسجد:

عن علی - (ع) - : حریم المسجد اربعون ذراعاً و الجوار اربعون داراً من جوانبها. (۴) ۲۶۶

عن علی - (ع) - : لا صلاة لجار المسجد الا فی المسجد الا ان یكون له عذر او علة فقیل و من جار المسجد؟ قال من سمع

النداء. (۵) ۲۶۷ گریز از مسجد:

عن الصادق - (ع) - : من صل فی بیته جماعه رغبه عن المسجد فلا صلوه له و لا لمن صلی معه الا من عله تمنع من المسجد. (۶) ۲۶۸

و عنه ایضاً: لا غیبه لمن صلی فی بیته و رغب عن جماعتنا. (۷) ۲۶۹

۱- - توبه: ۱۸.

۲- - بحار، ۷۶ / ۳۳۶.

۳- - امالی، صدوق.

۴- - بحار، ۸۴ / ۳.

۵- - بحار، ۸۳ / ۳۷۹.

۶- - وسایل ۳ / ۵۱۲.

۷- - بحار، ۸۳ / ۳۵۴.

ص: ۴۷

ان امیر المؤمنین بلغه ان قوما لا یحضرون الصلوٰۃ فی المسجد فخطب فقال: لایؤاکلونا ولا یشاربونا ولا یناکحونا ولا یشاورونا ولا یأخذوا من فیئنا شیئاً. (۱) ۲۷۰

قال النبی - (ص) - : من سمع النداء فخرج من غیر علّه فهو منافق الا ان یرید الرجوع الیه. (۲) ۲۷۱

قال الصادق - (ع) - : من رغب عن جماعة المسلمین سقطت عدالته. (۳) ۲۷۲

قال الصادق - (ع) - : من رغب عن جماعة المسلمین وجب هجرانه. (۴) ۲۷۳

آنچه در بالا ذکر شد در حج ضروری تر است چه آنکه حفظ وحدت در رأس امور است. بنابراین باید حجاج به شرکت در جماعات ترغیب شوند بویژه با توجه به آنکه:

«من صلی معهم فی الصف الاول کان کمن صلی مع رسول اللّٰه - (ص) -»

و بر همگان لازم است که:

نظافت مسجد را رعایت کنند. مسجد را معبر قرار ندهند. از مقابل صفوف عبور نکنند. رعایت احکام وقف را بنمایند. از خوردن و خوابیدن در مساجد پرهیز نمایند. هنگام نماز خارج نشوند. بغیر امور عبادی اشتغال نوزند. * از صبحت بلند و قهقهه پرهیزند و ...

کام به کام در حج

بر صاحب‌دل‌ال راهی دیار عشق است که پیش از هر چیز، به آماده‌سازی درون خویش پرداخته و به جای کعبه معبود، معبود کعبه را قصد نمایند (اذا اردت الحج فجرد قلبک لله) (۵) ۲۷۴ و آنگاه قبل از سوار شدن بر مرکب راه، از مرکب گناه و تمایلات نفسانی پیاده شود (اغتسل بماء التوبۃ الخالصۃ) (۶) ۲۷۵ چرا که خداوند پاکان و پاک‌دلان را پذیراست (ان اللّٰه یحب التوابین و یحب المتطهرین) (۷) ۲۷۶ حال با ضمیری پاک و قلبی بی زنگار آهنگ سفر نما و آسوده باش (فاللّٰه خیر حافظا و هو ارحم الراحمین) (۸) ۲۷۷ در این سفر به باب ورود حرم کبریایی «میقات» که رسیدی نیازمند اذن دخولی، پس چنان کن که تلبیّه‌ات چونان نغمه عاشقانه و با شور و حرارتی خاص از اندرون جانت طنین افکند. تا اگر گفتی:

۱- - وسائل، ۸۳ / ۴۷۹.

۲- - بحار، ۸۳ / ۳۵۴.

۳- - بحار، ۸۳ / ۳۵۴.

۴- - بحار، ۸۳ / ۳۵۴.

۵- - مصباح الشریعه، ۱۴۲.

۶- - همان.

۷- - بقره: ۲۲۲.

۸- - یوسف: ۶۴.

ص: ۴۸

«لیک اللهم لییک، لییک لا- شریک لک لییک، ان الحمد و النعمه لک و الملک لا شریک لک لییک» پاسخ «لا لییک و لا سعدیک» را نشنوی. زیرا: «من حج من غیر حله ثم لبی قال الله عزوجل: لا لییک و لاسعدیک» (۱) ۲۷۸ ولی اگر از روی ایمان و اخلاص تلبیه را اداء نمودی بر تو مژده باد که امام باقر- (ع)- فرمود:

«من لبی فی احرامه سبعین مره ايماناً و احتساباً شهد الله له الف الف ملك براءة من النار و براءة من النفاق» (۲) ۲۷۹
 آنگاه است که تو را به مطاف عرشیان راهی هست و صاحب خانه تو را به سوی خویش فرامی خواند که «ولیطوفوا بالبیت العتیق» (۳) ۲۸۰ و بدان که طواف خویش را بر گرداگرد «مقصود کعبه» قرار ده و نه «کعبه مقصود». در مطاف اگرچه در میانه جمعیت انسانهایی. ولی با آنها نباش و بر سیره اولیای الهی عمل کن. طاووس یمانی می گوید امام زین العابدین- (ع)- را دیدم، گرداگرد کعبه به طواف مشغول بود، با شور و نوایی خاص خدای را می خواند و همواره اشک می ریخت گاه می گفت:
 اتحرقتی بالنار یا غایه المنی فاین رجایی ثم این محبتی
 اتیت باعمال قباح ردیة و مافی الوری خلق جنی کجنایتی
 فزادی قلیل ما اراه مبلغاً للزاد ابکی ام ابعده مسافتی (۴) ۲۸۱

و گاهی بر خاک می افتاد و اظهار تذلل و خضوع در محضر حضرت حق می نمود و ... خدمتش رسیدم که ای عزیز پیامبر خدا، این جزع و فزع ترا چه باد؟ که پدرت علی، مادرت فاطمه و جدت پیامبر- (ص)- است حضرتش فرمود اینها را رها ساز و مطرح نساژ که:

«خلق الله الجنة لمن اطاعه و احسن ولو كان عبداً حبشياً و خلق الله النار لمن عصاه و لو كان قرشياً» (۵) ۲۸۲
 و بدان که کعبه و اطراف آن، درون و برون آن میدان تقرب است، محل پاکسازی وجود از ضد ارزشها است جایگاه جلب حسنات است چه بر گردش طواف کنی یا در گوشه‌ای به نماز ایستی و یا تنها به کعبه (کو سنگ نشانی است که ره گم نشود) نظاره کنی.
 امام صادق- (ع)- فرمود:
 «ان لله تبارک و تعالی حول الکعبه عشرين و مائة رحمه منها ستون للطائفین و اربعون للمصلین و عشرون للناظرین» (۶) ۲۸۳
 یکبار دیگر به خود آی. آیا می دانی در چه مکان مقدسی قرار داری؟
 امیر- (ع)- می فرماید:

«و وقفوا مواقف انبيائه و تشبهوا ملائکته المطیفین بعرضه یحرزون الارباح فی متجر عبادته و یتبادرون عنده موعد مغفرته» (۷) ۲۸۴
 پس از آنکه طواف را به پایان بردی، تلاش کن با خدا بیعتی دوباره کنی و میثاقی مجدد را نمایان سازی که پیامبر- (ص)- فرمود:
 «طوفوا بالبیت و استلموا الرکن (الحجر الاسود) فانه یمین الله فی ارضه یصافح بها خلقه مصافحة العبد او الدخیل و یشهد لمن استلمه بالموافاة» (۸) ۲۸۵

پس از فراغت از طواف، آهسته و در حالی که به تاریخچه کعبه و آنانکه در طول تاریخ پروانه وار گرد این شمع چرخیده اند و برخی در حجر آرمیده اند، می اندیشی، روانه زمزم شو و از برکات آن بهره جو.
 امام صادق- (ع)- از پیامبر نقل می کند که فرمود:

«ماء زمزم شفاء لما شرب له» (۹) ۲۸۶

اینک و پس از آنکه یکبار خضوع و خشوع و وقار خویش را آزموده‌ای (اذا دخلت المسجد الحرام فادخله حافیا علی السکینه و الوقار و الخشوع) (۱۰) ۲۸۷ بار دیگر و در میدانی دیگر (صفاه و مروه) آن حالت را آزمایش کن. امام صادق- (ع)- فرمود:

«مالله عزوجل منسك احب الى الله عزوجل من موضع السعى و ذلك انه يذل فيه كل جبار عنيد».(۱۱) ۲۸۸
 پس در میانه این دو کوه که خدایش فرمود: (ان الصفا و المروة من شعائر الله)،(۱۲) ۲۸۹ و تنها هاجر آزمایش نشد بلکه میدان
 آزمودن صبر، توکل، جهاد، اخلاص، ایثار، تعبد و ... در یک کلمه «ایمان» هر فردی است که در این دیار گام می‌نهد. و مژده باد بر
 او که در روایتی آمده است:

الحاج اذا سعى بين الصفا و المروة خرج من ذنوبه.(۱۳) ۲۹۰ الساعى بين الصفا و المروة تشفع له الملائكة.(۱۴) ۲۹۱

۱-- محجة البيضاء ۲ / ۲۱۰.

۲-- کافی ۴ / ۳۳۵.

۳-- حج / ۲۹.

۴-- بحار ۹۹ / ۱۹۸.

۵-- مناقب ۴ / ۱۵۱.

۶-- کافی ۴ / ۲۴۰.

۷-- نهج البلاغه خطبه اول.

۸-- علل الشرايع ۲ / ۴۲۴.

۹-- فقه الرضا / ۴۶.

۱۰-- کافی ۴ / ۴۰۱ از امام صادق- (ع)-.

۱۱-- علل ۲ / ۱۱۸.

۱۲-- بقره ۱۵۸.

۱۳-- من لا يحضره الفقيه ۲ / ۱۳۵.

۱۴-- همان.

ص: ۴۹

* اذا سعت بين الصفا والمروة كان لك عند الله اجر من حج ماشياً. (۱) ۲۹۲

نقطه‌ای نیست که در آن قدم‌گذاری و گامی بی‌بهره ماند. چه اینکه اینجا سرزمینی مقدس است و تو مهمان صاحب خانه‌ای با فضل و عنایتی نامحدود هستی. از فرصت‌ها بهره‌گیر بویژه آن گاه که خود را در میان خیل عظیم حاضران در عرفات می‌بینی البته و صد البته که باید بهوش بود زیرا: سفیدپوشان صحنه عرفات بعضی «حجج» و برخی «ضحجج» اند تو در کدامین قافله‌ای؟

زهري است در محضر امام سجاد- (ع)- در عرفات. او حجاج را چیزی حدود پانصد هزار تخمین می‌زند حضرت فرمودند:

«... يا زهري ما اكثر الضحجج و اقل الحجج فقال الزهري: كلهم حجاج افهم قليل؟ فقال- (ع)- له يا زهري ادن الي وجهك فادناه اليه فمسح بيده وجهه ثم قال انظر فنظر الي الناس قال الزهري: فرأيت اولئك الخلق كلهم قرده لا اري فيهم انساناً الا في كل عشرة آلاف واحداً من الناس ... ثم قال- (ع)- لي: من حج والي موالينا و هجر معادينا و وطن نفسه على طاعتنا ... فذلك هو الحاج و الباقون هم من قد رأيتهم ... حدثني ابي عن جدي رسول الله- (ص)- انه قال ... انما الحاج المؤمنون المخلصون الموالون لمحمد و على محبيهما المعادون لشأنهما». (۲) ۲۹۳***

اکنون اگر این پایانه راه را، عرفات و مشعر و منی را آنگونه که شایسته است طی نمودی، بر خویشتن ببال که از گذشته‌ها و گناهات پاک‌گردیده و پرونده جدید اعمال را در پیش روی داری. مردی در مسجدالحرام از امام صادق- (ع)- پرسش نمود: چه کسی گناهایش از همه بزرگتر است فرمود:

«من يقف بهذين الموقفين عرفه و مزدلفه و سعى بين هذين الجبلين ثم طاف بهذا البيت و صلى خلف مقام ابراهيم ثم قال في نفسه او ظن ان الله لم يغفر له فهو من اعظم الناس وزراً». (۳) ۲۹۴***

و در همه این میادین که پشت سرگذاری و یا در پیش روی داری هزاران نکته نهفته است که بدون آنها، حج قالبی بی‌قلب است و کالبدی بی‌روح و جان. به سیرت حج بیندیش و نه به صورت آن.

امام سجاد- (ع)- از حج بازمی‌گشتند، شخصی بنام «شبللی» خدمت حضرت می‌رسد. امام پرسیدند:

* حجيت يا شبللي؟ قال نعم يابن رسول الله*

فقال عليه السلام: انزلت الميقات و تجردت عن محيط الثياب و اغتسلت؟ قال نعم. قال- (ع)- فحين نزلت الميقات، نويت انك خلعت ثوب المعصية و لبست ثوب الطاعة؟ قال لا. قال- (ع)- فحين اغتسلت نويت انك اغتسلت من الخطايا و الذنوب؟ قال لا. قال- (ع)- فما نزلت الميقات و لا تجردت عن محيط الثياب و لا اغتسلت.

قال- (ع)-: ادخلت الميقات و صليت ركعتي الاحرام و لبيت؟ قال نعم. قال- (ع)-: فحين دخلت الميقات نويت انك بنية الزيارة؟ قال لا. قال- (ع)- فحين صليت الركعتين نويت انك تقربت الى الله بخير الاعمال من الصلوة و اكبر حسنات العباد؟ قال لا. قال- (ع)-: فحين لبيت نويت انك نطقت لله سبحانه بكل طاعة و صيمت على كل معصية؟ قال لا. قال- (ع)-: ما دخلت الميقات و لا صليت و لا لبيت.

ثم قال- (ع)- له: ادخلت الحرم و رأيت الكعبة و صليت؟ قال نعم. قال- (ع)-: فحين دخلت الحرم، نويت انك حرمت على نفسك غيبة تستغيبها المسلمين من اهل مله الاسلام؟ قال لا. قال- (ع)- فحين وصلت مكة، نويت بقلبك انك قصدت الله؟ قال لا. قال- (ع)-: فما دخلت الحرم و لا رأيت الكعبة و لا صليت ثم قال- (ع)- طفت بالبيت و مسست الأركان و سعيت؟ قال نعم. قال- (ع)- فحين سعيت نويت انك هربت الى الله و عرف ذلك منك علام الغيوب؟ قال لا. قال- (ع)- فما طفت بالبيت و لا مسست الأركان و

لاسعیت.

ثم قال - (ع) - له: صافحت الحجر و وقفت بمقام ابراهيم و صليت به ركعتين؟ قال نعم. فصاح - (ع) - صيحةً كاد يفارق الدنيا ثم قال آه آه.

ثم قال - (ع) - من صافح الحجر الأسود فقد صافح الله تعالى فانظر يا مسكين. لا تضيع اجر ما عظم حرمة و تنقض المصافحة بالمخالفة و قبض الحرام نظير اهل الآثام. ثم قال - (ع) - نويت حين وقفت عند مقام ابراهيم انك و قفت على كل طاعة و تخلفت عن كل معصية؟ قال لا. قال - (ع) - فحين صليت فيه ركعتين نويت انك صليت بصلوة ابراهيم و ارغمت بصلاتك انف الشيطان؟ قال لا. قال - عليه السلام - فما صافحت الحجر الأسود ولا وقفت عندالمقام ولا صليت فيه ركعتين.

ثم قال - (ع) - له: اشرفت على بئر زمزم و شربت من مائها؟ قال - (ع) - انويت انك اشرفت على الطاعة و غضضت طرفك عن المعصية؟ قال لا. قال - (ع) - فما اشرفت عليها ولا شربت من مائها.

ثم قال - (ع) - له: اسعيت بين الصفا و المروة و مشيت و ترددت بينهما؟ قال نعم. قال - (ع) - نويت انك بين الرجاء و الخوف؟ قال لا. قال - (ع) - فما سعيت ولا مشيت ولا ترددت بين الصفا و المروة.

ثم قال - (ع) - اخرجت الى منى؟ قال نعم. قال - (ع) - نويت انك آمنت الناس من لسانك و قلبك و يدك؟ قال لا. قال - (ع) - فما خرجت الى منى.

ثم قال - (ع) - له: اوقفت الوقفة بعرفة و طلعت جبل الرحمة و عرفت وادى نمره و دعوت الله سبحانه عندالميل و النمراة؟ قال نعم. قال - (ع) - هل عرفت بموقفك بعرفة، معرفة الله سبحانه امر المعارف و العلوم و عرفت قبض الله على صحيفتك و اطلاعه على سريرتك و قلبك؟ قال لا. قال - (ع) - نويت بطلوعك جبل الرحمة ان الله يرحم كل مؤمن و مؤمنة و يتوالى كل مسلم و مسلمة؟ قال لا. قال - (ع) - فنويت عند نمره انك لا تأمر حتى تأتمر و لاتزجر حتى تنزجر؟ قال لا. قال - (ع) - فعندما وقفت عند العلم و النمراة، نويت انها شاهدة لك على الطاعات حافظه لك مع الحفظه بامر رب السموات؟ قال لا. قال - (ع) - فما وقفت بعرفة ولا طلعت جبل الرحمة و لاعرفت نمره و لادعوت و لاوقفت عند النمراة.

ثم قال - (ع) - مررت بين العلمين و صليت قبل مرورك ركعتين و مشيت بمزدلفة و لقطت فيها الحصى و مررت بالمشعر الحرام؟ قال نعم. قال - (ع) - فحين صليت ركعتين نويت انها صلوة شكر فى ليلة عشر تنفى كل عسر و تيسر كل يسر؟ قال لا. قال - (ع) - فعند ما مشيت بين العلمين و لم تعدل عنهما يمينا و شمالاً نويت ان لا تعدل عن دين الحق يمينا و شمالاً لا بقلبك و لا بلسانك و لا بجوارحك؟ قال لا. قال - (ع) - فعندما مشيت بمزدلفة و لقطت منها الحصى نويت انك رفعت عنك كل معصية و جهل و تبئت كل علم و عمل؟ قال لا. قال - (ع) - فعند ما مررت بالمشعر الحرام نويت انك اشعرت قلبك اشعار اهل التقوى و الخوف لله عزوجل؟ قال لا. قال - (ع) - فما مررت بالعلمين و لا صليت ركعتين و لا مشيت بالمزدلفة و لا رفعت منها الحصى و لا مررت بالمشعر الحرام.

ثم قال - (ع) - له: وصلت منى و رميت الجمره و حلقت رأسك و ذبحت هديك و صليت فى مسجد الخيف و رجعت الى مكة و طقت

طواف الافاضة؟ قال نعم. قال- (ع)- فنويت عندما وصلت منى و رميت الجمار انك بلغت الى مطلبك و قد قضى ربك لك كل حاجتك؟ قال لا. قال- (ع)- فعند ما رميت الجمار، نويت انك رميت عدوك ابليس و عصيته بتمام حجك النفيس؟ قال لا. قال- (ع)- فعند ما حَلَقْتَ رأسك نويت انك تطهرت من الادناس و من تبعه بنى آدم و خرجت من الذنوب كما ولدتك امك؟ قال لا. قال- (ع)- فعند ما صليت فى مسجد الخيف نويت انك لاتخاف الا الله عز و جل و ذنبك و لاترجوا الا رحمة الله تعالى قال لا. قال- (ع)-: فعندما ذبحت هديك نويت انك ذبحت حنجره الطمع بما تمسكت به من حقيقه الورع و انك اتبعت سنه ابراهيم- (ع)- بذبح ولده و ثمره فؤاده...؟ قال لا. قال- (ع)-: فعندما رجعت الى مكه و طُفَّت طواف الافاضة نويت انك افضت من رحمة الله تعالى و رجعت الى طاعته و تمسكت بوّده و اديت فرائضه و تقربت الى الله تعالى؟ قال لا. قال له زين العابدين: فما وصلت منى و لا رميت الجمار و لا حلقت رأسك و لا اديت نُسَيْكَكَ و لا صليت فى مسجد الخيف و لا طفت طواف الافاضة و لاتقربت. ارجع فانك لم تحج.

«فطلق الشبلى يبكى على ما فرطه فى حجه». (۴) ۲۹۵***

۱- - محاسن ۱ / ۶۵.

۲- - مستدرک ۲ / ۱۶۷.

۳- - وافى ۲ / ۴۲.

۴- - مستدرک ۲ / ۱۷۶.

ص: ۵۰

چند روایت مفید

عن سيف التمار قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: اتيت الحجر الاسود فوجدت عليه الزحام فلم الق الا رجلاً من اصحابنا فسألته فقال: لا بد من استلامه فقال: ان وجدته خالياً والا فسلّم من بعيد. «كافي ۴ / ۴۰۵»

* عن ابي عبد الله - (ع) -: من صلى معهم في الصف الاول كان كمن صلى خلف رسول الله - (ص) - في الصف الاول. «وافي ۲ / ۱۸۲»

* عن الصادق - (ع) -: قال ... خالقوا الناس باخلاقهم، صلوا في مساجدهم وعودوا مرضاهم و اشهدوا جنازهم و ان استطعتم ان تكونوا الاثمه و المؤذنين فافعلوا فانكم اذا فعلتم ذلك قالوا هؤلاء الجعفرية رحم الله جعفر ما كان احسن ما يؤدب اصحابه و اذا تركتم ذلك قالوا هؤلاء الجعفرية فعل الله بجعفر ما كان اسوء ما يؤدب اصحابه. «مدرک سابق»

عن الباقر - (ع) -: صلوة في المسجد الحرام افضل من مائة الف صلوة في غيره من المساجد. «ثواب الاعمال ۴۹»
* عن الباقر - (ع) -: من ختم القرآن بمكة ... كتب الله له من الاجر و الحسنات من اول جمعة كانت في الدنيا الى آخر جمعة تكون فيها. «ثواب الاعمال ۱۵۰»

* عن ابي عبد الله - (ع) -: من نظر الى الكعبة لم يزل تكتب له حسنة و تمحي عنه سيئة حتى ينصرف يبصره عنها. «كافي ۴ / ۲۴۰»
* عن ابي جعفر - (ع) -: مَنْ ختم القرآن بمكة لم يمت حتى يرى رسول الله - (ص) - و يرى منزله من الجنة. «محاسن ۱ / ۶۹»
* روى عن محمد بن عثمان العموى انه قال: والله ان صاحب هذا الامر ليحضر الموسم كل سنة يرى الناس و يعرفهم و يرونه و لا يعرفونه. «كمال الدين ۲۴۵»

* قال رسول الله - (ص) -: معاشر الناس: حجوا البيت بكمال الدين و التفقه و لاتنصرفوا عن المشاهد الا بتوبه و اقلاع. «احتجاج ۱ / ۸۱»
* قال ابو عبد الله - (ع) -: الحجاج يصدرون على ثلاثة اصناف: صنف يعتق من النار و صنف يخرج من ذنوبه كهيئة يوم ولدته امه و صنف يحفظ في اهله و ماله. «كافي ۴ / ۲۵۳»

* قال رسول الله - (ص) -: الحج ثوابه الجنة و العمرة كفارة كل ذنب. «فقيه ۲ / ۱۴۲» (۱) ۲۹۶

عن ابي عبد الله - (ع) -: الحاج لا يزال عليه نور الحج ما لم يلم بذنوب. «كافي ۴ / ۲۵۵»

* قال رسول الله - (ص) -: من الذنوب، ذنوب لا تغفر الا بعرفات. «جعفریات ۶۵»

* قال ابو عبد الله - (ع) -: من حج يريد به الله ولا يريد به رياء ولا سُمعة غفر الله له البتة.

«ثواب الاعمال ۷۰»

* قال رسول الله - (ص) -: آية قبول الحج ترك ما كان عليه العبد مقيماً من الذنوب.

«جعفریات ۶۶»

*** وجوه تسميه

* عن ابي جعفر - (ع) -: سئل رجل: لم سمي الحج حجاً؟ قال: حج فلان اي افلح.

«علل ۲ / ۴۱۱»

* سألت ابا عبد الله - (ع) -: لم سميت الكعبة بكه؟ فقال: لبكاء الناس حولها و فيها.

«علل ۲ / ۲۹۷»

* سئل رسول الله - (ص) -: لأى شىء سميت الكعبة كعبه؟ فقال - (ص) -: لانها وسط الدنيا. «علل ۲ / ۳۹۸»

- * عن ابی جعفر - (ع) -: سئل رجل لم سُمی البیت العتیق؟ قال هو بیت حرّ عتیق من الناس لم یملکه احد. «کافی ۴ / ۱۸۹»
- * قلت لابی عبداللّه - (ع) -: لم سمی بیت اللّه الحرام؟ قال لانه حرّم علی المشرکین ان یدخلوه. «علل ۲ / ۳۹۹»
- * عن ابی عبداللّه - (ع) - قال: الحجر بیت اسماعیل و فیه قبرها جر و قبر اسماعیل.

۱- مرکز تحقیقات حج، سوژه‌های سخن (در مکه و مدینه)، اجلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱.

ص: ۵۱

«کافی ۴/ ۲۱۰»

* در همین مصدر، روایتی نقل است که می‌فرماید: و فيه قبور انبياء.

* عن ابى عبدالله- (ع)-: سَمِيَ الصفا، صفا لان المصطفى آدم هبط عليه فقطع للجبل اسم من اسم آدم- (ع)- ... و هبطت حواء على

المروة و انما سميت المروة لان المرأة هبطت عليها فقطع للجبل اسم من اسم مرأة. «علل ۲/ ۴۳۲»

* عن ابى عبدالله- (ع)-: جعل السعى بين الصفا و المروة مذلة للجبارين.

«کافی ۴/ ۴۳۴»

* سألت موسى بن جعفر- (ع)- عن السعى بين الصفا و المروة فقال: جُعِلَ لسعى ابراهيم- (ع)-. «قرب الاسناد ۱۰۵»

* سألته لم سمي يوم الترويه، يوم الترويه. قال (ابوعبدالله- (ع)-) لانه لم يكن بعرفات ماء و كانوا يستقون من مكة من الماء لريهم و

كان يقول بعضهم لبعض: ترويتم، ترويتم فسمى يوم الترويه. «علل ۲/ ۴۳۵»

* عن معاوية بن عمار، قال سئلت ابا عبدالله- (ع)- عن عرفات. لم سميت عرفات؟ فقال ان جبرائيل- (ع)- خرج بابراهيم يوم عرفه.

فلما زالت الشمس قال له جبرئيل: يا ابراهيم اعترف بذنبك و اعرف مناسكك فسميت عرفات لقول جبرئيل: اعترف. فاعترف.

«علل ۲/ ۴۳۶»

* عن ابى عبدالله- (ع)-: انما سميت مزدلفة. لانهم ازدلفوا اليها من عرفات.

«علل ۲/ ۴۳۶»

* عن ابى عبدالله- (ع)-: سميت المزدلفة جُمعاً لان آدم جمع فيها بين الصلاتين المغرب و العشاء. «علل ۲/ ۴۳۷»

* عن ابى عبدالله- (ع)-: ان جبرئيل اتى ابراهيم فقال: تمنّ يا ابراهيم فكانت تسمى منى فسامها الناس منى. «علل ۲/ ۴۳۵»

* عن معاوية بن عمار عن ابى عبدالله- (ع)-: قلت له: لم سمى الخيف خيفاً؟ قال انما سمى الخيف لانه مرتفع عن الوارى و كل ما

ارتفع عن الوارى سمى خيفاً. «علل ۲/ ۴۳۶»

* عن على- (ع)-: ان الجمار رميت لان جبرائيل حين ارى ابراهيم المشاعر برزله ابليس فامر جبرائيل ان يرميه فرماه بسبع حصيات

فدخل عند الجمرة الاولى تحت الارض فامسك ثم انه برزله عند الثانية فرماه بسبع حصيات آخر، فدخل تحت الارض فى موضع

الثانية ثم برزله فى موضع الثالثة فرماه بسبع حصيات فدخل فى موضعها. «قرب الاسناد/ ۶۷»

* قال رسول الله- (ص)-: انما جعل الله هذا الاضحى لتسع مساكينكم من اللحم فاطعموهم. «علل ۲/ ۴۳۷»

زيارت مشاهد مدینه

* عن ابى جعفر- (ع)- قال: ابدؤا بمكة و اختموا بنا. «کافی ۴/ ۵۵۰»

* عن ابى عبدالله- (ع)- قال: المدينة حرم الله و حرم رسولى و حرم امير المؤمنين. «صلوات الله عليهما» الصلاة فيها بعشرة آلاف صلاة

والدرهم فيها بعشرة آلاف درهم.

«کافی ۴/ ۵۸۶»

* قال رسول الله- (ص)-: من اتانى زائراً كنت شفيعه يوم القيامة. «کافی ۴/ ۵۴۸»

* قال رسول الله- (ص)-: من زارنى فى حياتى و بعد موتى كان فى جوارى يوم القيامة. «تهذيب ۳/ ۶»

* قال ابو عبدالله- (ع)-: صلاة فى مسجد النبى- (ص)- تعدل بعشرة آلاف صلاة.

«کافی ۴/ ۵۵۶»

* عن الصادق - (ع) :- من زارنا بعد مماتنا فكأنما زارنا في حياتنا.

«وسائل ۱۰ / ۲۶۰»

* عن جعفر بن محمد - (ع) :- و من المشاهد في المدينة التي ينبغي ان يؤتى اليها و تشاهد و يصلى فيها و تعاهد، مسجد قبا و مسجد الفتح و مسجد الفضيخ و مشربة ام ابراهيم و قبر حمزة و قبور الشهداء. «دعائم ۱ / ۲۹۷»

ص: ۵۲

سیمای عبادت

در قاموس قرآن فلسفه آفرینش جنّ و انس، عبادت معرفی گردیده است. در جایی می‌خوانیم: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (۱) ۲۹۷ و لذا رسولان الهی دعوت مردم به خداپرستی را سرلوحه رسالت خویش داشتند (و لقد بعثنا فی کل امه رسولاً ان اعبدوا لله). (۲) ۲۹۸ از این رو توجه دادن همگان به فلسفه خلقت امری لازم و قابل ذکر است. بویژه در سفر عبادی و ضیافت رحمانی؛ یعنی در حج که زمین و زمان، مکین و مکان از موقعیتی عبادی بهره‌مندند.

*** مفهوم عبادت:

از مجموع آنچه در کتب لغت آورده‌اند، (۳) ۲۹۹ بدست می‌آید که، عبادت، اظهار تذلّل و خضوع است شاید کلمه «پرستش» واژه گویایی برای رساندن مفهوم عبادت باشد. حال ممکن است جهت پرستش حقّ باشد و یا باطل. رحمانی باشد یا شیطانی. البته در فرهنگ شریعت، عملی عبادت تلقی می‌شود که در چارچوبی خاص، تحقق یافته و با انگیزه‌ای الهی صورت گیرد. در این صورت دامنه عبادت محدود به نماز و روزه و ... نخواهد بود بلکه از گستره‌ای وسیعتر برخوردار است که به برخی جلوه‌ها اشاره می‌کنیم:

قال علی - (ع) -: البكاء من خيفة الله للعبد عن الله عبادة العارفين. (۴) ۳۰۰ قال السجاد - (ع) -: من عمل بما افترض الله فهو من اعبد الناس. (۵) ۳۰۱ قال النبي - (ص) -: افضل العبادۃ انتظار الفرج. (۶) ۳۰۲ قال النبي - (ص) -: من خرج يطلب اباً من العلم ليرد باطلا الى حق وضالا الى هدى كان كعبادة اربعين عاما. (۷) ۳۰۳ عن ابي عبد الله - (ع) -: النظر الى الكعبة عبادة. (۸) ۳۰۴ عن ابي عبد الله - (ع) -: النظر الى وجه العالم عبادة. (۹) ۳۰۵ قال الصادق - (ع) -: نفس المهموم لظلمنا تسييح و همه لنا عبادة. (۱۰) ۳۰۶ عن الرضا - (ع) -: انما العبادة التفكير في امر الله. (۱۱) ۳۰۷ عن ابي عبد الله - (ع) -: النظر الى الامام عبادة. (۱۲) ۳۰۸ عن ابي عبد الله - (ع) -: النظر الى الوالدين عبادة. (۱۳) ۳۰۹

و بسیاری مصادیق دیگر که جلوه‌های عبادت به شمار رفته‌اند. پس عبادت با مفهومی که دارد از وسعت زیادی برخوردار است.

- ۱- - ذاریات: ۵۶.
- ۲- - نمل: ۳۶.
- ۳- - مفردات راغب.
- ۴- - غرر الحکم.
- ۵- - کافی، ۲/ ۸۴.
- ۶- - نهج الفصاحة.
- ۷- - محجّة البيضاء، ۱/ ۱۹.
- ۸- - کافی، ۴/ ۲۴۰.
- ۹- - کافی، ۴/ ۲۴۰.
- ۱۰- - نفس المهموم.

۱۱-- کافی، ۲/۵۵.

۱۲-- کافی، ۴/۲۴۰.

۱۳-- کافی، ۴/۲۴۰.

ص: ۵۳

ویژگیهای عبادت:

در باب عبادت ملاک‌هایی وجود دارد که با وجود آنها عبادت ارزش اصلی خود را باز می‌یابد. عمده آن معیارها عبارتند از:
اخلاص:

فاعبد الله مخلصا له. (۱) ۳۱۰- و ما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين. (۲) ۳۱۱

در روایات وارد است که نمازی را به عالم بالا می‌برند (کالعروس الموقوفة الى اهلها) چون اخلاص نداشته خطاب می‌شود آن را به سر صاحبش بزیند.

آگاهی:

قال علی - (ع) -: المتعبد علی غیر فقه کحمار الطاحونه یدور و لایبرح من مکانه. (۳) ۳۱۲

و قال ایضا - (ع) -: رکعتان من عالم، خیر من سبعین رکعة من جاهل. (۴) ۳۱۳

خشوع:

الذین هم فی صلاتهم خاشعون. (۵) ۳۱۴

عشق:

قال النبی - (ص) -: افضل الناس من عشق العبادۃ فعالقها. (۶) ۳۱۵

قال الصادق - (ع) -: لا تکرهوا ای انفسکم العبادۃ. (۷) ۳۱۶

میان‌روی:

قال النبی - (ص) -: ما احسن القصد فی العبادۃ. (۸) ۳۱۷

پنهان بودن:

قال النبی - (ص) -: اعظم العبادۃ اجراً اخفاها. (۹) ۳۱۸

دوام داشتن:

فاعبده و اصطر لعبادته. (۱۰) ۳۱۹

قال النبی - (ص) -: احب الاعما الى الله ادومه و ان قلَّ. (۱۱) ۳۲۰

آفات عبادت:

در همین فراز باید توجه داشت که دوام یافتن عبادت در صورتی میسر است که آفات عبادت را از عمل دور سازیم. آفاتی همچون:
عجب الهی عبدنی لک و لا تنفسد عبادتی بالعجب. (۱۲) ۳۲۱ «امام سجاد»

۱- - زمر: ۲.

۲- - بینه: ۵.

۳- - سفینه البحار، واژه عبد.

۴- - سفینه البحار، واژه عبد.

۵- - مؤمنون: ۲.

۶- - کافی، ۲/ ۸۳.

- ۷- - کافی، ۸۶/۲.
- ۸- - نهج الفصاحه.
- ۹- - نهج الفصاحه.
- ۱۰- - مریم: ۶۵.
- ۱۱- - نهج الفصاحه.
- ۱۲- - دعای مکارم الاخلاق.

ص: ۵۴

منت و اذیت لاتطلبوا صدقاتکم بالذنوب والاذی. (۱) ۳۲۲

گناه ان الحسد لیاکل الحسنات کما تأکل النار الحطب. (۲) ۳۲۳ «امام صادق»

ریاء قال الله عز و جل من اشرك معی غیرى فى عمل عمله لم اقبله. (۳) ۳۲۴***

نتیجه:

و بالاخره با توجه به نیازمندی دائمی انسان به خداوند و از آن جهت که آدمی عین الربط به رب است (انتم الفقراء الى الله) (۴) ۳۲۵ و بدلیل آنکه خداوند خالق انسانها است (و اعبدوا ربکم الذی خلقکم) (۵) ۳۲۶ و روزی دهنده و ایمنی‌بخش و ... است باید این پیوند مقدس (عبادت) همواره محفوظ ماند. (فلیعبدوا رب هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف) (۶) ۳۲۷ عبادت عشق است، به خدا روی کردن است، از دام صیادان انس و جن رستن و به حق پیوستن است. عبادت هدف خلق است نه غایت خالق. عبادت نیروبخش آدمی در زندگی است (و استعینوا بالصبر و الصلاه). (۷) ۳۲۸ پس بشنوید پیام الهی قرآن را که می‌فرماید فاعبدوه هذا صراط مستقیم. (۸) ۳۲۹***

سیمای ائمه معصومین بقیع - (ع) -

اشاره

بقیع در مجاورت حرم شریف نبوی - (ص) -، زمینی مقدس و مطاف ملائکه الهی است، چه آنکه گوهرهایی تابناک را در خود نهفته دارد.

امام حسن مجتبی - (ع) - امام سجاد - (ع) - امام باقر - (ع) - امام صادق - (ع) -

گو اینکه دیگرانی نیز همچون: همسران، دختران، عمه‌ها و برخی اصحاب و یاران پیامبر - (ص) - و نیز تعدادی از شهدای بدر و احد، فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین - (ع) -، ام‌البنین مادر حضرت عباس - (ع) -، و ... نیز در این زمین مقدس مدفونند. و همین مکان مقدس روزگارانی شاهد اشک‌های مظلومانه فاطمه - (ع) - بود و لقب «بیت الاحزان» را به خود اختصاص داد. و به احتمالی حرم بقیع جسم آزردده دختر پیامبر را نیز میزبان باشد.

اکنون در این فصل از نوشتارمان مروری بر زندگی ائمه بقیع - علیهم السلام - خواهیم داشت.

*** امام حسن مجتبی - (ع) - :-

نام او حسن، کنیه‌اش ابو محمد و القابش: سید، سبط، امین، حجت، نقی، زکی و مجتبی است.

در نیمه رمضان سال سوم هجری قمری متولد شد و پیامبر به امر الهی وی را «حسن» نامید.

مورد عنایت خاص پیامبر - (ص) - بود. به برخی سخنان حضرت - (ص) - در باره وی اشاره می‌کنیم:

اللهم انی احبه. فاحبه و احب من یحبه.

۱- - بقره: ۲۶۴.

۲- - کافی، ۲/ ۳۰۶.

- ۳- - کافی، ۲/ ۲۹۸.
- ۴- - فاطر: ۱۵.
- ۵- - بقره: ۲۱.
- ۶- - ایلاف: ۳ و ۴.
- ۷- - بقره: ۱۵۳.
- ۸- - آل عمران: ۵۱؛ مریم: ۳۶؛ زخرف: ۶۴.

ص: ۵۵

من احبني فليحب الحسن.

ان الحسن ريحاني في الدنيا.

ان الحسن اعطى من الفضل ما لم يعط احد من ولد آدم ما خلا يوسف.

من سره ان ينظر الى سيد شباب اهل الجنة فلينظر الى الحسن.

البتة در روایاتی نیز قرین برادر ارجمندش امام حسین- (ع)- به بزرگی و فضایی چند یاد شده است.

آیاتی که در شأن خمسه طیبیه است، گویای عظمت امام مجتبی- (ع)- نیز هست.

در کودکی بعنوان عضوی رسمی در حادثه مباحله شرکت جست و البته که کودکی مانع نیست. (یا یحیی خذ الكتاب بقوة و آتیناه

الحکم صبیاً). «مریم: ۱۲»

چندین بار اموالش را در راه خدا تقسیم نمود.

بارها پیاده به مکه معظمه مشرف گردید.

با مادرش غذا نمی خورد، چرا؟ فرمود: «اخاف ان آكل شيئاً سبق اليه نظرک فاکون عاقاً لک».

هنگام وضو و نماز رنگ چهره اش متغیر می شد و بدنش به لرزه می آمد و از خوف خدا می گریست و در هنگام نماز، می فرمود:

الهی ضیفک ببابک یا محسن قد اتاک المسیء. الهی عبدک ببابک، فقیرک ببابک.

بسیار حلیم، بردبار و شکبیا بود و کظم غیظ می نمود «داستان شخصی که به حضرت ناسزا گفت و با دیدن برخورد حضرتش گفت:

اللہ اعلم حیث یجعل رسالہ» گواه است.

در هنگام تلاوت قرآن هرگاه به خطابات «یا ایها الذین آمنوا» می رسید می فرمود: «لیبک اللهم لیبک».

حضرت گاه سخت می گریست علت را می پرسیدند. می فرمود: انما ابکی لخصلتین: «لهول المطلع» و «فراق الاحب».

طواف را و به نقلی اعتکاف را ترک و به خارج مسجد رفت، علت را پرسیدند فرمود: برای قضای حاجت مؤمن می روم؛ زیرا پیامبر-

(ص)- فرموده:

«من ذهب فی حاجة اخیه المسلم ففضیت حاجته کتبت له حجه و عمره و ان لم تقض له کتبت له عمره».

دوران امامت حضرت- (ع)-:

حضرت در سن ۳۷ سالگی و با شهادت پدرشان در ۲۱ رمضان سال چهل هجری به امامت رسید.

در روز شهادت، حضرت خطبه‌ای خواندند و در آن با استناد به:

حدیث ثقلین آیه اولی الامر آیه مودت

و با اشاره به شهادت پدر بزرگوارشان به حساسیت شرایط اشاره و مراسم بیعت با حضرت انجام گردید.

اساس بیعت حضرت بر این انجام گرفت که با هر که حضرتش صلح نمود، صلح کنند و با هر کس جنگید، بجنگند.

بلاد مختلف تسلیم بیعت شدند به استثناء شام که نه تنها معاویه بیعت را نپذیرفت بلکه به گسیل داشتن جواسیس نیز پرداخت.

نامه‌های متعدد میان امام مجتبی- (ع)- و معاویه مبادله گردید. گویی معاویه در اندیشه «بیعت گرفتن» بود نه «بیعت نمودن».

امام مجتبی- (ع)- با شرایط خاص روبرو بودند که این شرایط زمینه‌ساز معاهده صلح گردید. آنها عبارتند از:

رفاه طلبی مردم.

بی تفاوتی آنان نسبت به مصالح اسلام.

طولانی شدن جنگ‌های عصر امیرالمؤمنین- (ع)-.

نارضایتی بسیاری مردم از تبعات جنگ‌های گذشته.

وجود تفاله‌های خوارج و ...

فتنه‌سازی و شایعه پراکنی دستگاه معاویه.

توطئه ترور حضرت. تا جایی که حضرتش زیر لباس زره می‌پوشید.

سست شدن همراهان و کم لطفی دوستان.

خیانت فرماندهان عالی‌رتبه نظامی تحت الأمر حضرت.

و عوامل و انگیزه‌ها و زمینه‌های دیگری که در تصمیم‌گیری امام نقش داشت. علاوه بر آنکه:

صلح در همه‌جا عیب و ضعف نیست بلکه یکی از اصول اساسی مبارزه است و در تاریخ سیاسی اسلام سابقه داشته است. مانند:

صلح حدیبیه- معاهدات مدنی پیامبر- موضعگیری صلح‌جویانه حضرت علی- (ع)- در بخش عمده زندگی سیاسی اش و ...

ص: ۵۶

پاسخ تدبیر، تدبیر و پاسخ شمشیر، شمشیر است «شرایط عصر امام مجتبی و نیز خصوصیات دشمن مقابل با دیگر عصرها متفاوت بود».

جنگ امام مجتبی - (ع) - مساوی بود با از بین رفتن نیروهای ذخیره؛ مثل امام حسین - (ع) - و حضرت عباس و ... موادی که در معاهده ثبت شده، با درایتی خاص تنظیم گردید بگونه‌ای که اگر عمل می‌شد به زیان معاویه بود و حال که عمل نشد، تا به امروز تاریخ، معاویه را محکوم و نکوهیده اندیشه‌های آزاد و آزاده است.

مواد قرارداد صلح:

معاویه به کتاب و سنت عمل کند.

ولیعهد و جانشین معین نکند.

مالیات کوفه برای خاندان شهدا باشد.

به علی - (ع) - ناسزا گفته نشود.

مردم و بویژه یاران امیر - (ع) - در امان باشند و به کینه‌ها و دیرینه‌ها مؤاخذه نشوند.

بر ضد امامین همامین حسن و حسین - علیهما السلام - توطئه‌ای صورت نگیرد.

معاویه ضمن یک سخنرانی در کوفه ماهیت خود را افشا نمود و بر این نکته تأکید داشت که در اندیشه اسلام و مسلمین نبوده است و تنها برای او «حکومت» مفهوم دارد و بس. و به مرور زمان چهره‌اش روشن‌تر گردید؛ زیرا با تمام توان در نقض مواد فوق کوشید.

جانشین معین کرد، سب علی - (ع) - را رواج داد، یاران حضرت را در تنگنا قرار داده و رنج و شکنج و تبعید و به شهادت رساندن را سرنوشت آنان ساخت و بالأخره خودش امام مجتبی - ع - را و ولیعهدش امام حسین - (ع) - را به شهادت رساندند.

مورخین نوشته‌اند: وقتی خبر شهادت امام مجتبی - (ع) - توسط همسرش و به تحریک معاویه، به معاویه رسید، به سجده افتاد و ... خَرَمًا ساجداً و کَبْرًا. فکبر اهل الشام لذلك التکبیر یکی از زنان گفت چرا تکبیر گفتی. پاسخ داد: «استراح قلبی».

شهادت حضرت در هفتم و یا بیست و هشتم ماه صفر سال پنجاهم و در سن ۴۷ سالگی بوقوع پیوست.

ابن عساکر در مورد مراسم تشییع جنازه حضرت می‌گوید: «لو طرح ابره ما وقعت الا علی الانسان».

ابن شهر آشوب می‌گوید: امام حسین - (ع) - بدن حضرت را داخل قبر گذارده و اشعاری خواندند از جمله:

ءادهن رأسی ام اطیب محاسنی ورأسک معفور و انت سلیب

بکائی طویل و الدموع غزیره و انت بعید و المزار قریب

* جناده در هنگامه شهادت حضرت به محضرش شرفیاب گردید، حضرت در حالی که طشت در پیش روی داشتند، به جناده فرمودند: «ما منا الا مسموم أو مقتول». از حضرتش درخواست موعظه نمودند. امام پیامی دادند پایان بخش زندگی حضرت بدان اشاره داریم:

«استعد لسفرک و حصل زادک قبل حلول اجلک و اعلم انک تطلب الدنيا و الموت یطلبک و لاتحمل هم یومک الذی لم یأت علی یومک الذی انت فیه و اعلم انک لاتکسب من المال شیئا فوق قوتک الا کنت فیه خازنا لغيرک و اعلم ان فی حلالها حساب و فی حرامها عقاب و فی الشبهات عتاب ... و اعمل لدنیاک کانک تعیش ابدا و اعمل لآخرتک کانک تموت غداً و اذا اردت عزاً بلا عشیره و هبیه بلا سلطان فاخرج من ذل معصیه الله الی عز طاعه الله».

*** یاد آوری: مطالب مربوط به زندگی امام مجتبی - (ع) - از کتابهای بحارالانوار، ج ۴۳ و ۴۴ - مناقب ابن شهر آشوب استفاده گردیده بود.

امام سجاد - (ع) :-

نام او علی، کنیه اش ابوالحسن، لقبش سید العابدین، زین العابدین و سجاد است.

حضرت در پنجم شعبان سال ۳۸ هجری قمری بدنیا آمدند و در ۲۵ محرم سال ۹۵ از هجرت در سن ۵۷ سالگی رحلت فرمودند.
عن ابی عبد الله - (ع) - کان ابي يقول: کان علی بن الحسین اذا قام الی الصلاة کانه ساق شجره لا یتحرک منه شیء الا ما حرکت الريح منه. «بحار الانوار، ۴۶ / ۶۴»

قیل للزهري: من ازهد الناس فی الدنيا؟ قال علی بن الحسین - (ع) -.

در روایت است که: اذا کان شهر رمضان لم یتکلم الا بالدعاء و التسیح والاستغفار و التکبیر. «بحار الانوار، ۴۶ / ۶۵»

جاریه ای ظرف آب را روی صورت حضرت افکند و صورت حضرت جراحات برداشت. حضرت نگاهی کردند. او بلافاصله گفت: ان الله يقول: والکاظمین الغیظ. فقال لها قد کظمت غیظی. قالت والعافین عن الناس. قال لها قد عفی الله عنک قالت: والله یحب المحسنین قال اذهبی فانت حره. «بحار، ۴۶ / ۶۸»

عن ابی عبد الله - (ع) - قال: حج علی بن الحسین - (ع) - علی راحله عشر حجج ما قرعها بسوط. «بحار، ۴۶ / ۷۱»

طاووس یمانی نقل می کند: صدای شخصی را در کنار خانه کعبه شنیدم که سخت می گریید تا آنکه بیهوش بر زمین افتاد. نزدیک شدم و دیدم امام سجاد - ع - است. سر مبارکش را بر زانوان نهادم و اشک ریختم تا آنکه حضرت به هوش آمد و فرمود:

من الذی اشغلنی عن ذکر ربی؟ فقلت انا طاووس. یابن رسول الله ما هذا الجزع و الفزع و نحن یلزمنا ان نفعل مثل هذا و نحن عاصون، جانون. ابوک الحسین بن علی و امک فاطمه الزهراء و جدک رسول الله - (ص) - قال: فالتفت الی و قال: هیهات هیهات یا طاووس. دع عنی حدیث ابی و امی و جدی خلق الله الجنه لمن اطاعه و احسن و لو کان عبداً حبشیاً و خلق النار لمن عصاه و لو کان ولدا قرشیاً اما سمعت قول الله: فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم یومئذ. «بحار، ۴۶ / ۸۲»

قال ابو جعفر - (ع) -: ان اباه علی بن الحسین - (ع) - قاسم الله ماله مرتین.

ص: ۵۷

«بحار، ۴۶ / ۹۰»

کان - (ع) - يحمل جرب الدقيق ليلاً على ظهره يعطيه فقراء اهل المدينة.

«مدرک سابق»

در ماه رمضان لغزشهای کارگزاران خود را یادداشت می نمود و روز عید فطر ابتدا به آنها تذکر داده، آنگاه همه را مورد عفو خویش قرار می داد. و از آنان می خواست که دعا کنند تا خداوند از تقصیرات حضرت بگذرد. «اعیان الشیعه»

امام سجاد - (ع) - در جریان عاشورا حضور فعال داشت. چه آنکه ضمن حفظ و ایفای مسؤولیت امامت به رسوا سازی حکومت خونخوار بنی امیه و افشای عوامل جنایت به شهادت رساندن ابی عبد الله و یاران باوفایش پرداخت. گاه با سخنرانی و گاهی با گریه حقایق را به مردم تفهیم می نمود. از جمله در مسجد اموی شام سخنان خود را با این فراز آغاز نمود:

يا ايها الناس اعطينا ستا و فضلنا بسبع. اعطينا العلم و الحلم و السماحة و الفصاحة و الشجاعة و المحبة في قلوب المؤمنين و فضلنا بان منا النبي و الصديق و الطيار و اسد الله و اسد رسوله و سبطا هذه الامة. ايها الناس من عرفني فقد عرفني و من لم يعرفني انبأته بحسبي و نسبي. انابن زمزم و صفا ...

از امام سجاد - (ع) - مجموعه دعا که حاوی همه چیز است برجای مانده است و بنام «صحیفه سجادیه» یا زبور آل محمد - (ص) - موسوم است. سند صحیفه توسط زید شهید که جامع آن است به امام باقر - (ع) - می رسد.

امام باقر - (ع) :-

حضرت در روز اول ماه رجب سال ۵۷ هجری قمری دنیا آمدند. و در هفتم ذیحجه سال ۱۱۴ به شهادت رسیدند.

نام او محمد، کنیه اش ابوجعفر و لقب مشهورش باقر است.

جابر از پیامبر - (ص) - نقل می کند: یوشک ان تبقى حتى تلقى ولدأ لی من الحسين يقال له: محمد یبقر علم الدین بقرأ فاذا لقیته فاقراه منی السلام. «بحار ۴۶ / ۲۲۲»

عن ابی عبد الله - (ع) - : کان ابی اقل اهل بیته مالاً و اعظمهم مؤنة - کان ابی کثیر الذکر. «مدرک سابق»

کان - علیه السلام - اصدق الناس لهجة و احسنهم بهجة و ابذلهم مهجة.

«بحار ۴۶ / ۲۱۵»

قال له نصرانی: انت بقر؟ قال لا - انا باقر. قال انت ابن الطباخه؟ قال ذلك حرفتها. قال انت ابن السوداء الزنجیه البذیه؟ قال ان كنت صدقت غفر الله لها و ان كنت كذبت غفر الله لك قال فاسلم النصرانی. «بحار، ۴۶ / ۲۸۹»

سلمی کنیز حضرت می گوید: کان یدخل علیه اخوانه فلا یخرجون من عنده حتى یطعمهم الطعام الطیب و یکسوهم الثیاب الحسنه و یهب لهم الدراهم. «بحار، ۴۶ / ۲۹۱»

شخصی گوید: در خدمت حضرت به حج رفتم. وقتی داخل مسجد الحرام شد و چشم مبارکش به کعبه افتاد گریست تا صدایش بلند شد. عرض کردم مردم متوجه شما شده اند آهسته گریه کنید. فرمود: ویحک یا افلح. ویحک و لم لا ابکی لعل الله تعالی ان ینظر الی منه برحمة فافوز بها عنده غداً. آنگاه طواف نموده و نزد مقام به نماز ایستاد و چون سر از سجده برداشت جای سجده اش تر بود. «بحار، ۴۶ / ۲۹۰»

شخصی گوید: در اطراف مدینه امام باقر - (ع) - را دیدم که در هوای گرم مشغول کار بود. گفتم بروم و او را موعظه کنم. عرض کردم: چگونه بزرگی از بزرگان قریش در این ساعت و با این حال در طلب دنیا آمده است؟! اگر مرگ در این حال به سراغتان

بیاید چه می‌کنید؟! حضرت فرمود: اگر در این حال از دنیا بروم در حال طاعت خدا رفته‌ام و با این طاعت، خود را از مردم و از تو بی‌نیاز می‌کنم. آن شخص گوید به امام عرض کردم: یرحمک الله ارددت ان اعظک فوعظتنی. «بحار، ۴۶/۲۸۷»

حضرت امام باقر - (ع) - در نشر فرهنگ اسلام و عقاید اهل بیت تلاش فراوان نمود و شاگردان بسیاری تربیت کرد. جابر جعفی گوید: امام باقر - (ع) - به من هفتاد هزار حدیث فرمود و دستور داد به کسی نگویم. زیرا آنها از اسرار آل محمد - (ص) - بود. عرض کردم: گاهی این مطالب به سینه‌ام فشار می‌آورد و خلقم تنگ می‌شود و مرا حالتی شبیه جنون غالب می‌شود چه کنم؟ فرمود: آن وقت برو و حفره‌ای بکن و سرت را در آن حفره کن و بگو محمد بن علی به من چنین و چنان فرمود.

*** امام صادق - (ع) :-

- * حضرت در هفدهم ربیع‌الاول سال ۸۳ دنیا آمد و در سال ۱۴۸ رحلت فرمود.
- * حدود ۱۳ سال از حیات امام سجاد - (ع) - را درک نمود و آنگاه در دامان پدرش امام باقر - (ع) - زیست.
- * حضرت ناظر و شاهد کسانی بود که به نام اسلام و دین و بویژه هنگام نماز به جدش علی بن ابیطالب ناسزا می‌گفتند.
- * دشمنی منصور دوانیقی با حضرتش زبانزد خاص و عام است و آن جمله معروف او که می‌گفت: «جعفر بن محمد مانند استخوانی در گلویم گیر کرده است!» ولی در عین حال نسبت به آن حضرت می‌گفت: او مصداق «ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا» است.
- * رئیس مذهب مالکیه می‌گفت: ما رأیت عین ولا سمعت اذن ولا خطر علی قلب بشر افضل من جعفر بن محمد الصادق علماً و عباده و ورعاً و ...
- * و نیز امام مالکیه می‌گوید: اغلب اوقات که بر جعفر بن محمد وارد می‌شدم او را در یکی از حالات سه‌گانه می‌دیدم: اما مصلياً اوصائماً او قارئاً للقرآن الکریم.
- * ابوحنیفه می‌گفت: کان جعفر بن محمد اعلم الناس و اعرفهم بعقاید اهل زمانه.
- * ابوحنیفه می‌گفت: ما رأیت افقه من جعفر بن محمد الصادق.
- * ابوحنیفه می‌گفت: لولا السستان لهلك نعمان.
- * ابن ابی العوجاء با همه اعوجاجی که داشت می‌گفت ماهذا بيشر.
- * باغی داشت، میوه‌ها و فضای آن را در اختیار مردم می‌نهاد.
- * به دوستان و منسوبین نصیحت میکرد. روزی به شقرانی فرمود: ان الحسن من کل احد حسن و انه منك احسن و ان القبيح من کل احد قبيح و منك اقبح لمكانك مناً.

ص: ۵۸

* از کار و احوال مردم می‌پرسید که آیا اغنیا احوال فقرا را می‌پرسند و سالم‌ها عیادت بیماران می‌روند؟ گفتند: خیر. فرمود: فکیف یزعم هؤلاء انهم شیعتنا.

* وی در شرایط خاص آن روز به تربیت افراد پرداخت. اسد حیدر مؤلف کتاب «الامام الصادق و المذاهب الاربعه» می‌گوید: فقد اجمع العلماء علی انهم كانوا اربعة آلاف. مورخان نوشته‌اند در آن زمان تنها در شهر کوفه یک هزار نفر محدث بودند که مطالب خود را به امام صادق نسبت می‌دادند و می‌گفتند: «حدثنی جعفر بن محمد» یا «حدثنی الصادق...» و برخی از این شاگردان در زمان خود حضرت، دست به تألیف کتاب و رساله در رشته‌های مختلف زدند. از جمله: ابو حمزه ثمالی، ابوبصیر، علی بن تغلب، علی بن یقظین، مفضل بن عمرو، هشام بن حکم، محمد بن نعمان، مؤمن طاق و ...

«الامام الصادق و المذاهب الاربعه»

* در میان شاگردان حضرت افرادی مثل: ابان بن تغلب دیده می‌شود که امام صادق - (ع) - فرمودند: اجلس فی مسجد المدینه و افت للناس فانی احب ان یری فی شیعتی مثلك.

و یا همچون جابر بن حیان که به گفته مورخان پانصد رساله در هزار صفحه در علم شیمی به رشته تحریر آورده است.

* حمایت‌های حضرت سبب می‌شد که شیعیان در احقاق حق اهل بیت - علیهم السلام - حتی اقدام به مبارزه مسلحانه نمایند. همچنانکه امام صادق - (ع) - در مورد نهضت زید بن علی بن الحسین نظر تأیید داشت و هیچگاه وی را تخطئه نمود، بلکه به آن حضرت منسوب است که فرمود: رحم الله عمی زیداً لو ظفر لوفی و بر شهادت او بسیار گریست و فرمود: او همچون شهادی است که در رکاب پیامبر به شهادت رسیده‌اند.

*** فاطمه زهرا - (ع) -:

«محمّل است که مدفن حضرت زهرا - س - در بقیع باشد».

* عامه معتقدند که حضرتش پنج سال قبل از بعثت به دنیا آمدند ولی امامیه ولادتش را پنج سال پس از بعثت نقل کرده‌اند.

* پیامبر - (ص) - فرمود: ان جبرئیل اتانی بتفاحه من تفاح الجنه فاكلتها فتحولت ماء فی صلبی ثم واقعت خدیجه - فحملت بفاطمه فانا اشم منها رائحة الجنه. «بحار ۴۳ / ۵»

* مرحوم صدوق در معانی الأخبار از پیامبر - (ص) - نقل می‌کند: خلق الله نور فاطمه قبل ان یخلق الارض و السماء فقال بعض الناس. یا نبی الله فلیست هی انسیه قال - (ص) - : فاطمه حوراء انسیه.

* بر خدیجه وارد شدند، در حال گفتگو بود، از او پرسیدند: یا خدیجه من تحدثین؟ قالت الجنین الذی فی بطنی تحدثنی و یؤنسی.

«امالی به نقل از مفضل بن عمرو از امام صادق - (ع) -»

* به هنگام ولادتش چهار زن (ساره - آسیه - مریم - کلثم) به کمک خدیجه - س - شتافتند.

* فاطمه - س - مشمول آیات تطهیر، مباحله، مودت، اطعام مسکین و یتیم و اسیر و کوثر است.

* قال رسول الله - (ص) - : یا فاطمه ان الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین. «بحار ۴۳ / ۲۴».

* عایشه می‌گوید: ان فاطمه کانت اذا دخلت علی رسول الله - (ص) - قام لها من مجلسه. «اعلام الوری ۱۵۲»

* لفاطمه تسعة اسماء عند الله عزوجل. فاطمه و الصدیقه و المبارکه و الطاهره و الزکیه و الراضیه و المرضیه و المحدثه و الزهراء.

«بحار الانوار جلد ۴۳»

یادآوری:

این نامها هر یک نکته‌ای دارد مثلاً:

سمیت «فاطمه» لان الله عزوجل فطم من احبها من النار.

سمیت «زهر» لانها كانت اذا قامت في محرابها زهر نورها لاهل السماء كما يظهر نور الكواكب لاهل الأرض.

سمیت «محدثه» لان الملائكة كانت تهبط من السماء فتناديها كما تنادي مريم بنت عمران ... فتحدثهم و يحدثونها.
«بحار الانوار جلد ۴۳».

در روایات پیامبر - (ص) - با تعبیری چون: شعرة منى، بضعة منى، شجته منى، نور عینی، ثمرة فؤادی و ... از زهرا - س - یاد فرموده است.

* همواره نماز شب و عبادات را پیگیر بود تا جائی که بفرموده امام مجتبی - (ع) - «حتی توڑمت قدمه» و در دعا اول برای همسایگان دعا می کرد و آنگاه برای اهل خانه الجار ثم الدار.

* زهرا - س - در زمره «بگائون» شماره شده است. پس از رحلت پدر به نقطه‌ای در بقیع می آمد و همواره گریان بود و در آنجا که نام «بیت الاحزان» گرفت. اشک می ریخت و این کار تا زنده بود ادامه داشت.

* بارها پیامبر خطاب به وی فرمود فداها ابوها.

* لقب «ام اییها» از مختصات افتخارآمیز اوست.

* اذا كان يوم القيامة نادی منادٍ يا معشر الخلائق غضوا ابصاركم حتى تمر فاطمة بنت محمد - (ص) -.

با این همه فضایل که استقصاء آن در توان قلم و بیان نیست جا دارد دردمندان به گوئیم.

ولأئى الامور تدفن سراً بضعة المصطفى و يعفى ثراها

سیمای وهابیت

وهابیت مجموعه‌ای از آراء و عقاید است که ساخته و پرداخته افراد متعددی است. هر چند در نهایت به نام «محمد بن عبدالوهاب» ثبت گردیده است. با بررسی عقاید وهابیان، ملاحظه می گردد که «ابومحمد بربهاری» از علمای معروف حنبلی مسلک در قرن چهارم، «عبدالله بن محمد عکبری»، معروف به ابن بطه، و بالاخره ابن تیمیه از علما حنبلی قرن هفتم و هشتم نیز چنین اعتقاداتی را مطرح ساخته‌اند. گرچه وهابیت تا زمان محمد بن عبدالوهاب که از علمای قرن دوازدهم است از گستره‌ای بسیار برخوردار نبوده است. لیکن در مجموع آرمان وهابیت مبارزه با دین و حذف گرایشات اصیل مذهبی است. بر همین اساس آنان با مسائلی چون: شفاعت، توسل، زیارت قبور، ساختن بارگاه برای ائمه - علیهم السلام -، تبرک جستن به نام و یاد ائمه و ... تحت پوشش توحید، مبارزه می نمایند.

*** نخستین کتابی که از اهل سنت در رد آراء وهابیت نوشته شده است:

«الصواعق الالهية في الرد على الوهابية». اثر: سلیمان بن عبدالوهاب برادر محمد بن عبدالوهاب.

نخستین اثری که از شیعه در رد وهابیت نوشته شده «منهج الرشاد» اثر علامه کاشف الغطا است.

*** می گویند: «يجب هدم المشاهد التي بنيت على القبور ولا يجوز ابقاءها بعد القدرة على هدمها». (۱) ۳۳۰ می گوئیم:

* تعمیر و حفظ قبور اولیا، تعظیم شعایر است. «و من يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب». (۲) ۳۳۱ * تعمیر و حفظ قبور اولیا جلوه

موده فی القربی است. «قل لا استلکم علیه اجراً الا المودة فی القربی». (۳) ۳۳۲ * تعمیر و حفظ قبور اولیا در میان ملل قبل از اسلام نیز

سابقه دارد. «ابنوا علیهم بنیاناً». (۴) ۳۳۳ در مورد اصحاب کهف «قال الذين غلبوا على امرهم لنتخذن عليهم مسجداً». (۵) ۳۳۴ * تعمیر و

حفظ قبور اولیا، ترفیع بیوت است. «فی بیوت اذن الله ان ترفع و يذكر فيها اسمه ...». (۶) ۳۳۵

در ذیل همین آیه «انس بن مالک» نقل می‌کند که وقتی پیامبر - (ص) - این آیه را خواند مردی برخاست و پرسید: مراد کدام خانه‌ها است؟ حضرت فرمود: خانه پیامبران. در این هنگام ابوبکر برخاست و پرسید: آیا این خانه (خانه علی و فاطمه - (ع) -) از آن خانه‌هاست؟ فرمود: «نعم من افاضلها». (۷) ۳۳۶***

می‌گویند: پیامبر در روایتی به نقل ابی الهیاج اسدی است که به علی - ع - فرمود:
 «الا ابعثک علی ما بعثنی علیه رسول اللّٰه - (ص) - ان لاتدع تمثالاً الا طمسته ولا قبراً مشرفاً الا سويته». (۸) ۳۳۷ می‌گوئیم:
 * این حدیث از نظر سند مخدوش است.

۱- - زاد المعاد ابن قیم.

۲- - حج / ۳۲.

۳- - شوری / ۲۳.

۴- - کهف / ۲۱.

۵- - همان.

۶- - نور / ۳۶.

۷- - درالمنثور / ۵ / ۵۰.

۸- - سنن ترمذی / ۲ / ۲۵۶.

ص: ۵۹

* ابی الهیاج در صحاح سته تنها همین یک حدیث را دارد، معلوم می‌شود مرد حدیث نبوده است.

* در روایت بحث از تسویه است نه هدم قبور و نگذاردن اثری از آن.

* برابری قبر با زمین خلاف سنت اسلامی است. و یندب ارتفاع التراب فوق القبر بقدر شبر. (۱) ۳۳۸

یادآوری: روایات دیگر نیز که مورد استناد قرار گرفته است یا اشکال سندی دارد و یا اضطراب متنی و یا ... به هر صورت آن اتقان لازم را جهت استدلال یک فقیه ندارد.

* یهود و نصاری قبور را قبله قرار می‌دادند این کار در روایات نهی شده است و در مواردی نهی از ساختن بنا به همین منظور است.

* در برخی نقل‌ها آمده است: اللهم لا تجعل قبری و ثنای بعد (۲) ۳۳۹ و این بسیاری موارد نهی را توضیح می‌دهد.

در بعضی روایات «زایرات القبور» مورد لعن قرار گرفته‌اند و این شاید بدان جهت است که زنان باید همواره خود را حفظ کرده و تبرج نداشته باشند. و لذا آن را بعضاً نهی کراهتی می‌دانند.

* در بعض روایات بحث از ساختن مسجد بر قبور است و این غیر از ساختن «حرم ائمه - علیهم السلام» است، و ساختن مسجد در کنار قبر نیز اشکال ندارد. گواه آن مسجد النبی - (ص) - است.

*** می‌گویند: سفر برای زیارت قبور اولیا حرام است.

می‌گوئیم:

* زیارت قبور اثرات آموزنده اخلاقی و تربیتی دارد.

رسول گرامی - (ص) - ضمن حدیثی می‌فرماید: «زوروا القبور فانها تذکرکم الاخره». (۳) ۳۴۰ * قرآن بر زیارت قبور صحه می‌گذارد. به مفهوم آیه «ولا تصل علی احد منهم مات ابدأ و لا تقم علی قبره انهم کفروا باللّه و رسوله و ماتوا و هم فاسقون» (۴) ۳۴۱ توجه شود.

* روایاتی نیز وجود دارد مثل ان رسول اللّه - (ص) - رخص فی زیارة القبور. (۵) ۳۴۲ * شخص گرانقدر پیامبر - (ص) - و حضرت علی - (ع) - و فاطمه - س - به زیارت شهدا و اموات می‌رفتند. زیارت قبر پیامبر - (ص) -:

من حج البيت و لم یرزنی فقد جفانی. (۶) ۳۴۳ * من زرانی بعد موتی فکانما زرانی فی حیاتی. (۷) ۳۴۴ * من زار قبری وجبت له شفاعتی. (۸) ۳۴۵

می‌گویند: در حدیث است که پیامبر - (ص) - فرمود: لا تُشدّ الرحال الّا الی ثلاثه مساجد مسجدهی هذا و مسجدالحرام و مسجدالاقصی (۹) ۳۴۶ بنابراین مسافرتی که برای زیارت مشاهد مشرفه است جایز نیست.

می‌گوئیم:

چون جمله استثنائیه است و نیازمند مستثنی منه، یا باید مستثنی منه را «مسجد» دانست و یا «مکان» را در تقدیر گرفت. اگر مسجد در تقدیر است. پس ارتباطی به سفرهای زیارتی مشاهده، ندارد و اگر مکان در تقدیر است، تالی فاسد آن را چگونه ملتزم می‌شوید؟ زیرا در این صورت باید هر سفر معنوی را به هر مکانی غیر از سه مسجد مذکور در حدیث منع کنید حتی مثل شدّ رحل برای رفتن به عرفات و منی را، یا شد رحل برای تحصیل علم و یا جهاد در راه خدا و ... را. بدیهی است که فرض دوم مشکل است و با فرض نخست، این حدیث اگر چه سنداً هم تمام باشد قابل استناد در ما نحن فیه نیست.

می‌گویند: نماز در مشاهد و نزد قبور ممنوع است.

می‌گوئیم: با توجه به اینکه مشاهد مشرفه و اماکن متبرکه دارای شرافت خاص و ارزش ویژه‌ای است هیچ اشکالی ندارد که در آنجا

نماز خوانده شود. قرآن و حدیث نیز مؤید همین معناست.

۱- الفقه علی المذاهب الاربعه ۱/ ۴۲۰.

۲- مسند احمد ۳/ ۲۴۸.

۳- صحیح ابن ماجه ۱/ ۱۱۳.

۴- توبه ۸۴.

۵- صحیح ابن ماجه ۱/ ۱۱۴.

۶- وفاء الوفاء جلد ۴.

۷- همان.

۸- همان.

۹- صحیح مسلم ۴/ ۱۲۶.

ص: ۶۰

لنتخذن علیهم مسجداً (۱) ۳۴۷ گروه موحد خواستند مدفن اصحاب کهف را مسجد قرار دهند. و نقل بدون ردع قرآن تأیید آن است.

* و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی (۲) ۳۴۸ * کانت فاطمه رضی الله عنها تزور قبر عمها حمزه کل جمعه فتصلی و تبکی عنده. (۳) ۳۴۹ * آیا این اماکن تحت قانون کلی «جعلت لی الأرض مسجداً و طهوراً» (۴) ۳۵۰ نیستند؟
* آیا «ام المؤمنین» یک عمر در حجره خود که مدفن پیامبر است نماز نگذارد؟ به عبادت نپرداخت.
*** می گویند: تبرک جستن به تربت اولیای الهی و ائمه و یا با مس دیواره حرم و ضریح و ... جایز نیست.
می گوئیم:

* تبرک جستن، نوعی اظهار علاقه و محبت کردن به اولیای والاست و سیره عقلاء بر این روش است.
* تا دلیل قطعی بر منع و نهی نباشد، تبرک جستن جایز است.

* در نقلی از عایشه آمده است: کان النبی - (ص) - یؤتی بالصبیان فیتبرک علیهم و یحکنهم. (۵) ۳۵۱ * روایات در باب تبرک جستن اصحاب بوجود پیامبر و آب وضوی حضرت متواتر است. (۶) ۳۵۲ * هرگاه پیامبر - (ص) - سر خود را می تراشیدند اصحاب اطراف حضرت را گرفته و به تارهای موی حضرت تبرک جسته و به همین منظور با خود می بردند. (۷) ۳۵۳ * سمهودی نام ۲۳ چاه را در کتابش آورده است که رسول الله - (ص) - از برخی آنها وضو گرفته و از اینرو مورد توجه و تبرک مردم بوده است.
* در تبرک جستن به آب زمزم هیچگونه تردیدی نیست.

* پیامبر در یکی از جنگها پس از مراجعت دست پینه بسته‌ای را بوسیدند و فرمودند: هذه ید لا تمسها النار ابداً.

* جریان یوسف و پدرش (اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه ابی یأت بصیراً) (۸) ۳۵۴ (فلما ان جاء البشیر القاه علی وجهه فارتد بصیراً) گواه زنده‌ای بر جواز تبرک جستن است.

یادآوری: خاطرات تاریخی و شواهد در این زمینه فراوان است به دو کتاب در این مورد مراجعه کنید.

۱- الغدیر جلد ۵ از صفحه ۱۴۶ تا ۱۵۶.

۲- تبرک الصحابه باثار رسول الله - (ص) - اثر: محمدطاهر مکی.

یک کلام چند پیام:

قال النبی - (ص) - : یا علی. ان الله جعل قبرک و قبر ولدک بقاع من بقاع الجنه و عرصات من عرصاتها و ان الله جعل قلوب نجباء من خلقه و صفوه من عباده تحن الیکم و تحتل المنکر و الاذی فیعمرون قبورکم و یکثرون زیارتها تقربا منهم الی الله و موده منهم لرسوله. اولئک یا علی المخلصون بشفاعتی، الواردون الحوض، هم زواری غداً فی الجنه. یا علی من عمر قبورکم و تعاهدها فکانما اعان سلیمان بن داوود علی بناء بیت المقدس و من زار قبورکم عدل ذلک ثواب سبعین حجّه بعد حجّه الاسلام و خرج من ذنوبه کیوم ولدته امه و لکن حثاله من الناس، یعیرون زوار قبورکم کما تعیر الزانیه بزنائها، اولئک شرار امتی لا انا لهم الله شفاعتی و لا یرون حوضی. (۹) ۳۵۵

می گویند: با توجه به انحصار حق شفاعت در خداوند، غیر او را شفیع دانستن و از غیر او طلب شفاعت کردن ممنوع است.

- ۱-- کهف ۲۱.
- ۲-- بقره ۱۲۵.
- ۳-- سنن بیهقی ۴/۷۸.
- ۴-- صحیح مسلم ۳/۴۳.
- ۵-- صحیح مسلم ۴/۴۳.
- ۶-- صحیح بخاری ۳/۲۵۵.
- ۷-- سمهودی ۳۱ حدیث در این مورد نقل می‌کند.
- ۸-- سوره یوسف آیات ۹ و ۹۲.
- ۹-- بحار ۱۰۰/۱۲۱؛ وافی ۲/۱۹۶.

ص: ۶۱

می گوئیم:

* در شفاعت، ما استقلالی برای دیگران در عرض حق شفاعت الهی معتقد نیستیم.

* شفاعت درخواست وساطت افراد شایسته است و این مورد تأیید قرآن و حدیث است. در این مورد به آیات: (غافر: ۷، محمد: ۱۹، نساء: ۶۴، یوسف: ۹۶، مائده: ۳۵) مراجعه گردد.

* انس می گوید: سألت النبی - (ص) - ان یشفع لی یوم القیامه فقال انا فاعل. قلت فاین اطلبک فقال علی الصراط. (۱) ۳۵۶ * ابن عباس می گوید: هنگامی که امیر مؤمنان از غسل پیامبر فارغ شد خطاب به حضرتش گفت: بابی انت و امی طبت حیا و طبت میتاً... واذکرنا عند ربک. (۲) ۳۵۷ نظیر همین سخن را در مورد ابوبکر کنار بدن پیامبر - (ص) - ذکر نموده اند. (۳) ۳۵۸ * پیامبر - (ص) - و ائمه - علیهم السلام - پس از ارتحال، مرده نیستند تا شفاعت خواستن از ایشان، درخواستی لغو باشد.

* شفاعت خواستن از ایشان، پرستش آنان نیست تا به «لاتدعوا مع الله احداً» استناد کنید.

می گویند: سوگند دادن به نام و مقام اولیا ممنوع است زیرا قسم دادن به غیر خدا شرک است.

می گوئیم:

* قبل از هر چیز، تلقی شما از «توحید و شرک» مختص خودتان و در نظر دیگران این تلقی غلط منشأ همه اشکالات است.

* در سوره الشمس به ۹ چیز - در النازعات به ۳ چیز - در المرسلات به ۲ چیز و در بعض سور دیگر نیز به اموری قسم یاد شده است. * در فقه اهل سنت شکستن سوگند به نام پیامبر همچون نقض یمین بالله، کفاره دارد. (۴) ۳۵۹ * هیچیک از ائمه مذاهب اربعه فتوا به تحریم سوگند به نام غیر خدا نداده است.

* روایاتی که نهی از سوگند به غیر خدا دارد یا از آن جهت بوده است که به پدران مشرک خود قسم می خوردند و یا ناظر به مقام گواهی در محکمه است و یا از آن رو بوده است که برخی به «لات و عزی» قسم یاد می کردند.

می گویند: توسل به پیامبر - (ص) - و ائمه، با توحید منافات دارد.

می گوئیم: با نظری به آیات و روایات عدم تنافی آن دو روشن است. که ما به مواردی اشاره می نمایم.

* یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیله. (۵) ۳۶۰ * ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤوک فاستغفروا لله واستغفر لهم الرسول لوجدوا لله توابا رحیماً (۶) ۳۶۱ «بویژه که حیا و میتاً یکسان هستند».

* عن انس ان عمر بن خطاب کان اذا قحطوا استقی بالعباس بن عبدالمطلب. (۷) ۳۶۲ * عامه و امامیه روایات بسیاری را ذیل آیه «فتلقى آدم من ربه کلمات» (۸) ۳۶۳ آورده اند که حکایت از توسل حضرت آدم به نام خمسه طیبه - علیهم السلام - است.

* قال الصادق - (ع) - نحن السبب بینکم و بین الله و قال - (ع) - نحن جبل الله الذی قال الله تعالی واعتصموا بجبل الله و قال ابو جعفر - (ع) - آل محمد هم جبل الله الذی امر بالاعتصام. (۹) ۳۶۴

یادآوری: آنچه عوام الناس انجام می دهند، مانند: روشن نمودن شمع، بستن پارچه و قفل به ضریح و ... قطعاً خلاف است و اینها را توسل نامند. آنچه ما آن را توسل می نامیم دارای جهت است. فرد متوسل با این ارتباط، در حقیقت بر الگوگیری و جهت یابی صحیح تکیه دارد. و با توسل در حقیقت از وسایط فیض، بهره می جوید تا نزد حضرت حق، تقرب یابد.

(۱۰) ۳۶۵

- ۱ (۱) - انبیاء: ۵۱.
- ۲ (۲) - انعام: ۷۵.
- ۳ (۳) - انعام: ۷۹.
- ۴ (۴) - انعام: ۷۶.
- ۵ (۵) - انبیاء: ۶۷.
- ۶ (۶) - انبیاء: ۵۲.
- ۷ (۷) - بقره: ۲۵۸.
- ۸ (۸) - صافات: ۸۴.
- ۹ (۹) - انبیاء: ۵۷.
- ۱۰ (۱۰) - انبیاء: ۵۸.
- ۱۱ (۱۱) - انبیاء: ۶۸.
- ۱۲ (۱۲) - انبیاء: ۶۹.
- ۱۳ (۱۳) - صافات: ۱۰۲.
- ۱۴ (۱۴) - صافات: ۱۰۳.
- ۱۵ (۱۵) - صافات: ۱۰۴.
- ۱۶ (۱۶) - بقره: ۱۲۴.
- ۱۷ (۱۷) - نحل: ۱۲۰.
- ۱۸ (۱۸) - ممتحنه: ۱۲۰.
- ۱۹ (۱۹) - ابراهیم: ۳۷.
- ۲۰ (۲۰) - ابراهیم: ۳۷.
- ۲۱ (۲۱) - بقره: ۱۲۷.
- ۲۲ (۲۲) - بقره: ۱۲۵.
- ۲۳ (۲۳) - بقره: ۱۲۹.
- ۲۴ (۲۴) - حج: ۲۷.
- ۲۵ (۲۵) - بقره: ۱۲۵.
- ۲۶ (۲۶) - آل عمران: ۹۷.
- ۲۷ (۲۷) - آل عمران: ۹۷.
- ۲۸ (۲۸) - وسائل، ج ۸.
- ۲۹ (۱) - آل عمران: ۹۷.
- ۳۰ (۲) - ثواب الاعمال.
- ۳۱ (۳) - کافی.
- ۳۲ (۴) - کافی.
- ۳۳ (۵) - علل الشرایع.

- ۳۴ (۶) - نهج البلاغه.
- ۳۵ (۷) - وسائل.
- ۳۶ (۱) - بقره: ۱۹۷.
- ۳۷ (۲) - علل الشرایع.
- ۳۸ (۳) - احتجاج، طبرسی.
- ۳۹ (۴) - نهج البلاغه.
- ۴۰ (۵) - در روایات آمده است / وافی.
- ۴۱ (۶) - مائده: ۹۷.
- ۴۲ (۷) - علل الشرایع.
- ۴۳ (۸) - علل الشرایع.
- ۴۴ (۹) - علل الشرایع.
- ۴۵ (۱۰) - علل الشرایع.
- ۴۶ (۱۱) - امالی، طوسی.
- ۴۷ (۱۲) - علل الشرایع.
- ۴۸ (۱۳) - نهج البلاغه.
- ۴۹ (۱۴) - نهج البلاغه.
- ۵۰ (۱) - فیل: ۱.
- ۵۱ (۲) - سخن عبدالمطلب نزد ابرهه.
- ۵۲ (۳) - سیره حلبی، ۱/۱۰۶.
- ۵۳ (۴) - مناقب، ۱/۲۴.
- ۵۴ (۵) - نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.
- ۵۵ (۶) - نهج البلاغه.
- ۵۶ (۷) - علق: ۱.
- ۵۷ (۸) - جمعه: ۲.
- ۵۸ (۹) - آل عمران: ۱۰۳.
- ۵۹ (۱۰) - آل عمران: ۱۰۲.
- ۶۰ (۱۱) - نهج البلاغه، خطبه ۲۶.
- ۶۱ (۱۲) - جمعه: ۲.
- ۶۲ (۱۳) - آل عمران: ۱۰۲.
- ۶۳ (۱۴) - آل عمران: ۱۰۲.
- ۶۴ (۱۵) - حجرات: ۱۷.
- ۶۵ (۱۶) - انعام: ۹۲.
- ۶۶ (۱۷) - حجر: ۹۴.

- ۶۷ (۱۸) - سیأ: ۲۸.
- ۶۸ (۱۹) - میزان الحکمة.
- ۶۹ (۲۰) - انبیاء: ۱۰۷.
- ۷۰ (۱) - ابراهیم: ۴.
- ۷۱ (۲) - احزاب: ۲۱.
- ۷۲ (۳) - نحل: ۱۲۳.
- ۷۳ (۴) - نحل: ۱۲۳.
- ۷۴ (۵) - مؤمنون: ۹۶.
- ۷۵ (۶) - نجم: ۳.
- ۷۶ (۷) - شعراء: ۱۲۷.
- ۷۷ (۸) - توبه: ۶.
- ۷۸ (۹) - یوسف: ۱۰۸.
- ۷۹ (۱۰) - شعراء: ۱۲۷.
- ۸۰ (۱۱) - سیره ابن هشام.
- ۸۱ (۱۲) - ص: ۴.
- ۸۲ (۱۳) - سیره ابن هشام.
- ۸۳ (۱۴) - ذاریات: ۵۲.
- ۸۴ (۱۵) - نجم: ۵-۲.
- ۸۵ (۱) - مائده: ۵۴.
- ۸۶ (۲) - فصلت: ۲۶.
- ۸۷ (۳) - انفال: ۳۰.
- ۸۸ (۴) - انفال: ۳۰.
- ۸۹ (۵) - بقره: ۲۰۷.
- ۹۰ (۶) - آنگونه که ابن تیمیه معتقد است.
- ۹۱ (۷) - آل عمران: ۱۵۹.
- ۹۲ (۸) - قلم: ۴.
- ۹۳ (۹) - احزاب: ۲۱.
- ۹۴ (۱۰) - از مکارم الاخلاق، محجّه و بحار استفاده شد.
- ۹۵ (۱) - انعام: ۵۴.
- ۹۶ (۲) - توبه: ۱۰۳.
- ۹۷ (۳) - حجر: ۸۸.
- ۹۸ (۴) - کهف: ۲۸.
- ۹۹ (۵) - انعام: ۵۲.

- ۱۰۰ (۶) - آل عمران: ۶۳.
- ۱۰۱ (۷) - انعام: ۱۰۶.
- ۱۰۲ (۸) - مزمل: ۱۰.
- ۱۰۳ (۹) - هود: ۱۲.
- ۱۰۴ (۱۰) - توبه: ۶.
- ۱۰۵ (۱۱) - ابن هشام، ۳۵۲ / ۱.
- ۱۰۶ (۱۲) - تاریخ ابن کثیر، ۴۲ / ۲.
- ۱۰۷ (۱) - شرح نهج البلاغه، ۸۴ / ۱۴.
- ۱۰۸ (۲) - سیره حلبی، ۱۲۵ / ۱.
- ۱۰۹ (۳) - «الصحيح من سيرة النبي، ۱۳۵ / ۲».
- ۱۱۰ (۴) - بحار، ۱۵۱ / ۳۵.
- ۱۱۱ (۵) - شرح نهج البلاغه، ۷۱ / ۱۴.
- ۱۱۲ (۶) - الغدير، ۴۰۲ / ۷ به بعد مراجعه گردد.
- ۱۱۳ (۷) - سیره حلبی، ۳۹۰ / ۱.
- ۱۱۴ (۱) - الفصول المهمة، ۱۲۹.
- ۱۱۵ (۲) - اسدالغابه، ۵۳۷ / ۵.
- ۱۱۶ (۳) - الاستيعاب، ۷۲۰ / ۲؛ با اندکی تغییر در صحیح بخاری، ۱۶۴ / ۴.
- ۱۱۷ (۴) - اسدالغابه، ۴۳۸ / ۵.
- ۱۱۸ (۵) - مناقب، ۱۵۹ / ۱.
- ۱۱۹ (۱) - غافر: ۶۰.
- ۱۲۰ (۲) - بقره: ۲۳.
- ۱۲۱ (۳) - یونس: ۲۵.
- ۱۲۲ (۴) - بقره: ۷۰.
- ۱۲۳ (۵) - بقره: ۱۸۶.
- ۱۲۴ (۶) - ذاریات: ۵۶.
- ۱۲۵ (۷) - عدة الداعی.
- ۱۲۶ (۸) - المیزان، ۵۸ / ۳.
- ۱۲۷ (۹) - کلمة الله.
- ۱۲۸ (۱۰) - غافر: ۱۴.
- ۱۲۹ (۱۱) - بقره: ۱۸۶.
- ۱۳۰ (۱۲) - عدة الداعی.
- ۱۳۱ (۱۳) - بقره: ۱۸۶.
- ۱۳۲ (۱) - کافی، کتاب الدعاء.

۱۳۳ (۲) - کافی، کتاب الدعاء.

۱۳۴ (۳) - کلمة الله.

۱۳۵ (۴) - عدة الداعی.

۱۳۶ (۵) - وسائل، کتاب الصلاة، ابواب الدعاء.

۱۳۷ (۶) - وسائل، کتاب الصلاة، ابواب الدعاء.

۱۳۸ (۷) - بقره: ۴۰.

۱۳۹ (۸) - توبه: ۶۷.

۱۴۰ (۹) - وسائل.

۱۴۱ (۱۰) - وسائل.

۱۴۲ (۱۱) - یونس: ۱۲.

۱۴۳ (۱۲) - وسائل.

۱۴۴ (۱۳) - مائده: ۳۵.

۱۴۵ (۱) - نور: ۳۶.

۱۴۶ (۲) - اعراف: ۱۸۰.

۱۴۷ (۳) - وسائل.

۱۴۸ (۴) - وسائل.

۱۴۹ (۵) - وسائل.

۱۵۰ (۶) - وسائل.

۱۵۱ (۷) - وسائل.

۱۵۲ (۸) - کافی، کتاب الدعاء.

۱۵۳ (۹) - کافی، کتاب الدعاء.

۱۵۴ (۱۰) - وسائل.

۱۵۵ (۱۱) - وسائل.

۱۵۶ (۱۲) - کلمة الله.

۱۵۷ (۱۳) - کافی.

۱۵۸ (۱۴) - وسائل.

۱۵۹ (۱) - عدة الداعی.

۱۶۰ (۲) - نهج البلاغه، ح ۱۷۰.

۱۶۱ (۳) - بحار، ۳۵۴/۷۳.

۱۶۲ (۴) - کافی، ۲/۲۷۳.

۱۶۳ (۵) - کافی، ۲/۲۷۳.

۱۶۴ (۶) - غرر الحکم.

۱۶۵ (۷) - کافی، ۲/۲۷۱.

- ۱۶۶ (۸) - کافی، ۲/ ۲۷۲.
- ۱۶۷ (۹) - روم: ۱۰.
- ۱۶۸ (۱۰) - بحار، ۷۳/ ۳۶۰.
- ۱۶۹ (۱۱) - به کافی جلد ۲ مراجعه شود.
- ۱۷۰ (۱۲) - اعراف: ۱۶.
- ۱۷۱ (۱۳) - بحار، ۶۳/ ۱۵۵.
- ۱۷۲ (۱) - نساء: ۱۷.
- ۱۷۳ (۲) - نساء: ۱۷.
- ۱۷۴ (۳) - بحار، ۷۷/ ۱۰۴.
- ۱۷۵ (۴) - توبه: ۱۰۲.
- ۱۷۶ (۵) - بحار، ۷۸/ ۸۱.
- ۱۷۷ (۶) - تحریم: ۸.
- ۱۷۸ (۷) - آل عمران: ۸۹.
- ۱۷۹ (۸) - احزاب: ۷۱.
- ۱۸۰ (۹) - طه: ۸۲.
- ۱۸۱ (۱۰) - فرقان: ۷۰.
- ۱۸۲ (۱۱) - زمر: ۵۳.
- ۱۸۳ (۱۲) - هود: ۳.
- ۱۸۴ (۱۳) - هود: ۵۲.
- ۱۸۵ (۱۴) - بحار، ۶/ ۳۱.
- ۱۸۶ (۱۵) - مستدرک، ۲۹/ ۳۴۸.
- ۱۸۷ (۱۶) - نور: ۳۱.
- ۱۸۸ (۱۷) - بحار، ۶/ ۳۱.
- ۱۸۹ (۱۸) - نهج البلاغه، ح ۴۱۷.
- ۱۹۰ (۱) - طه: ۱۴.
- ۱۹۱ (۲) - نساء: ۱۰۳.
- ۱۹۲ (۳) - احزاب: ۴۱ و ۴۲.
- ۱۹۳ (۴) - بحار، ۷۸/ ۹۳.
- ۱۹۴ (۵) - رعد: ۲۸.
- ۱۹۵ (۶) - رعد: ۲۸.
- ۱۹۶ (۷) - غرر الحکم.
- ۱۹۷ (۸) - مجموعه ورام، ۳۶۰.
- ۱۹۸ (۹) - غرر الحکم.

- ۱۹۹ (۱۰) - غرر الحکم.
- ۲۰۰ (۱۱) - بقره: ۱۵۲.
- ۲۰۱ (۱۲) - بحار، ۹۳ / ۱۶۰.
- ۲۰۲ (۱۳) - غرر الحکم.
- ۲۰۳ (۱۴) - طه: ۱۴.
- ۲۰۴ (۱۵) - عنکبوت: ۴۵.
- ۲۰۵ (۱۶) - کنز العمال، ۱۸۷۲.
- ۲۰۶ (۱۷) - غرر الحکم.
- ۲۰۷ (۱) - غرر الحکم.
- ۲۰۸ (۲) - صحیفه سجادیه.
- ۲۰۹ (۳) - انفال: ۴۵.
- ۲۱۰ (۴) - غرر الحکم.
- ۲۱۱ (۵) - بحار، ۷۵ / ۳۲۱.
- ۲۱۲ (۶) - بقره: ۱۹۸.
- ۲۱۳ (۷) - بقره: ۲۰۰.
- ۲۱۴ (۸) - نساء: ۱۰۳.
- ۲۱۵ (۹) - قصار الجمل، ۱ / ۲۲۸.
- ۲۱۶ (۱۰) - بحار، ۷۸ / ۵۵.
- ۲۱۷ (۱۱) - بحار، ۷۸ / ۵۵.
- ۲۱۸ (۱۲) - بحار، ۹۳ / ۱۶۲.
- ۲۱۹ (۱۳) - منافقون: ۹.
- ۲۲۰ (۱۴) - فرقان: ۱۸.
- ۲۲۱ (۱۵) - نجم: ۲۹.
- ۲۲۲ (۱۶) - تکاثر: ۱.
- ۲۲۳ مرکز تحقیقات حج، سوژه‌های سخن (در مکه و مدینه)، اجلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱.
- ۲۲۴ (۱) - نور: ۳۷.
- ۲۲۵ (۲) - جمعه: ۱۰.
- ۲۲۶ (۳) - غرر الحکم.
- ۲۲۷ (۴) - بحار ۷۸ / ۱۲۹.
- ۲۲۸ (۵) - طه: ۱۲۴.
- ۲۲۹ (۱) - آل عمران: ۲۸.
- ۲۳۰ (۲) - وسائل الشیعه، ۱۱ / ۴۶۸.
- ۲۳۱ (۳) - وسائل الشیعه، ۱۱ / ۴۶۸.

- ۲۳۲ (۴) - وسائل، ۱۱ / ۴۶۵.
- ۲۳۳ (۵) - وسائل، ۱۱ / ۴۶۱.
- ۲۳۴ (۶) - وسائل الشیعه، ۱۱ / باب ۲۴.
- ۲۳۵ (۷) - وسائل، ۱۱ / ۴۶۱.
- ۲۳۶ (۸) - وسائل، ۱۱ / ۴۶۱.
- ۲۳۷ (۱) - نساء: ۱۰۰ - ۹۷.
- ۲۳۸ (۲) - عنکیوت: ۵۶.
- ۲۳۹ (۳) - آل عمران: ۱۹۵.
- ۲۴۰ (۴) - توبه: ۱۰۰.
- ۲۴۱ (۵) - نساء: ۱۰۰.
- ۲۴۲ (۶) - نساء: ۱۰۰.
- ۲۴۳ (۷) - حج: ۵۸.
- ۲۴۴ (۸) - توبه: ۲۰.
- ۲۴۵ (۹) - حشر: ۸.
- ۲۴۶ (۱۰) - انفال: ۷۴.
- ۲۴۷ (۱۱) - توبه: ۱۱۷.
- ۲۴۸ (۱۲) - بقره: ۲۱۸.
- ۲۴۹ (۱۳) - انفال: ۳۰.
- ۲۵۰ (۱۴) - بقره: ۲۰۷.
- ۲۵۱ (۱۵) - توبه: ۴۰.
- ۲۵۲ (۱۶) - ینابیع الموده، ۱ / ۲۲۶.
- ۲۵۳ (۱۷) - بقره: ۱۴۴.
- ۲۵۴ (۱۸) - بقره: ۱۴۳.
- ۲۵۵ (۱) - انفال: ۷.
- ۲۵۶ (۲) - به سیره ابن هشام و تاریخ طبری مراجعه شود.
- ۲۵۷ (۳) - آل عمران: ۱۴۴.
- ۲۵۸ (۱) - آل عمران: ۱۵۲ به بعد.
- ۲۵۹ (۱) - فتح: ۱۸.
- ۲۶۰ (۱) - آل عمران: ۶۱.
- ۲۶۱ (۲) - مائده: ۶۷.
- ۲۶۲ (۳) - به الغدیر جلد ۱ مراجعه گردد.
- ۲۶۳ (۱) - توبه: ۱۸.
- ۲۶۴ (۲) - بحار، ۷۶ / ۳۳۶.

- ۲۶۵ (۳) - امالی، صدوق.
- ۲۶۶ (۴) - بحار، ۳ / ۸۴.
- ۲۶۷ (۵) - بحار، ۳۷۹ / ۸۳.
- ۲۶۸ (۶) - وسایل ۳ / ۵۱۲.
- ۲۶۹ (۷) - بحار، ۳۵۴ / ۸۳.
- ۲۷۰ (۱) - وسائل، ۴۷۹ / ۸۳.
- ۲۷۱ (۲) - بحار، ۳۵۴ / ۸۳.
- ۲۷۲ (۳) - بحار، ۳۵۴ / ۸۳.
- ۲۷۳ (۴) - بحار، ۳۵۴ / ۸۳.
- ۲۷۴ (۵) - مصباح الشریعه، ۱۴۲.
- ۲۷۵ (۶) - همان.
- ۲۷۶ (۷) - بقره: ۲۲۲.
- ۲۷۷ (۸) - یوسف: ۶۴.
- ۲۷۸ (۱) - محجۀ البیضاء ۲ / ۲۱۰.
- ۲۷۹ (۲) - کافی ۴ / ۳۳۵.
- ۲۸۰ (۳) - حج / ۲۹.
- ۲۸۱ (۴) - بحار ۹۹ / ۱۹۸.
- ۲۸۲ (۵) - مناقب ۴ / ۱۵۱.
- ۲۸۳ (۶) - کافی ۴ / ۲۴۰.
- ۲۸۴ (۷) - نهج البلاغه خطبه اول.
- ۲۸۵ (۸) - علل الشرایع ۲ / ۴۲۴.
- ۲۸۶ (۹) - فقه الرضا / ۴۶.
- ۲۸۷ (۱۰) - کافی ۴ / ۴۰۱ از امام صادق - (ع) -.
- ۲۸۸ (۱۱) - علل ۲ / ۱۱۸.
- ۲۸۹ (۱۲) - بقره ۱۵۸.
- ۲۹۰ (۱۳) - من لایحضره الفقیه ۲ / ۱۳۵.
- ۲۹۱ (۱۴) - همان.
- ۲۹۲ (۱) - محاسن ۱ / ۶۵.
- ۲۹۳ (۲) - مستدرک ۲ / ۱۶۷.
- ۲۹۴ (۳) - وافى ۲ / ۴۲.
- ۲۹۵ (۴) - مستدرک ۲ / ۱۷۶.
- ۲۹۶ مرکز تحقیقات حج، سوژه‌های سخن (در مکه و مدینه)، اجلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱.
- ۲۹۷ (۱) - ذاریات: ۵۶.

- ۲۹۸ (۲) - نمل: ۳۶.
- ۲۹۹ (۳) - مفردات راغب.
- ۳۰۰ (۴) - غرر الحکم.
- ۳۰۱ (۵) - کافی، ۸۴ / ۲.
- ۳۰۲ (۶) - نهج الفصاحه.
- ۳۰۳ (۷) - محجّه البيضاء، ۱۹ / ۱.
- ۳۰۴ (۸) - کافی، ۲۴۰ / ۴.
- ۳۰۵ (۹) - کافی، ۲۴۰ / ۴.
- ۳۰۶ (۱۰) - نفس المهموم.
- ۳۰۷ (۱۱) - کافی، ۵۵ / ۲.
- ۳۰۸ (۱۲) - کافی، ۲۴۰ / ۴.
- ۳۰۹ (۱۳) - کافی، ۲۴۰ / ۴.
- ۳۱۰ (۱) - زمر: ۲.
- ۳۱۱ (۲) - بینه: ۵.
- ۳۱۲ (۳) - سفینه البحار، واژه عبد.
- ۳۱۳ (۴) - سفینه البحار، واژه عبد.
- ۳۱۴ (۵) - مؤمنون: ۲.
- ۳۱۵ (۶) - کافی، ۸۳ / ۲.
- ۳۱۶ (۷) - کافی، ۸۶ / ۲.
- ۳۱۷ (۸) - نهج الفصاحه.
- ۳۱۸ (۹) - نهج الفصاحه.
- ۳۱۹ (۱۰) - مریم: ۶۵.
- ۳۲۰ (۱۱) - نهج الفصاحه.
- ۳۲۱ (۱۲) - دعای مکارم الاخلاق.
- ۳۲۲ (۱) - بقره: ۲۶۴.
- ۳۲۳ (۲) - کافی، ۳۰۶ / ۲.
- ۳۲۴ (۳) - کافی، ۲۹۸ / ۲.
- ۳۲۵ (۴) - فاطر: ۱۵.
- ۳۲۶ (۵) - بقره: ۲۱.
- ۳۲۷ (۶) - ایلاف: ۳ و ۴.
- ۳۲۸ (۷) - بقره: ۱۵۳.
- ۳۲۹ (۸) - آل عمران: ۵۱؛ مریم: ۳۶؛ زخرف: ۶۴.
- ۳۳۰ (۱) - زاد المعاد ابن قیم.

- ۳۳۱ (۲) - حج / ۳۲.
- ۳۳۲ (۳) - شوری / ۲۳.
- ۳۳۳ (۴) - كهف / ۲۱.
- ۳۳۴ (۵) - همان.
- ۳۳۵ (۶) - نور / ۳۶.
- ۳۳۶ (۷) - درالمنثور / ۵۰ / ۵.
- ۳۳۷ (۸) - سنن ترمذی / ۲ / ۲۵۶.
- ۳۳۸ (۱) - الفقه علی المذاهب الاربعه / ۱ / ۴۲۰.
- ۳۳۹ (۲) - مسند احمد / ۳ / ۲۴۸.
- ۳۴۰ (۳) - صحیح ابن ماجه / ۱ / ۱۱۳.
- ۳۴۱ (۴) - توبه / ۸۴.
- ۳۴۲ (۵) - صحیح ابن ماجه / ۱ / ۱۱۴.
- ۳۴۳ (۶) - وفاء الوفاء جلد ۴.
- ۳۴۴ (۷) - همان.
- ۳۴۵ (۸) - همان.
- ۳۴۶ (۹) - صحیح مسلم / ۴ / ۱۲۶.
- ۳۴۷ (۱) - كهف / ۲۱.
- ۳۴۸ (۲) - بقره / ۱۲۵.
- ۳۴۹ (۳) - سنن بیهقی / ۴ / ۷۸.
- ۳۵۰ (۴) - صحیح مسلم / ۳ / ۴۳.
- ۳۵۱ (۵) - صحیح مسلم / ۴ / ۴۳.
- ۳۵۲ (۶) - صحیح بخاری / ۳ / ۲۵۵.
- ۳۵۳ (۷) - سمهودی / ۳۱ حدیث در این مورد نقل می‌کند.
- ۳۵۴ (۸) - سوره یوسف آیات ۹ و ۹۲.
- ۳۵۵ (۹) - بحار / ۱۰۰ / ۱۲۱؛ وافی / ۲ / ۱۹۶.
- ۳۵۶ (۱) - سنن ترمذی / ۴ / ۴۲.
- ۳۵۷ (۲) - نهج البلاغه خ / ۲۳۰.
- ۳۵۸ (۳) - كشف الارتباب / ۲۶۵.
- ۳۵۹ (۴) - مغنی ابن قدامه / ۹ / ۵۱۷.
- ۳۶۰ (۵) - مائده / ۳۵.
- ۳۶۱ (۶) - نساء / ۶۴.
- ۳۶۲ (۷) - بخاری / ۱ / ۱۲۸.
- ۳۶۳ (۸) - بقره / ۳۷.

۳۶۴ (۹) - بحار / ۲۴.

۳۶۵ مرکز تحقیقات حج، سوژه‌های سخن (در مکه و مدینه)، اجلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱.

۱- سنن ترمذی ۴ / ۴۲.

۲- نهج البلاغه خ ۲۳۰.

۳- کشف الارتیاب ۲۶۵.

۴- مغنی ابن قدامه ۹ / ۵۱۷.

۵- مائده ۳۵.

۶- نساء / ۶۴.

۷- بخاری ۱ / ۱۲۸.

۸- بقره / ۳۷.

۹- بحار / ۲۴.

۱۰- مرکز تحقیقات حج، سوژه‌های سخن (در مکه و مدینه)، اجلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

